

گاهنامه علمی دانشجویی

# عربیسه



گاهنامه علمی - دانشجویی  
انجمن علمی - دانشجویی حقوق دانشگاه تهران  
شماره یازدهم | سال پنجم | خرداد ۱۴۰۴



lawut-anjomanelmi



سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ يَا حُسَيْنَ بْنَ الْكَرِيمِ



گاهنامه علمی - دانشجویی

انجمن علمی - دانشجویی حقوق دانشگاه تهران

شماره یازدهم | سال پنجم | خرداد ۱۴۰۴



■ سردبیر: امیرفاضل آخوندی

■ مدیر مسئول: آتنا سیریزی نژاد

■ ویراستاران: نگار تبریزیان-محمد فرهادی

■ هیئت تحریریه: امیرمهدی اسفندی-محمدحسن اله دین-ستایش امیری-وحید حسن پور  
فرنوش فخار-محمد جواد محقق-مهدی مظفری اناری-جاوید منتظران-عرفان ولی پور

■ طراح جلد و صفحه آرا: زهرا غنیمتی



lawut-anjomanelmi

شماره مجوز:

۱۳۲/۲۲۸۰۴۲

## فهرست مطالب



|    |                                                                                                                                                      |    |
|----|------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|----|
| ۲  | سخن سردبیر<br>امیرفاضل آخوندی، دانشجوی کارشناسی حقوق دانشگاه تهران                                                                                   | ۲۵ |
| ۳  | هوش مصنوعی و تحول در مفهوم حقوق دان و وکیل خوب: از رقابت بازمانیم!<br>دکتر سید محمد حسن رضوی - عضو هیئت علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران | ۲۵ |
| ۵  | تأثیر الکترونیک شدن چک بر مهلت های مراجعه به ظهرنویسان<br>دکتر محسن صادقی-عضو هیئت علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران                      | ۲۵ |
| ۱۱ | ساختار، آیین کار و نقش کمیته های تحریم سازمان ملل متحد<br>امید خجسته مهر - وکیل دادگستری و مدرس دانشگاه                                              | ۲۵ |
| ۱۷ | وکیل بلاگری و اخلاق حرفه ای وکالت در عصر دیجیتال<br>علی منافی - دانش آموخته کارشناسی ارشد حقوق بشر دانشگاه تهران                                     | ۲۵ |
| ۲۴ | تنظیم حقوقی قراردادهای هوشمند در ورزش الکترونیک (Esports)<br>سپیده احمدیان فرد - دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق بین الملل دانشگاه تهران                  | ۲۵ |
| ۳۰ | دیپ فیک و تهدیدات احتمالی آن بر سیستم عدالت کیفری<br>امیر مسعود پورموسی - دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه گیلان                   | ۲۵ |
| ۳۷ | تحلیل جامع داوری در چشم انداز نوین تجارت الکترونیک<br>آیرین محمدی، پژمان یزدانی، دیاکو اصلانی                                                        | ۲۵ |
| ۴۷ | تابعیت مضاعف؛ یک فرصت یا تهدید؟ (بررسی اجمالی طرح ها، لوایح و قوانین اخیر)<br>امیرمحمد صدری - دانشجوی کارشناسی حقوق دانشگاه شهید بهشتی               | ۲۵ |
| ۵۵ | معرفی کتاب «عجیب ترین پرونده های قضایی»<br>نگین حقیقت - دانش آموخته رشته حقوق دانشگاه تهران و نویسنده کتاب                                           | ۲۵ |



## گر شد از جور شما خانه موری ویران / خانه خویش محال است که آباد کنید

افتخار بزرگی است که بار دیگر همراه شما در یازدهمین شماره از نشریه عدلیه حضور داریم. در این شماره، کوشیده‌ایم تا با نگاهی دقیق و همه‌جانبه، به موضوعاتی بپردازیم که بازتاب دهنده تحولات نوین در حوزه حقوق هستند.

مطالب پیش‌رو شامل بررسی نقش هوش مصنوعی در تحول مفهوم حقوق‌دان، تأثیر الکترونیکی شدن چک بر مهلت‌های مراجعه به ظهرنویسان، تحلیل جامع داوری، تهدیدات فناوری دیپ فیک بر نظام عدالت کیفری و همچنین حقوق ورزش الکترونیک می‌باشد؛ هر یک از این مباحث، گوشه‌ای از چالش‌ها و فرصت‌های حقوق معاصر را به تصویر می‌کشند. علاوه بر این، معرفی کتاب «عجیب‌ترین پرونده‌های قضایی» فرصتی فراهم آورده است تا در کنار جذابیت‌های فراوان، با پیچیدگی‌های دنیای قضایی نیز بیشتر آشنا شویم.

از استایید برزگوارم، جناب آقای دکتر سید محمدحسن رضوی و جناب آقای دکتر محسن صادقی که ما را در تهیه این شماره از نشریه یاری نموده‌اند، کمال تشکر را دارم. بسیار خرسندم که همکاری ایشان با ما، موجب اعتلای بیشتر سطح علمی نشریه گردیده است. امیدواریم این شماره، گامی مؤثر در ارتقاء دانش و بصیرت حقوقی مخاطبان محترم بردارد و انگیزه‌ای برای پژوهش‌های عمیق‌تر و گسترده‌تر فراهم آورد.

از همراهی و مشارکت ارزشمند شما مخاطبان ارجمند سپاسگزاریم و همواره مشتاق دریافت نظرات و پیشنهادات سازنده‌تان هستیم تا در مسیر تعالی و ارتقای کیفیت نشریه گام‌های استواری برداریم.



# هوش مصنوعی و تحول در مفهوم حقوق دان و وکیل خوب: از رقابت بازمانیم!

دکتر سید محمد حسن رضوی

■ عضو هیئت علمی دانشکده  
حقوق و علوم سیاسی  
دانشگاه تهران



به عنوان یک معلم، از نزدیک شاهد تأثیر شگرف فناوری‌های مختلف بر رشته حقوق و حرفه وکالت بوده‌ام. اما امروز ما در آستانه عصری نو ایستاده‌ایم، عصری که با «هوش مصنوعی» تعریف می‌شود، پدیده‌ای که دیگر صرفاً یک روند زودگذر نیست، بلکه تحولی بنیادین در معنای یک حقوق دان حاذق و یک وکیل توانمند و حرفه‌ای به شمار می‌آید.

## ■ انقلاب هوش مصنوعی در دنیای حقوق

هوش مصنوعی دیگر مفهومی انتزاعی و تخیلی نیست، بلکه واقعیتی است که هم‌اکنون در حال شکل دادن به حرفه وکالت و رشته حقوق در بسیاری از جنبه‌ها و ابعاد است. از بررسی اسناد و ارائه تحلیل‌های مبتنی بر پیش‌بینی آینده تا نگارش قراردادها و انجام تحقیقات حقوقی، ابزارهای مبتنی بر هوش مصنوعی باعث تسریع فرایندها، افزایش دقت، و آزادسازی زمان حقوق دانان و وکلا برای تمرکز بر امور مهم‌تر و خلاقانه‌تر شده‌اند. امروزه یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های مدیران بنگاه‌های تجاری، تسریع در پیاده‌سازی سامانه‌های مبتنی بر آموزش ماشین و هوش مصنوعی در سازمان خود بوده است تا با افزایش بهره‌وری، از دور رقابت عقب نمانند. مؤسسات حقوقی و دارالوکاله‌ها نیز از این قاعده مستثنی نیستند. مؤسسات حقوقی‌ای که به استقبال این فناوری رفته‌اند، نه تنها کارآمدتر شده‌اند، بلکه مزیتی رقابتی نیز یافته‌اند و توانسته‌اند گوی سبقت را از سایر رقبا بربایند.

آنچه این فناوری را جالب کرده است، شباهت عملکرد آن به فرایند یادگیری انسان است. همان‌طور که ما در طول سال‌ها دانش می‌اندوزیم و بر مبنای آموخته‌های پیشین دست به نوآوری می‌زنیم، هوش مصنوعی نیز از داده‌ها می‌آموزد و بر اساس آن‌ها خلق می‌کند. در این معنا، هوش مصنوعی مولد، ابزاری توانمند اما آشنا برای ماست و آینه‌ای است از فرایند یادگیری و نوآفرینی انسانی.

## ■ مهارت‌های جدید برای وکلای آینده

در این عصر جدید، تعریف «وکیل خوب» در حال تغییر است. مهارت‌های سنتی مانند تفکر تحلیلی، نگارش متقاعدکننده، و دفاع شفاهی همچنان مهم‌اند، اما مهارت در استفاده از فناوری و ابزارهای هوش مصنوعی نیز به همان اندازه ضروری شده است. وکیلی که بتواند از ظرفیت‌های هوش مصنوعی بهره برداری کند، توانایی بیشتری در خدمت‌رسانی به موکلان و مدیریت پیچیدگی‌های حقوق مدرن خواهد داشت.

یکی از مهارت‌های کلیدی برای دانشجویان حقوق امروز، مهندسی پرامپت (Prompt Engineering) است؛ یعنی توانایی طراحی و تنظیم دقیق درخواست‌هایی که منجر به تولید خروجی‌های مفید و دقیق توسط مدل‌های هوش مصنوعی می‌شود. این فرایند، مانند تدوین یک استدلال حقوقی یا نوشتن پیش‌نویس یک لایحه، نیازمند آزمون و خطا، بازنگری و اصلاح مداوم است.

در واقع، این مهارت آن‌چنان بااهمیت شده که پرامپت‌های خوب به عنوان دارایی فکری خرید و فروش می‌شوند. مهندسی پرامپت فقط آغاز راه است. دانشجویان حقوق باید با مفاهیمی چون تحلیل داده‌ها، الگوریتم‌های یادگیری ماشین، و ملاحظات اخلاقی در استفاده از هوش مصنوعی نیز آشنا شوند تا بتوانند تصمیمات آگاهانه اتخاذ کرده و از بروز تعصبات سیستمی جلوگیری کنند.

آنچه این فناوری را جالب کرده است، شباهت عملکرد آن به فرایند یادگیری انسان است. همان‌طور که ما در طول سال‌ها دانش می‌اندوزیم و بر مبنای آموخته‌های پیشین دست به نوآوری می‌زنیم، هوش مصنوعی نیز از داده‌ها می‌آموزد و بر اساس آن‌ها خلق می‌کند. در این معنا، هوش مصنوعی مولد، ابزاری توانمند اما آشنا برای ماست و آیین‌های است از فرایند یادگیری و نوآفرینی انسانی.

## ■ آماده‌سازی برای آینده

به عنوان معلم رشته حقوق، وظیفه ما آن است که دانشجویان را برای آینده حرفه‌ای‌شان آماده کنیم، آینده‌ای که در آن توانایی استفاده از هوش مصنوعی به اندازه تسلط بر اصول حقوقی اهمیت دارد. لازم است آموزش‌های مرتبط با هوش مصنوعی و نحوه استفاده از آن‌ها، وارد برنامه‌های درسی شوند و برای دانشجویان قواعد مخصوص به استفاده از این سامانه‌ها در دروسی مانند روش تحقیق و سمینار تبیین گردد. به علاوه، دانشجویان تجربه عملی استفاده از ابزارهای هوش مصنوعی را کسب کنند و روحیه یادگیری مستمر در آنان پرورش یابد و در ارتباط با تحولات این حوزه به روز باشند.

آینده به سمتی پیش خواهد رفت که یک حقوق‌دان و یا وکیل، سبک حقوقی خاص خود در مذاکره، نگارش و تحقیق را توسعه خواهد داد و خواهد توانست با این سبک توسعه‌یافته، بسیاری از اقدامات را که ممکن بود روزها یا ماه‌ها زمان ببرد، در زمان بسیار اندک اما به شیوه و روش خاص خود به اتمام برساند. این آینده‌ای است که برای حقوق‌دانان و وکلایی که در آینده بسیار نزدیک فعالیت خود را آغاز خواهند کرد متصور است و در نتیجه تسلط به فناوری در کنار تسلط به آموزه‌های رشته تخصصی، یعنی حقوق، از ضروریات است.

ادغام هوش مصنوعی در حرفه حقوق تهدید نیست، بلکه فرصتی است برای کار هوشمندتر، خدمت‌رسانی مؤثرتر و پیشتاز ماندن در یک دنیای در حال تحول. درباره هوش مصنوعی بیاموزید، با ابزارهای آن کار کنید و مهارت‌های لازم برای وکالت در عصر هوش مصنوعی را در خود پرورش دهید.



# تأثیر الکترونیک شدن چک بر مهلت‌های مراجعه به ظهرنویسان

(همراه با نقد دو رأی قضایی)

دکتر محسن صادقی

■ عضو هیات علمی دانشکده  
حقوق و علوم سیاسی دانشگاه  
تهران



## ■ چکیده

قانون‌گذار در مواد ۳۱۵ و ۳۱۷ قانون تجارت، برای امکان مراجعه دارنده به ظهرنویس چک، مهلت‌های ۱۵ و ۴۵ روزه و ۴ ماهه متناسب با فاصله محل صدور چک با محل وصول آن، در نظر گرفته است که عدم رعایت این مهلت‌ها، حق اقامه دعوی علیه ظهرنویس را از دارنده می‌گیرد و یکی از امتیازات تجاری این سند را سلب می‌کند. با این حال سؤالی که مطرح می‌شود این است که آیا با توجه به الکترونیک شدن چک‌ها (خواه در قالب چک‌های صیادی و نیمه الکترونیک یا در قالب چک‌های تمام الکترونیک) و عدم نیاز دارنده به مراجعه به بانکی خارج از شهر یا محل اقامت خود، همچنان این تفاوت مهلت‌ها وجود دارد یا به صرف گذشت ۱۵ روز، امکان اقامه دعوی علیه هر ظهرنویسی منتفی می‌شود؟ فرضیه مد نظر این نوشتار آن است که به رغم سکوت مقررات ایران در زمینه چک و برخلاف رویه غالب محاکم، به نظر می‌رسد باید قائل به منتفی شدن مهلت ۴۵ روزه و ۴ ماهه به دلیل منتفی شدن فلسفه این تفاوت زمانی شد. این مقاله با روش کیفی و رویکرد توصیفی-تحلیلی و بهره‌گیری از ابزار کتابخانه‌ای، در دو بخش ارائه می‌شود: در بخش نخست به دو نمونه رأی مخالف و موافق تأثیر محیط الکترونیک بر قاعده مقرر در ماده ۳۱۵ قانون تجارت اشاره می‌کنیم، در بخش دوم به تحلیل آن‌ها می‌پردازیم و در پایان راهکارهایی روشن و کاربردی به قانون‌گذار و رویه قضایی کشور پیشنهاد می‌کنیم.

کلیدواژه‌ها: چک الکترونیک، مهلت‌های قانونی، مراجعه به ظهرنویس، دارنده چک، قانون تجارت، رأی قضایی.

## ■ مقدمه

مطابق ماده ۳۱۰ قانون تجارت ایران مصوب ۱۳۱۱، «چک نوشته‌ای است که به موجب آن صادرکننده وجوهی را که در نزد محال علیه دارد کلاً یا بعضاً مسترد یا به دیگری واگذار می‌نماید». در این ماده، قانون‌گذار هرچند از محال علیه به طور کلی یاد کرده (که می‌تواند بانک یا هر شخص غیربانکی باشد)، اما با توجه به تحولات بعدی در حوزه چک، نظیر قانون صدور چک اصلاحی ۱۳۹۷ و ۱۴۰۰ و برخی بخشنامه‌های بانک مرکزی، دسته چک باید فقط از سوی بانک‌ها صادر شود و صرفاً باید عهده بانک‌ها صادر گردند؛ لذا اسناد صادره از

سوی غیربانک‌ها نظیر صندوق‌های قرض الحسنه، حتی اگر ظاهراً عنوان چک داشته باشند، در اصل نوعی حواله محسوب می‌شوند نه چک. همچنین بر



اساس ماده ۳۱۴ قانون مارالذکر: «صدور چک ولو اینکه از محلی به محل دیگر باشد ذاتاً عمل تجارتی محسوب نیست لیکن مقررات این قانون از ضمانت صادرکننده و ظهرنویس‌ها و اعتراض و اقامه دعوی ضمان و مفقود شدن راجع به بروات شامل چک نیز خواهد بود.» بر اساس ماده فوق، چک سند ذاتاً تجارتی نیست اما اگر از سوی تجار یا برای امور تجارتی صادر شود، سند تجارتی به شمار می‌آید. با این حال، قانون‌گذار بر پایه تبعیت از اصل حمایت از دارنده - به عنوان یکی از اصول مهم حقوق اسناد تجارتی<sup>۱</sup> - مقررات برات را در خصوص چک جاری و ساری می‌داند؛ لذا چک حتی اگر برای امور تجارتی یا از سوی تاجر صادر نشده باشد، مشمول امتیازات اسناد تجارتی است و یکی از این امتیازات، امکان رجوع دارنده به ظهرنویس و مسئولیت تضامنی ظهرنویسان، صادرکننده و ضامنین چک در برابر دارنده می باشد؛ امتیازی که در خصوص اسناد مدنی، اعمال نمی‌شود. اما برای بهره‌گیری از امتیاز تجاری ذکرشده، دارنده مکلف است مواعد رجوع به ظهرنویس و اعتراض و اقامه دعوی علیه او را رعایت کند، وگرنه این امتیاز تجارتی از چک سلب خواهد شد و دارنده دیگر امکان مراجعه به ظهرنویس را نخواهد داشت. قانون تجارت در مواد ۳۱۵ و ۳۱۷، سه زمان مختلف را برای رجوع به ظهرنویس قید کرده است. طبق ماده ۳۱۵ «اگر چک در همان مکانی که صادر شده است باید تادیه گردد، دارنده چک باید در ظرف پانزده روز از تاریخ صدور وجه آن را مطالبه کند و اگر از یک نقطه به نقطه دیگر ایران صادر شده باشد باید در ظرف چهل و پنج روز از تاریخ صدور چک مطالبه شود. اگر دارنده چک در ظرف مواعد مذکوره در این ماده پرداخت وجه آن را مطالبه نکند دیگر دعوی او بر علیه ظهرنویس مسموع نخواهد بود و اگر وجه چک به سببی که مربوط به محال علیه است از بین برود دعوی دارنده چک بر علیه صادرکننده نیز در محکمه مسموع نیست.»

همچنین بر اساس ماده ۳۱۷ «مقررات راجعه به چک‌هایی که در ایران صادر شده است در مورد چک‌هایی که از خارجه صادر شده و باید در ایران پرداخته شود نیز رعایت خواهد شد، لیکن مهلتی که در ظرف آن دارنده چک می تواند وجه چک را مطالبه کند چهار ماه از تاریخ صدور است.» اما برای بهره‌گیری از امتیاز تجاری ذکرشده، دارنده مکلف است مواعد رجوع به ظهرنویس و اعتراض و اقامه دعوی علیه او را رعایت کند، وگرنه این امتیاز تجارتی از چک سلب خواهد شد و دارنده دیگر امکان مراجعه به ظهرنویس را نخواهد داشت. قانون تجارت در مواد ۳۱۵ و ۳۱۷، سه زمان مختلف را برای رجوع به ظهرنویس قید کرده است. طبق ماده ۳۱۵ «اگر چک در همان مکانی که صادر شده است باید تادیه گردد، دارنده چک باید در ظرف پانزده روز از تاریخ صدور وجه آن را مطالبه کند و اگر از یک نقطه به نقطه دیگر ایران صادر شده باشد باید در ظرف چهل و پنج روز از تاریخ صدور چک مطالبه شود. اگر دارنده چک در ظرف مواعد مذکوره در این ماده پرداخت وجه آن را مطالبه نکند دیگر دعوی او بر علیه ظهرنویس مسموع نخواهد بود و اگر وجه چک به سببی که مربوط به محال علیه است از بین برود دعوی دارنده چک بر علیه صادرکننده نیز در محکمه مسموع نیست.» همچنین بر اساس ماده ۳۱۷ «مقررات راجعه به چک‌هایی که در ایران صادر شده است در مورد چک‌هایی که از خارجه صادر شده و باید در ایران پرداخته شود نیز رعایت خواهد شد، لیکن مهلتی که در ظرف آن دارنده چک می تواند وجه چک را مطالبه کند چهار ماه از تاریخ صدور است.»

۱- محمد، شکری، «حق دارنده بر محل سند تجاری؛ ایده‌ها و مقررات با رویکرد انتقادی»، فصلنامه علمی اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره سی و پنجم، تابستان ۱۴۰۰، صص ۱۹۷-۲۲۰.



علت اینکه مقنن، از سه زمان متفاوت ۱۵ و ۴۵ روزه و ۴ ماهه یاد کرده و میان ظهرونیسان مختلف قائل به تفاوت شده، این است که گاه چک در همان مکان صدور باید وصول شود و گاه این دو مکان در شهرهای مختلف (نظیر تهران و شیراز) یا کشورهای مختلف (نظیر ایران و چین) واقع شده‌اند؛ لذا برای حمایت از دارنده چک، مهلت‌های متفاوتی منظور شده است.<sup>۲</sup> سؤالی که مطرح می‌شود این است که اگرچه این فلسفه در زمان تصویب مواد ۳۱۵ و ۳۱۷ (یعنی سال ۱۳۱۱) کاملاً منطقی و قابل دفاع بوده است، اما در شرایط کنونی که شاهد پیدایش «چک‌های الکترونیک» هستیم، تکلیف این مواد چه می‌شود؟ پیش از ورود به بحث اصلی، مناسب است تعریفی از چک الکترونیک و اقسام آن ارائه دهیم:

مطابق ماده ۱-۷ دستورالعمل اجرایی چک مصوب ۱۴۰۲/۱۱/۲۸ کمیسیون ابزارهای پرداخت و تسویه بانک مرکزی، چک الکترونیکی چکی است که «صدور، دریافت، تأیید اطلاعات و انتقال آن به شخص دیگر در قالب «داده‌پیام» صورت گرفته و صدور آن منوط به «امضای الکترونیکی» صادرکننده است و مشمول قوانین و مقررات مرتبط با چک کاغذی حسب مورد می‌باشد». با توجه به تعریف فوق، می‌توان چک‌های الکترونیک را به دو دسته چک‌های نیمه الکترونیک و تمام الکترونیک تقسیم کرد. در چک‌های نیمه الکترونیک، بخشی از فرایند چک در محیط کاغذی و فیزیکی و بخشی در سامانه انجام می‌شود که چک‌های صیادی نمونه بارز این چک‌ها هستند که نسخه کاغذی چک باید تنظیم و در سامانه ثبت شود و برای وصول نیز باید به بانک مراجعه حضوری داشت. اما در چک‌های تمام الکترونیک، کلیه عملیات در محیط دیجیتال انجام می‌شود که نمونه آن، چکنو یا چک تمام الکترونیک بانک صادرات است.

در خصوص چک‌های نیمه الکترونیک یا تمام الکترونیک، عملاً تفاوتی میان مکان صدور و تأدیه چک وجود ندارد و دارنده می‌تواند به صورت الکترونیک نسبت به وصول وجه چک اقدام کند و نیازی به مراجعه به شهر یا کشور دیگر نیست. در این حالت، آیا همچنان باید قائل به تفاوت مهلت مراجعه به ظهرونیس مطابق مواد ۳۱۵ و ۳۱۷ قانون تجارت شد؟ مقررات چک، صراحتی در این زمینه ندارند. حتی لایحه جدید قانون تجارت ۱۴۰۳ که به صورت لایحه باقی مانده و تبدیل به قانون نشده است، حتی با فرض تبدیل شدن به قانون لازم‌الاجرا، مشکل را حل نمی‌کند، چون حکمی در این خصوص پیش‌بینی نکرده است. این معضل باعث شده تا شاهد تشتت آرای قضایی باشیم که در این نوشتار، به نقد و تحلیل دو رأی متهافت می‌پردازیم. فرضیه مقاله پیش‌رو آن است که به‌رغم سکوت مقررات ایران در زمینه چک و برخلاف رویه غالب محاکم، به نظر می‌رسد باید قائل به منتفی شدن مهلت ۴۵ روزه و ۴ ماهه به دلیل منتفی شدن فلسفه این تفاوت زمانی شد. از آنجا که این موضوع مهم و کاربردی در ادبیات حقوقی ما مورد توجه قرار نگرفته و به‌رغم وجود آثار ارزشمند در حوزه چک مانند کتاب چک در رویه قضایی تألیف خانم فرشته سلیمی الیزئی، کتاب چک تألیف دکتر یاسر مرادی و آقای محمد نوری، کتاب دعاوی اسناد تجاری تألیف آقای علی اصغر تدین، کتاب حقوق تجارت ۳ تألیف دکتر اسکینی، کتاب حقوق اسناد تجاری تألیف دکتر کاویانی و کتاب حقوق همکاران، به فرض موضوع این مقاله پرداخته نشده است؛ لذا نوشتار حاضر از این حیث دارای نوآوری است.

وجود آثار ارزشمند در حوزه چک مانند کتاب چک در رویه قضایی تألیف خانم فرشته سلیمی الیزئی، کتاب چک تألیف دکتر یاسر

مرادی و آقای محمد نوری، کتاب دعاوی اسناد تجاری تألیف آقای علی اصغر تدین، کتاب حقوق تجارت ۳ تألیف دکتر اسکینی، کتاب حقوق اسناد تجاری تألیف دکتر کاویانی و کتاب حقوق اسناد تجاری تألیف دکتر بهروز اخلاقی و همکاران، به فرض موضوع این مقاله پرداخته نشده است؛ لذا نوشتار حاضر از این حیث دارای نوآوری است.

این مقاله با روش کیفی و رویکرد توصیفی-تحلیلی و بهره‌گیری از ابزار کتابخانه‌ای، در دو بخش ارائه می‌شود: در بخش نخست به دو نمونه رأی مخالف و موافق تأثیر محیط الکترونیک بر قاعده مقرر در ماده ۳۱۵ قانون تجارت اشاره می‌کنیم، در بخش دوم به تحلیل آن‌ها می‌پردازیم و در پایان راهکارهایی روشن و کاربردی به قانون‌گذار و رویه قضایی کشور پیشنهاد می‌کنیم.

## ■ بخش نخست) دو نمونه رأی مخالف و موافق تأثیر الکترونیک شدن چک بر مهلت‌های مراجعه به ظهرنویس

### پرونده نخست:

در پرونده مورد تحلیل، یک چک صیادی عهده بانک ملی صادر شد. صادرکننده چک مقیم تهران بود، اما چک عهده یکی از شعب بانک ملی در شهرستان کرمان صادر گردید. با این حال به واسطه نیمه الکترونیک بودن چک، دارنده که خود مقیم تهران بود از طریق یکی از شعب بانک ملی در تهران اقدام به مطالبه وجه چک کرد، اما چک منتهی به گواهی عدم پرداخت شد. از آنجا که چک ظهرنویسی شده بود و صادرکننده نیز عملاً متواری شده بود، لذا دارنده تصمیم به مطالبه چک از ظهرنویس گرفت که خود مقیم شهر کرمان بود. دارنده ظرف چهل روز از تاریخ صدور چک به ظهرنویس مراجعه و مطالبه وجه کرد، اما به دلیل عدم تأدیه وجه از سوی ظهرنویس، وی ناگزیر به اقامه دعاوی حقوقی علیه ظهرنویس شد و شعبه چهارم دادگاه عمومی حقوقی کرمان به موجب دادنامه مورخ ۱۴۰۱/۴/۲۲ چنین انشای رأی کرد:

«در پرونده مانحن‌فیه، آقای خ. الف. به استناد چک منضم دادخواست عهده بانک ملی شعبه ولی عصر شهر کرمان با کد ۸۰۰۶، که مورد ظهرنویسی از سوی خواننده دعوی (خانم م.م.) قرار گرفته، دعاوی حاضر را به خواسته مطالبه وجه چک به مبلغ ۱۷۹۵۴۷۸۰۰۰۰ ریال اقامه کرده که به این شعبه ارجاع گردیده است. وکیل خواننده در مقام دفاع استدلال کرده است که دعوی متوجه موکل او نیست زیرا چک صادره، خصوصیت الکترونیک داشته و دارنده چک به عنوان خواهان می‌توانسته در همان

محل صدور اقدام به وصول نماید لذا موضوع متنازع‌فیه تخصصاً از شمول

ماده ۳۱۵ خارج است و چون طبق اسناد ابرازی خواهان، وی بعد از چهل

روز به موکل او مراجعه کرده است لذا دعاوی طرح‌شده، متوجه

ظهرنویس نخواهد بود. دادگاه بعد از مذاقه در اوراق پرونده و توجه به

اوضاع و احوال قضیه و توضیحات متداعیین و وکلای ایشان، دعاوی

خواهان را وارد تشخیص می‌دهد چرا که اطلاق ماده ۳۱۵ قانون تجارت به گونه‌ای

است که شامل تمامی چک‌های کاغذی و نیمه الکترونیک و تمام الکترونیک است و در

حقوق ایران از حیث مهلت مراجعه به ظهرنویس‌ها، تفاوتی میان نوع چک وجود ندارد و

اگر قانون‌گذار مرادش بر این بود که با ظهور چک الکترونیک، مهلت‌ها دستخوش تغییر

شده‌اند می‌بایست حکم ماده ۳۱۵ قانون تجارت را نسخ یا اصلاح می‌کرد لذا

سکوت مقنن در مقام بیان بوده و دفاعیات وکیل خواننده، فاقد محمل قانونی

است لذا مستنداً به مواد ۳۱۵ قانون تجارت و ۱۹۸ قانون آیین دادرسی مدنی،

حکم به محکومیت خواننده به تأدیه مبلغ چک به میزان ۱۷۹۵۴۷۸۰۰۰۰

ریال و هزینه‌های دادرسی مطابق تعرفه قانونی در حق خواهان صادر می

گردد....»



در این دعوا که میان شرکت پ.ت.ن. به عنوان دارنده چک صیادی و آقای ر.ط. به عنوان احدی از ظهرویس‌ها اقامه شد، شعبه دوم دادگاه عمومی حقوقی شهرستان اقلید در بخشی از دادنامه مورخ ۱۴۰۰/۱۲/۱۶ چنین استدلال کرد: «دعوی خواهان علیه خوانده به عنوان ظهرویس مسموع نیست زیرا خارج از مهلت بوده است و طبق اقرار خواهان، وی در روز بیست و هشتم از تاریخ صدور چک مابه‌النزاع، به ظهرویس رجوع کرده است اما چون چک، الکترونیکی بوده و حکمت تفاوت محل صدور و محل تأدیة وجه از بین رفته به عبارت آخری، حکمت مقرر در ماده ۳۱۵ قانون تجارت منتفی شده و با انتفای حکمت، حکم ماده نیز تغییر می‌کند لذا طبق بند ۴ ماده ۸۴ قانون آیین دادرسی مدنی، قرار رد دعوی صادر می‌شود و...»

## ■ بخش دوم) نقد و تحلیل دورای قضایی اشاره شده

از میان دورای مندرج در بخش نخست، فرضیه مقاله حاضر این است که نگرش رأی دوم، بنا به دلایل زیر، اقوی بنظر می‌رسد:

### ۱- توجه به اصل حکمت قانون‌گذار:

وقتی سخن از حکمت قانون‌گذار می‌کنیم، مرادمان این است مقنن، قانون را بر پایه خرد و به اتکای موازین منطقی و عقلی وضع کرده و جوانب موضوع را مطمح نظر داشته است. چون اگر چنین نباشد، اصل تبعیت جامعه از قانون مخدوش می‌شود، زیرا افراد به غرض واقعی مقنن پی نمی‌برند و احتمال خطا و سهو را از سوی وی زیاد می‌دانند. با این حال عبارت «حکمت قانون‌گذار» را نباید با «دقت محض فلسفی و منطقی» یکی دانست و برای مثال، جهت تفسیر اراده مقنن، صرفاً به الفاظ و اصولی چون عموم و اطلاق تمسک جست؛ زیرا حکمت قانون‌گذار توجه به همه قواعدی است که داده‌های فراوان حقوقی را در منظومه‌های کوچک و بزرگ جا می‌دهند و هماهنگ و هم‌جهت می‌سازند، خواه این قواعد راجع به الفاظ باشند یا سوابق تاریخی یا اصول حقوقی و مانند این‌ها.<sup>۳</sup>

با در نظر گرفتن توضیحات فوق باید گفت: منطق قانون‌گذار از وضع سه مهلت متفاوت برای رجوع به ظهرویس، حمایت از دارنده و وجود فاصله مکانی میان مکان صدور چک و مکان تأدیة وجه آن بوده است؛ امری که امروزه با گسترش بانکداری مجازی و پیدایش چک‌های نیمه الکترونیک و تمام‌الکترونیک از میان رفته است. همچنین برای تفسیر ماده ۳۱۵ قانون تجارت، بهتر است به جای تفسیر لفظی و استناد به اصالة الاطلاق که مبنای دادنامه اول این مقاله قرار گرفته است، از تفسیر منطقی بهره برد. مطابق تفسیر منطقی، قانون بعد از انشا توسط قانون‌گذار، از وی منفک می‌شود و حیاتی مستقل می‌یابد و باید آن را بر اساس منطق زمان خود تفسیر کرد.<sup>۴</sup> یعنی اگر قانون‌گذار سال ۱۳۱۱، در حال حاضر - که به عصر دیجیتال موسوم است - می‌خواست ماده ۳۱۵ را وضع کند، قطعاً به سراغ عنصر مکان نمی‌رفت؛ زیرا در چک الکترونیک، فاصله مکانی اصولاً تأثیر حقوقی ندارد. لذا دلیلی ندارد میان چک‌های الکترونیک قابل وصول در تهران یا شهرستان، از حیث مهلت رجوع به ظهرویس، قائل به تفکیک شویم.

۳- سید حسین، صفایی، محمد جواد شریعت باقری، «تأملاتی پیرامون فرض حکمت قانون‌گذار»، فصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی، شماره ۱۱، شهریور ۱۴۰۰، صص ۷-۱۴.

۴- ناصر، کاتوزیان، فلسفه حقوق، جلد سوم، چاپ چهارم، تهران: گنج دانش، ۱۴۰۳، صص ۱۰ به بعد.

## ۲- توجه نظام حقوقی ایران به تحولات الکترونیک:

هرچند قانون‌گذار صراحتاً در هیچ یک از مواد مرتبط با چک مندرج در قانون تجارت و قانون صدور چک، فرض موضوع این مقاله را تعیین تکلیف نکرده است، اما از برخی مواد می‌توان به طور ضمنی پی برد که به تحولات فنی محیط الکترونیک توجه داشته است. برای نمونه، دستورالعمل اجرایی چک الکترونیک در مواد متعدد مانند بند ۱-۹ ماده ۲ و تبصره آن و ماده ۸ و تبصره آن، از سامانه سخن گفته است و آن را محور احکام چک الکترونیک قرار داده است و سامانه چیزی است که در هر شهر و کشور قابل دسترسی و استفاده است. ضمن اینکه بند ۱-۷ دستورالعمل مزبور تصریح می‌کند که مقررات چک الکترونیک، تابع مقررات چک کاغذی حسب مورد است؛ قید حسب مورد نشان می‌دهد که تمامی مقررات چک کاغذی بر چک الکترونیک بار نمی‌شود و اگر چک الکترونیک دارای ویژگی خاصی باشد، باید بدان توجه کرد.

همچنین در قانون جرایم رایانه‌ای که به انتهای قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ افزوده شده است، تصریح شده است که اگر جرمی در سامانه دارای نام دامنه IR اتفاق افتد گویی در قلمرو سرزمینی ایران آن جرم روی داده و محاکم ایران صالح به رسیدگی هستند. با توجه به این قانون باید گفت: اگر شخصی در ایران یا هر جای جهان وارد سایت یک بانک شود، مثلاً از سایت [bmi.ir](http://bmi.ir) استفاده کند و عملیات راجع به چک را حتی در منزلش در خارج ایران انجام دهد، گویی در ایران این عملیات را انجام داده و دلیل ندارد طبق ماده ۳۱۷ قانون تجارت، معتقد به تفاوت محل صدور در خارج و محل تأدیه در ایران باشیم و قائل به مهلت ۴ ماهه شویم.

علاوه بر قوانین، در آرای قضایی نیز شاهد این تحول بوده‌ایم. برای مثال، رأی وحدت رویه ۶۶۹ هیأت عمومی دیوان عالی کشور از ویژگی خاص محیط الکترونیک تبعیت شده و اشعار می‌دارد: «در رویه متداول سیستم یکپارچه بانک‌ها، به دارنده چک اختیار داده شده است که علاوه بر شعبه افتتاح حساب، وجه آن را از سایر شعب نیز مطالبه نماید؛ بنابراین در صورت مراجعه دارنده چک در مهلت مقرر، به شعب دیگر و صدور گواهی عدم پرداخت از بانک مرجوع الیه، بزه صدور چک بلامحل محقق و دادگاه محل وقوع جرم، صالح به رسیدگی خواهد بود.» این رأی به خوبی نشان می‌دهد که دارنده چک اگر به جای شعبه شهرستان به شعبه بانک در تهران مراجعه کرده و آنجا چک را برگشت بزند، آنجا را به عنوان محل وقوع جرم در نظر می‌گیریم، حتی اگر چک عهده بانک شعبه شهرستان صادر شده باشد.

## ۳- استفاده از قواعد و اصول فقهی:

اولین قاعده مدنظر برای اثبات فرضیه مقاله، قاعده «مَنْ لَهُ الْغَنَمُ فَعَلَيْهِ الْغَرَمُ» است. مطابق قاعده فوق، هرکس از منافع چیزی بهره می‌برد، هزینه‌ها و خسارات آن را نیز باید عهده‌دار شود. وقتی دارنده چک، از مزایای چک الکترونیک بهره برده و با هزینه زمانی و مالی کمتری عملیات نقل و انتقال یا وصول یا برگشت زدن آن را می‌تواند از هر شعبه آن بانک در تهران یا شهرستان یا هر جای دنیا انجام دهد، هزینه‌های آن از جمله محدود شدن مهلت مراجعه به ظهرنویس را نیز باید متحمل شود.

اصل فقهی مورد استناد نیز، اصل نفی اکثر است. مطابق این قاعده در مواقع تردید در مقدار زیادتر یا کمتر، اصل را باید بر مقدار کمتر گذاشت (عدم زیادت). در قضیه حاضر نیز تردید داریم که آیا مهلت مراجعه به ظهرنویس‌ها در فرض الکترونیک شدن چک، ۴۵ روز و ۴ ماه است یا باید به ۱۵ روز قدر متیقن اکتفا کرد. پاسخ ۱۵ روز است.

۵- سید علی، علوی قزوینی و سید ذبیح‌اله، مسعودیان‌زاده، قاعده «مَنْ لَهُ الْغَنَمُ فَعَلَيْهِ الْغَرَمُ»، فصلنامه پژوهشنامه اندیشه‌های حقوقی، دوره جدید، شماره ۱، شماره پیاپی ۴، زمستان ۱۳۹۳، صص ۷۵-۹۱.

## ۴- عدم قابلیت استناد به اصل حمایت از دارنده در فرض وجود دلایل مخالف اقوی:

حمایت از دیدگاه دوم، ممکن است با این ایراد مواجه شود که وقتی ما در حوزه اسناد تجارتي با اصل حمایت از دارنده سند روبه‌رو هستیم و این اصل اقتضا دارد تا دارنده بتواند حتی در مورد چک‌های الکترونیک از مهلت‌های ۴۵ روزه و ۴ ماهه درمراجعه به ظهرنویس بهره‌برد، چرا در این مقاله دیدگاه اول مورد نقد قرار گرفته و از دیدگاه دوم دفاع شده است. به عبارت دیگر، حمایت از دیدگاه دوم مغایر اصل حمایت از دارنده سند است. در مقام رفع این ایراد باید گفت: مطابق قاعده «الاصل دلیل حیث لا دلیل»، اصل تا زمانی قابل استناد است که دلیل مخالف اقوی وجود نداشته باشد. اصل حمایت از دارنده سند نیز به ما این مجوز را نمی‌دهد که به بهانه حمایت، اصول و قواعد دیگر و منافع سایر اشخاص مسئول اسناد را نادیده بگیریم. توضیح اینکه منطق قانون‌گذار، حمایت از دارنده سند به واسطه فاصله مکانی میان مکان صدور و تأدیۀ چک بوده است و حال که این معضل از طریق محیط الکترونیک حل شده است، مبنای این حمایت از بین رفته است؛ پس منطق مزبور دلیلی اقوی نسبت به اصل حمایت از دارنده سند است؛ بنابراین اصل حمایت از دارنده تا جایی قابل استناد است که با حکمت قانونگذار مغایرت نداشته باشد.

## ■ نتیجه و پیشنهاد

۱- از آنچه در این مقاله گفته شد این نتیجه حاصل گردید که به دلیل عدم صراحت قانونی در خصوص تأثیر محیط الکترونیک بر مهلت‌های ۱۵ و ۴۵ روزه و ۴ ماهه قانون تجارت جهت مراجعه دارنده به ظهرنویس، میان محاکم حقوقی ایران شاهد تشتت آرا هستیم؛ به نحوی که دسته‌ای از آن‌ها با استناد به عموم و اطلاق مقرر در مواد ۳۱۵ و ۳۱۷ قانون مزبور، این مهلت‌ها را عیناً در خصوص چک‌های الکترونیک نیز جاری می‌دانند و معتقدند اگر مقنن قصد تخصیص این قاعده را در مورد چک‌های الکترونیک داشت در قانون صدور چک اصلاحی ۱۴۰۰ بدان اشاره می‌کرد و در مقابل، دسته‌ای دیگر با استناد به منطق قانون‌گذار، مبنای تفاوت مهلت‌های رجوع به ظهرنویس را وجود فاصله مکانی میان مکان صدور و مکان تأدیۀ چک می‌دانند که در مورد چک‌های الکترونیک، این فاصله حذف شده است.

۲- به دلیل وجود این تشتت که می‌تواند باعث سردرگمی دارندگان و ظهرنویسان چک شود، پیشنهاد می‌شود در اصلاحات قانون صدور چک، به مهلت ۱۵ روزه جهت مراجعه به ظهرنویس در مورد چک‌های الکترونیک و محدود شدن مهلت‌های ۴۵ روزه و ۴ ماهه به چک‌های غیرالکترونیک، تصریح کند. تا قبل از اصلاح قانون نیز می‌توان در راستای تفاهم‌نامه دوجانبه دانشگاه تهران با پژوهشگاه قوه قضائیه و معاونت حقوقی این قوه، دوره‌های آموزشی برای قضات محترم شعب رسیدگی به دعاوی چک طراحی و برگزار کرد که در آن به این تفاوت حقوقی میان چک الکترونیک و چک غیرالکترونیک پرداخته شود تا به کاهش تشتت آرای قضایی کمک شود.

### فهرست منابع

- ۱- اسکینی، ربیعا، حقوق تجارت، جلد سوم، چاپ ۳۳، تهران: نشر سمت، ۱۴۰۳.
- ۲- شکری، محمد، «حق دارنده بر محل سند تجاری؛ ایده‌ها و مقررات با رویکرد انتقادی»، فصلنامه علمی اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره ۷۱ و پنجم، تابستان ۱۴۰۰، صص ۱۹۷-۲۲۰.
- ۳- صفایی، سید حسین، شریعت باقری، محمدجواد، «تأملاتی پیرامون فرض حکمت قانون‌گذار»، فصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی، شماره ۱۱، شهریور ۱۴۰۰، صص ۷-۱۴.
- ۴- کاتوزیان، ناصر، فلسفه حقوق، جلد سوم، چاپ چهارم، تهران: گنج دانش، ۱۴۰۳.
- ۵- علوی قزوینی، سید علی، مسعودیان‌زاده، سید ذبیح‌الله، «قاعده من له الغنم فعلیه الغرم»، فصلنامه پژوهشنامه اندیشه‌های حقوقی، دوره جدید، شماره ۱، شماره پیاپی ۴، زمستان ۱۳۹۳، صص ۷۵-۹۱.

# ساختار، آیین کار و نقش کمیته های تحریم سازمان ملل متحد

The structure, procedure and role of the United Nations sanctions committees

امید خجسته مهر

وکیل دادگستری و مدرس دانشگاه



## چکیده

کلیدواژه‌ها: کمیته های تحریم، سازمان ملل متحد، شورای امنیت، تحریم ها.

کمیته های تحریم سازمان ملل متحد که توسط شورای امنیت ایجاد می شوند، نقش مهمی در اجرای رژیم های تحریمی ایفا می کنند. این کمیته ها مسئول نظارت بر اجرای تحریم ها، ارائه راهنمایی به کشورها و نهادها و بررسی موارد نقض احتمالی هستند. ساختار این کمیته ها معمولاً شامل نمایندگان همه اعضای شورای امنیت است و ریاست آن به صورت دوره ای بین اعضا می چرخد. آیین کار کمیته ها براساس قطعنامه های شورای امنیت و رویه های داخلی خودشان تعیین می شود. نقش اصلی این کمیته ها، تضمین اجرای مؤثر تحریم ها و در عین حال به حداقل رساندن تأثیرات منفی آن بر غیرنظامیان است. روش تحقیق توصیفی-تحلیلی می باشد که با استفاده از منابع کتابخانه ای و اسنادی به نگارش درآمده است. سوال اصلی پژوهش: کمیته های تحریم سازمان ملل متحد چگونه کمیته هایی هستند؟ نتیجه گیری: کمیته های تحریم سازمان ملل متحد با ایفای نقش حیاتی در اجرای رژیم های تحریمی، به حفظ صلح و امنیت بین المللی کمک می کنند. ساختار، آیین کار و نقش این کمیته ها به گونه ای طراحی شده است که اجرای مؤثر تحریم ها تضمین شود و در عین حال تأثیرات منفی آن بر غیرنظامیان به حداقل برسد. با این حال، کمیته های تحریم با چالش های مختلفی روبه رو هستند که باید برای بهبود عملکرد آن ها مورد توجه قرار گیرند.

## Abstract

Keywords: sanctions committees, United Nations, Security

UN sanctions committees, established by the Security Council, play an important role in the implementation of sanctions regimes. These committees are responsible for monitoring the implementation of sanctions, providing guidance to countries and entities, and investigating potential violations. The structure of these committees usually includes representatives of all the members of the Security Council, and its chairman rotates periodically among the members. The procedures of the committees are determined based on the resolutions of the Security Council and their own internal procedures. The main role of these committees is to ensure the effective implementation of sanctions while minimizing their negative effects on civilians. The descriptive-analytical research method is written using library and documentary sources. The main question of the research: What kind of committees are the sanctions committees of the United Nations? Conclusion: United Nations sanctions committees help to maintain international peace and security by playing a vital role in the implementation of sanctions regimes. The structure, procedure and role of these committees are designed to ensure the effective implementation of sanctions while minimizing their negative effects on civilians. However, sanctions committees face various challenges that should be addressed to improve their performance.

شورای امنیت سازمان ملل متحد به موجب ماده ۴۱ فصل هفت منشور سازمان ملل، اختیار اتخاذ تدابیری غیرنظامی را برای حفظ یا بازگرداندن صلح و امنیت بین‌المللی دارد. یکی از این تدابیر، تحریم‌های بین‌المللی است. تحریم‌ها می‌توانند به صورت اقتصادی، سیاسی، نظامی یا ترکیبی از این موارد اعمال شوند.

تحریم‌ها به عنوان ابزاری برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، توسط شورای امنیت سازمان ملل متحد وضع می‌شوند. کمیته‌های تحریم که پس از تصویب قطعنامه‌های تحریمی تشکیل می‌شوند، وظیفه اجرای این تحریم‌ها را بر عهده دارند. این کمیته‌ها با ارائه راهنمایی، نظارت و بررسی موارد نقض، به کشورهای عضو در اجرای مؤثر تحریم‌ها کمک می‌کنند.

کمیته‌های تحریم، نهادهای زیرمجموعه شورای امنیت هستند که وظیفه نظارت بر اجرای تحریم‌های تصویب‌شده توسط شورای امنیت را بر عهده دارند. این کمیته‌ها از اعضای دائم و غیردائم شورای امنیت، کارشناسان مستقل و نمایندگان سازمان‌های بین‌المللی تشکیل می‌شوند.

## ■ ساختار کمیته‌های تحریم

کمیته‌های تحریم معمولاً از نمایندگان همه اعضای شورای امنیت تشکیل می‌شوند. ریاست کمیته به صورت دوره‌ای بین اعضا می‌چرخد و دبیرخانه سازمان ملل متحد نیز خدمات پشتیبانی لازم را ارائه می‌دهد. این ساختار تضمین می‌کند که همه اعضای شورای امنیت در تصمیم‌گیری‌ها و اجرای تحریم‌ها مشارکت داشته باشند. در ادامه، به ساختار کمیته‌های تحریم سازمان ملل متحد خواهیم پرداخت.

### اعضا:

کمیته‌های تحریم معمولاً از نمایندگان همه ۱۵ عضو شورای امنیت تشکیل می‌شوند که ۱۰ نفر از آن‌ها اعضای دائم و غیردائم شورای امنیت هستند. پنج عضو دیگر، کارشناسان مستقل هستند که توسط شورای امنیت انتخاب می‌شوند. این امر تضمین می‌کند که همه اعضای شورا در تصمیم‌گیری‌ها و اجرای تحریم‌ها مشارکت داشته باشند و از دیدگاه‌های مختلف در این زمینه آگاه باشند.

### ریاست:

ریاست کمیته به صورت دوره‌ای بین اعضای شورای امنیت می‌چرخد. رئیس کمیته‌ها توسط اعضای دائم و غیردائم شورای امنیت انتخاب می‌شود. معاون رئیس، نیز توسط اعضای کمیته انتخاب می‌شود. این امر از تمرکز بیش از حد قدرت در دست یک کشور خاص جلوگیری می‌کند و به همه اعضا فرصت می‌دهد تا در هدایت فعالیت‌های کمیته نقش داشته باشند.

### دبیرخانه:

کمیته‌ها معمولاً دارای دبیرخانه‌ای هستند که وظیفه اداری کمیته را بر عهده دارد. دبیرخانه‌ها معمولاً توسط سازمان ملل متحد اداره می‌شوند. دبیرخانه سازمان ملل متحد خدمات پشتیبانی لازم را برای کمیته‌های تحریم فراهم می‌کند. این خدمات شامل تهیه گزارش‌ها، سازماندهی جلسات و ارائه مشاوره حقوقی و تخصصی است.

## ■ آیین کار کمیته‌های تحریم

کمیته‌های تحریم معمولاً به صورت هفتگی یا دوهفته‌ای تشکیل جلسه می‌دهند. این کمیته‌ها می‌توانند در صورت نیاز، به صورت فوری نیز تشکیل جلسه دهند. کمیته‌ها می‌توانند از کارشناسان و نمایندگان سازمان‌های بین‌المللی برای کمک به اجرای وظایف خود استفاده کنند. کمیته‌ها می‌توانند از دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی و نهادهای خصوصی اطلاعات درخواست کنند. آیین کار کمیته‌های تحریم به شرح ذیل است:

## قطعه‌نامه‌های شورای امنیت:

آیین کار کمیته‌های تحریم براساس قطعه‌نامه‌های شورای امنیت که مبنای تشکیل آنها هستند، تعیین می‌شود. این قطعه‌نامه‌ها چارچوب کلی فعالیت‌های کمیته را مشخص می‌کنند و وظایف و اختیارات آن را تعیین می‌کنند.

## رویه‌های داخلی:

علاوه بر قطعه‌نامه‌های شورای امنیت، کمیته‌های تحریم رویه‌های داخلی خود را نیز دارند که نحوه عملکرد آنها را در جزئیات بیشتر مشخص می‌کنند. این رویه‌ها ممکن است شامل نحوه برگزاری جلسات، نحوه تصمیم‌گیری و نحوه ارتباط با سایر بازیگران باشد.

## جلسات:

کمیته‌های تحریم معمولاً جلسات منظم برگزار می‌کنند تا گزارش‌های ارائه‌شده توسط کشورهای و نهادهای را بررسی کنند، در مورد موارد نقض احتمالی تصمیم‌گیری کنند و در مورد مسائل مربوط به اجرای تحریم‌ها بحث و تبادل نظر کنند.

## گزارش‌ها:

کشورها و نهادهای عضو ملل متحد موظف هستند گزارش‌های دوره‌ای در مورد نحوه اجرای تحریم‌ها و اقدامات انجام‌شده در این زمینه به کمیته‌های تحریم ارائه دهند. این گزارش‌ها توسط کمیته‌ها بررسی و تحلیل می‌شوند و مبنای تصمیم‌گیری‌های آنها قرار می‌گیرند.

## ارتباط با سایر بازیگران:

کمیته‌های تحریم ممکن است با کشورهای عضو، سازمان‌های بین‌المللی، سازمان‌های غیردولتی و سایر بازیگران در ارتباط باشند تا اطلاعات لازم را جمع‌آوری و تحلیل کنند و از نظرات و دیدگاه‌های آنها در مورد اجرای تحریم‌ها مطلع شوند.



## ■ نقش کمیته‌های تحریم

کمیته‌های تحریم نقش مهمی در اجرای تحریم‌های بین‌المللی دارند. این کمیته‌ها با نظارت بر اجرای تحریم‌ها، از نقض آنها جلوگیری می‌کنند. همچنین، با رسیدگی به شکایات از نقض تحریم‌ها، از حقوق افراد و نهادهای مشمول تحریم‌ها دفاع می‌کنند. در ادامه به نقش این کمیته‌ها اشاره شده است.

## تضمین اجرای مؤثر تحریم‌ها:

نقش اصلی کمیته‌های تحریم، تضمین اجرای مؤثر تحریم‌های وضع‌شده توسط شورای امنیت است. این کمیته‌ها با ارائه راهنمایی به کشورهای در مورد چگونگی اجرای تحریم‌ها، نظارت بر اجرای تحریم‌ها و بررسی موارد نقض احتمالی، به تحقق این هدف کمک می‌کنند.

## به حداقل رساندن تأثیرات منفی بر غیرنظامیان:

یکی دیگر از نقش‌های مهم کمیته‌های تحریم، تلاش برای به حداقل رساندن تأثیرات منفی تحریم‌ها بر غیرنظامیان است. این کمیته‌ها با ایجاد سازوکارهای مناسب، از جمله معافیت‌های بشردوستانه، تلاش می‌کنند تا از آسیب رسیدن به غیرنظامیان در نتیجه تحریم‌ها جلوگیری کنند.

## ارائه راهنمایی و مشاوره:

کمیته‌های تحریم به کشورها و نهادهای در مورد چگونگی اجرای تحریم‌ها راهنمایی و مشاوره ارائه می‌دهند و به سؤالات آنها در این زمینه پاسخ می‌دهند. این امر به کشورها کمک می‌کند تا تحریم‌ها را به‌طور مؤثر و مطابق با قوانین و مقررات بین‌المللی اجرا کنند.

## ارائه گزارش:

کمیته‌ها گزارش‌های ارسالی توسط دولت‌ها را بررسی و گزارش‌های دوره‌ای در مورد نحوه اجرای تحریم‌ها و فعالیت‌های خود به شورای امنیت ارائه می‌دهند.

## ■ چالش‌های پیش‌روی کمیته‌های تحریم

کمیته‌های تحریم با چالش‌های مختلفی روبه‌رو هستند که از جمله آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

### اجرای ناکافی:

یکی از چالش‌های اصلی کمیته‌های تحریم، اجرای ناکافی تحریم‌ها توسط برخی از کشورها و عدم همکاری کامل دولت‌ها با کمیته‌ها است. برخی از کشورها ممکن است به دلایل مختلف، از جمله منافع اقتصادی یا سیاسی، تحریم‌ها را به‌طور کامل اجرا نکنند که این امر می‌تواند اثربخشی تحریم‌ها را کاهش دهد.

### کمبود منابع:

کمیته‌های تحریم ممکن است با کمبود منابع مالی و انسانی مواجه باشند که این امر می‌تواند توانایی آن‌ها را در انجام وظایف خود محدود کند. برای مثال، کمیته‌ها ممکن است برای بررسی موارد نقض احتمالی تحریم‌ها به اندازه کافی پرسنل نداشته باشند.

## بررسی موارد نقض:

کمیته‌های تحریم موارد نقض احتمالی تحریم‌ها را بررسی می‌کنند و در صورت لزوم، اقدامات لازم را برای پاسخ‌گویی به آنها انجام می‌دهند. این امر از اجرای ناقص یا نادرست تحریم‌ها جلوگیری می‌کند و به حفظ اثربخشی آنها کمک می‌کند.

### تأثیرات منفی بر غیرنظامیان:

تحریم‌ها می‌توانند تأثیرات منفی بر غیرنظامیان داشته باشند، به‌ویژه اگر به‌طور گسترده و بدون در نظر گرفتن شرایط خاص اعمال شوند. این امر می‌تواند منجر به مشکلات انسانی، از جمله کمبود غذا، دارو و سایر اقلام ضروری شود.

### عدم شفافیت:

برخی از کمیته‌های تحریم به دلیل پیچیدگی تحریم‌های بین‌المللی و عدم شفافیت در عملکرد خود مورد انتقاد قرار گرفته‌اند. این امر می‌تواند منجر به ابهام در مورد نحوه تصمیم‌گیری کمیته‌ها و عدم پاسخ‌گویی آنها به افکار عمومی شود.

# Sanctions

## ■ اطلاعات آماری و تحلیلی در مورد عملکرد کمیته‌های تحریم

کمیته‌های تحریم سازمان ملل متحد تاکنون در اجرای تحریم‌های متعددی نقش داشته‌اند. این کمیته‌ها توانسته‌اند به‌طور قابل‌توجهی از نقض تحریم‌ها جلوگیری کنند. بااین‌حال، عملکرد این کمیته‌ها در برخی موارد مورد انتقاد قرار گرفته است. براساس گزارش‌های منتشرشده توسط کمیته‌های تحریم، درصد نقض تحریم‌ها در سال‌های اخیر کاهش یافته است. برای مثال، درصد نقض تحریم‌های اعمال‌شده بر برخی کشورها در سال ۲۰۲۳ به حدود یک درصد رسیده است. این کاهش درصد نقض تحریم‌ها نشان می‌دهد که کمیته‌های تحریم در اجرای موثر تحریم‌ها موفق بوده‌اند. بااین‌حال، برخی از کارشناسان معتقدند که کمیته‌های تحریم می‌توانند عملکرد بهتری داشته باشند. این کارشناسان معتقدند که کمیته‌ها باید از ابزارهای بیشتری برای نظارت بر اجرای تحریم‌ها استفاده کنند. همچنین، این کارشناسان معتقدند که کمیته‌ها باید به‌طور منظم عملکرد خود را ارزیابی کنند.

## ■ اطلاعات موردی در مورد تحریم‌های خاص

کمیته‌های تحریم سازمان ملل متحد تاکنون در اجرای تحریم‌های متعددی نقش داشته‌اند. ازجمله این تحریم‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

### تحریم‌های اعمال‌شده بر کره شمالی در سال ۲۰۰۶:

تحریم‌های اعمال‌شده بر کره شمالی نیز یکی از مهم‌ترین تحریم‌های بین‌المللی است. این تحریم‌ها در پاسخ به برنامه هسته‌ای و موشکی کره شمالی اعمال شدند. کمیته‌های تحریم سازمان ملل متحد نقش مهمی در اجرای این تحریم‌ها داشته‌اند. این کمیته‌ها توانسته‌اند به‌طور قابل‌توجهی از نقض تحریم‌های هسته‌ای و موشکی کره شمالی جلوگیری کنند.

### تحریم‌های اعمال‌شده بر سودان در سال ۲۰۰۵:

تحریم‌های اعمال‌شده بر سودان نیز یکی از مهم‌ترین تحریم‌های بین‌المللی است. این تحریم‌ها در پاسخ به نقض حقوق بشر در سودان اعمال شدند. کمیته‌های تحریم سازمان ملل متحد نقش مهمی در اجرای این تحریم‌ها داشته‌اند. این کمیته‌ها توانسته‌اند به‌طور قابل‌توجهی از نقض تحریم‌های سودان جلوگیری کنند.

## ■ نتیجه‌گیری

تحریم‌های بین‌المللی یکی از ابزارهای مهم شورای امنیت سازمان ملل متحد برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی هستند. کمیته‌های تحریم، نهادهای زیرمجموعه شورای امنیت هستند که وظیفه نظارت بر اجرای تحریم‌های تصویب‌شده توسط شورای امنیت را برعهده دارند. این کمیته‌ها از اعضای دائم و غیردائم شورای امنیت، کارشناسان مستقل و نمایندگان سازمان‌های بین‌المللی تشکیل می‌شوند.

کمیته‌های تحریم سازمان ملل متحد با ایفای نقش حیاتی در اجرای رژیم‌های تحریمی، به حفظ صلح و امنیت بین‌المللی کمک می‌کنند. ساختار، آیین کار و نقش این کمیته‌ها به‌گونه‌ای طراحی شده است که اجرای مؤثر تحریم‌ها تضمین شود و درعین حال تأثیرات منفی آن بر غیرنظامیان به حداقل برسد.

کمیته‌های تحریم سازمان ملل متحد که توسط شورای امنیت ایجاد می‌شوند، نقش مهمی در اجرای رژیم‌های تحریمی ایفا می‌کنند. این کمیته‌ها مسئول نظارت بر اجرای تحریم‌ها، ارائه راهنمایی به کشورها و نهادها و بررسی موارد نقض احتمالی هستند.

## فهرست منابع

### منابع فارسی:

- عبداللهی، م. (بی‌تا). تأملی بر تلاش آمریکا جهت تصویب قطعنامه تحریم تسلیحاتی ایران در شورای امنیت. انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد.
- دهقانی، ر. (۱۳۹۸). بررسی اجمالی کمیته‌های تحریم شورای امنیت سازمان ملل متحد. مطالعات بین المللی.
- کمیته تحریم شورای امنیت چگونه عمل می‌کند؟ (بی‌تا). دیپلماسی ایرانی.

### منابع انگلیسی:

- Cortright, D., & Lopez, G. (n.d.). Sanctions and the UN.
- Nephew, R. The Effectiveness of UN Sanctions.
- Ronzitti, N. United Nations Sanctions: Theory and Practice.
- Siebert, L. The Security Council and Sanctions.

# وکیل بلاگری و اخلاق حرفه‌ای وکالت در عصر دیجیتال

علی منافی

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد  
حقوق بشر دانشگاه تهران



## ■ مقدمه

پویای رسانه‌های اجتماعی و فعالیت گسترده وکیل بلاگرها می‌تواند چالش‌های جدی در زمینه نظارت بر فعالیت‌های این اشخاص ایجاد کند و ضررهای مادی و معنوی بسیار سنگینی به شخص وکیل و همچنین به حرفه وکالت وارد کند.

در این راستا، پرسش اصلی این است که آیا فعالیت وکلا در فضای مجازی منجر به حفظ اعتبار نهاد وکالت است یا تعارض فاحش با موازین اخلاق حرفه‌ای و تبلیغاتی دارد؟ همچنین با توجه به ماهیت پویای فضای مجازی چگونه می‌توان بر عملکرد وکیل بلاگرها نظارت کرد؟

این چالش‌ها لزوم بررسی فرصت‌ها و تهدیدهای ناشی از پدیده وکیل بلاگری را آشکار می‌کند و این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای و اسناد معتبر درصدد تبیین ابعاد و چالش‌های حقوقی، اخلاقی و اجتماعی پدیده مذکور و همچنین بررسی رویکردهای تقنینی و نظارتی کانون‌های وکلای دادگستری ایران در قبال این پدیده است. در پایان با تکیه بر محدودیت‌های تبلیغاتی وکلای راهکارهایی اعم از وجوب ایجاد تعادل میان بهره‌گیری از فرصت‌های رسانه‌های اجتماعی و پایبندی به اصول اخلاقی وکالت جهت حفظ و ارتقاء شأن حرفه‌ای وکلا و همچنین توسعه پایدار حرفه وکالت در عصر دیجیتال ارائه شده است.

گسترش رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی، شیوه‌های ارتباطات حرفه‌ای را دگرگون ساخته و به‌عنوان ابزاری بسیار کارآمد در حوزه‌های گوناگون اعم از آموزش، تبلیغات، برندسازی و... مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این راستا، اشخاصی تحت عنوان «بلاگر<sup>۲</sup> یا اینفلوئنسر<sup>۳</sup>» دانش و سبک زندگی خود را با کاربران فضای مجازی به اشتراک می‌گذارند تا دنبال‌کنندگانی<sup>۴</sup> جهت کسب سود جذب کنند. فلذا، برخی از وکلای دادگستری نیز با به اشتراک گذاری محتوای جذاب در فضای مجازی به دنبال کسب درآمد از طریق توسعه شهرت شخصی و یا مؤسسات حقوقی خود هستند که این پدیده به اصطلاح در ایران «وکیل بلاگری»<sup>۵</sup> نامیده شده است.

این روند اگرچه می‌تواند به ارتقای آگاهی حقوقی اشخاص، تقویت مسئولیت اجتماعی، ارتباط بیشتر میان مردم و جامعه وکالت و... کمک کند، اما چالش‌های عمیقی در خصوص اخلاق حرفه‌ای، شان وکالت و تجاری‌سازی خدمات حقوقی ایجاد کرده است. زیرا وکالت، حرفه‌ای حساس، دارای منزلت اجتماعی والا و شان بین‌المللی است و وکلای دادگستری به عنوان مدافعان عدالت، حافظان حاکمیت قانون و پاسداران حقوق بشر از تجاری‌سازی فعالیت‌های حقوقی و هرگونه فعالیتی که منجر به کاهش اعتماد عمومی و خدشه‌دار کردن اعتبار این نهاد می‌شود، برحذر داشته شده‌اند. باید بیان کرد که کانون‌های وکلای دادگستری همواره جهت حفظ اعتبار نهاد وکالت و اعتماد مردم، نظارت ویژه‌ای بر اقدامات و رفتار وکلا داشته‌اند؛ اما ماهیت

۱. Social Media and Social Networks.

۲. Blogger.

۳. Influencer.

۴. Follower.

۵. Lawfluencers.

## ■ مفهوم وکیل بلاگر

واژه وکالت در ادبیات پارسی وجود ندارد و در لغت از کلمه عربی «وکاله» به معنی نیابت، خلافت و جانشینی آمده<sup>۶</sup> و اصطلاح حقوقی آن به این معنا است که «در وکالت حق تفویض نمی شود بلکه منوب عنه در عرض نایب، حق دخل و تصرف در مورد وکالت دارد»<sup>۷</sup> و قول مشهور فقها در این باب «استنابه فی التصرف»<sup>۸</sup> است. واژه اینفلوئنسر و بلاگر نیز به ترتیب به معنی «کسی که بر رفتار دیگران تأثیر می گذارد یا آن را تغییر می دهد»<sup>۹</sup> و «کسی که وبلاگ می نویسد»<sup>۱۰</sup> در ادبیات انگلیسی آورده شده اند.

حرفه وکالت روز به روز پیچیده تر شده و در دهه های اخیر نیز شاهد ایجاد تخصص های وکالت اعم از وکالت تخصصی دعاوی شرکت ها و ورشکستگی، دعاوی بیمه، دعاوی بانکی و... می باشیم که علاوه بر افزایش حجم کاری و آموزش وکلای متخصص، منجر به افزایش حق الوکاله وکلای متخصص نیز شده است. فلذا، شخص نیازمند خدمات حقوقی در زمینه های انعقاد عقود، پیگیری امور شخصی در دادگستری ها، سازمان ها و نهادهای مختلف اعم از نیروی انتظامی، شهرداری ها و... ممکن است نتواند با حداقل چالش ها و تأخیر، به آسانی و به نحو شایسته به وکیلی که واجد شرایط است دسترسی داشته باشد. همچنین افزایش تعداد وکلای متخصص و باتجربه فشار رقابتی فزاینده ای به خصوص برای وکلای جوان ایجاد کرده و لزوم برندسازی شخصی، نوآوری در ارائه خدمات حقوقی، دسترسی آسان به وکیل متخصص، کاهش هزینه های بازاریابی وکلا و... را جهت جذب موکل از طرق نوین پررنگ کرده است.

در این میان، گسترش اینترنت و رسانه ها و شبکه های اجتماعی رایگان که به راحتی و در تمامی ساعات شبانه روز در دسترس هستند، موجب تسهیل دسترسی عمومی به انبوهی از اطلاعات اعم از محتوای حقوقی شده و برخی از وکلا در رسانه ها و شبکه های اجتماعی همچون اینستاگرام، یوتیوب، لینکدین و... به ارائه اطلاعات حقوقی، تحلیل پرونده ها و تبلیغ خدمات حقوقی از طریق تولید فیلم های آموزشی، پادکست های تحلیلی<sup>۱۱</sup>، محتوای متنی یا حتی پاسخ دهی به پرسش های عمومی در کنار فعالیت های مجازی روزمره خود می پردازند که این امر را به اصطلاح وکیل بلاگری<sup>۱۲</sup> نامیده اند. باید بیان کرد که اینفلوئنسرها و بلاگرها از طریق تعامل کاربران (پرداخت های پلتفرم پس از رسیدن به ساعات بازدید معین و سپس براساس تعداد بازدید) و تبلیغات تعبیه شده در ویدئوها نیز درآمدهای قابل توجهی کسب می کنند.<sup>۱۳</sup>

بنابراین حضور وکلا در رسانه ها و شبکه های اجتماعی می تواند بسیار سودمند باشد؛ زیرا

۶. محمد معین، فرهنگ معین، جلد اول، ۲۱، (۱۳۹۳).

۷. محمدجعفر جعفری لنگرودی، ترمینولوژی حقوق، (۱۳۹۴).

۸. محقق حلی، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، جلد دوم، ۴۲۵، (۱۳۹۲).

۹. Cambridge Dictionary, Influencer, <https://dictionary.cambridge.org/dictionary/english/influencer> (accessed May ۲۰۲۵, ۱۵).

۱۰. Cambridge Dictionary, blogger, <https://dictionary.cambridge.org/dictionary/english/blogger> (accessed May ۲۰۲۵, ۱۵).

۱۱. Analytical podcasts

۱۲. Anthony Song & Justine Rogers, Lawfluencers: Legal Professionalism on TikTok and YouTube, ۳۷ Geo. J. Legal Ethics ۸۱۳ (۲۰۲۴),

<https://www.law.georgetown.edu/legal-ethics-journal/wp-content/uploads/sites/۱۲/۲۰۲۴/۲۴/GT-GJLE۲۴۰۰۲۳.pdf> (accessed May ۲۰۲۵, ۱۵).

۱۳. Carsten Schwemmer & Sandra Ziewiecki, Social Media Sellout: The Increasing Role of Product Promotion on YouTube, ۴ Soc. Media + Soc'y ۲۰۵۶۳۰۵۱۱۸۷۸۶۷۲۰ (SAGE Publications Ltd Jan. ۲۰۱۸), <https://journals.sagepub.com/doi/full/۲۰۵۶۳۰۵۱۱۸۷۸۶۷۲۰/۱۰۰۱۱۷۷> (accessed May ۲۰۲۵, ۱۵).



ممکن است وکیل بلاگری در قالب محتوای آموزشی و در فضایی غیررسمی نظیر فضای داخلی خودرویی گران قیمت، به مخاطبان خود چنین القا کند که در صورت ارتکاب جرم رانندگی در حالت مستی، می توان با توسل به بهانه هایی نظیر مراجعه اخیر به دندان پزشکی و استفاده از اسپری حاوی الکل توسط پزشک، نتایج حاصل از آزمایش الکل سنج تنفسی مأموران نیروی انتظامی را مخدوش جلوه داد و بدین وسیله موجبات گمراهی ضابطان دادگستری و مقامات قضایی را فراهم ساخت. همچنین ممکن است کارآموز وکالت در ویدئوهای خود اقدام به بیان تجربیات شخصی خود در دادگاه هایی اعم از دیوان عالی کشور کند که این تجربیات تنها توسط وکیل پایه یک دادگستری قابلیت کسب دارد.

این امور علاوه بر اینکه به شدت به جایگاه شخصی وکیل و جامعه وکالت صدمه می زند، باعث به خطر افتادن جان و مال مردم و همچنین اشاعه رفتارهای فریب کارانه می شود و به همین دلیل جایگاه شناخت، توسعه و تعهد به اخلاق حرفه ای وکالت روزبه روز بیشتر می شود.

۱۴. Adam Mosseri, Shedding More Light on How Instagram Works, Instagram (June ۲۰۲۱), <https://about.instagram.com/blog/announcements/shedding-more-light-on-how-instagram-works> (accessed Dec. ۲۰۲۴, ۲۲). Adam Mosseri, Instagram Ranking Explained, Instagram (June ۲۰۲۳, ۲۰), <https://about.instagram.com/blog/announcements/instagram-ranking-explained> (accessed Dec. ۲۰۲۴, ۱۴).



وکلا با ساده سازی مفاهیم پیچیده حقوقی می توانند آگاهی عمومی را در امور مانند خشونت خانگی، حقوق کار، حقوق مصرف کننده و... ارتقا دهند و با تحلیل پرونده های مهم و مطرح مانند پرونده های قتل، اختلاس، کلاهبرداری، سرقت مجازی و... منجر به شفاف سازی سیستم قضایی و درک عمومی از فرایندهای حقوقی شوند. همچنین رسانه ها و شبکه های اجتماعی با کاهش فاصله میان وکلا و اشخاص منجر به افزایش دسترسی مردم به مدافعان عدالت و حقوق بشر می شود و در نهایت، ایجاد بسترهای مشاوره آنلاین و ارائه خدمات حقوقی دیجیتال می تواند به شدت هزینه های دسترسی به خدمات حقوقی را کاهش دهد.

با این حال، توسعه دهندگان و طراحان این بسترها تحت تأثیر منافع تجاری هستند و جهت افزایش تعداد کاربران خود اقدام به طراحی الگوریتم هایی کرده اند که ترجیحات کاربران درخصوص محتواهای دیجیتال، حساب ها، تصاویر، فیلم ها و... را بیشتر به سایر کاربران نمایش می دهد<sup>۱۴</sup> و به همین دلیل محتوای تولید شده توسط وکیل بلاگر باید دارای جذابیت محتوایی و بصری برای انبوه کاربران باشد.

این امر نهایتاً رفتار وکیل بلاگرها را هدایت می کند و این اشخاص اقدام به اشتراک گذاری مطالب روزمره خود اعم از مسافرت ها، خرید و فروش، راهروها و اتاق های مراجع قضایی و... می کنند که این امور می تواند بر وجهه شخصی شخص وکیل و سایر وکلا تأثیر بگذارد. همچنین ممکن است برخی از وکیل بلاگرها تمرکز خود را صرفاً به تولید محتوا در مورد موضوعات قبیح و یا حساس مانند مشروبات الکلی، مواد مخدر، طلاق و... قرار دهند که این محتوا را در محلی غیررسمی و تجملی اعم از خودرو گران قیمت، رستوران و... تهیه کنند و در آن حتی اقدام به آموزش روش های فرار از مسئولیت کنند. به طور مثال،

در جوامع بشری همواره برخی مشاغل مانند پزشکان، وکلا و مهندسان به دلیل پیچیدگی و همچنین تأثیر شگرف بر زندگی انسان ها از اهمیت بالاتری برخوردار بوده اند و مردم نیز احترام و ارزش بیشتری برای این مشاغل قائل هستند و به تبع آن، اگر متخصصان این مشاغل مرتکب برخی اعمال مانند عدم رازداری شوند، علاوه بر اینکه مورد نکوهش اخلاقی مردم قرار می گیرند، باعث ایجاد اثرات جبران ناپذیری مانند کاهش اعتماد عمومی مردم به افراد شاغل در آن حرفه می شوند. سوگند بقراط یکی از اولین نمونه های اخلاق حرفه ای است و بر پایبندی به رفتار عادلانه با بیماران، رازداری، تخصص و... تأکید کرده است.

در این میان از دیدگاه مردم، دولت و قوه قضائیه، وکیل دادگستری باید شخصی بسیار منظم، مؤدب، با اخلاق، امین، دانا، آراسته و الگو باشد که این امر نشان دهنده جایگاه و شأن حرفه وکالت در ایران است. شأن واژه عربی است و جمع مکسر آن شئون است و به معنای «قاعده کار»<sup>۱۵</sup> و «قدر و مرتبه»<sup>۱۶</sup> می باشد. اخلاق نیز جمع واژه خلق و به معنای «دانش بد و نیک خوی ها»<sup>۱۷</sup> است و برخی آن را به معنای «هنجارهای مورد قبول جامعه که نشان دهنده درست یا نادرستی رفتار اشخاص»<sup>۱۸</sup> تعریف کرده اند. در واقع اخلاق مجموعه ای از ارزش ها است که رفتار، تصمیم گیری ها و انتخاب های فرد را جهت تصمیم گیری میان درست و نادرست هدایت و ارزیابی می کند و اخلاق حرفه ای آن دسته از قوانین مدون یا اصول اخلاقی مربوط به شغل یا مشاغل خاص است که بر رفتار یک فرد در محل کار حرفه ای یا زندگی کاری حاکم است و ممکن است برای عدم نقض آن ها ضمانت اجرا نیز در نظر گرفته شود.

بنابراین در کنار وجود نظارت مردم و همچنین نهادهای نظارتی و قضایی، هر وکیل باید مطابق سوگندنامه وکالت، قوانین و مقررات قانون های وکلای دادگستری اعم از لایحه استقلال قانون وکلای دادگستری مصوب ۱۳۳۳/۱۲/۰۵ هجری شمسی، منشور اخلاق حرفه ای وکالت

بنابراین استانداردهای اخلاقی تنظیم کننده حرفه وکالت در آیین نامه های رفتاری، مقررات، دستورالعمل ها، قواعد رویه ای و قوانین مدون شده، رفتار وکیل را هدایت می کند که می توان چندین اصل اساسی و مشترک را از جمله استقلال، صداقت و درست کاری، صلاحیت و شایستگی، حفظ اموال موکلین، رازداری و محرمانگی اطلاعات، رفتار عادلانه، استعفا از خدمت وکالت (در مواردی که دیگر وکیل صلاحیت ادامه پرورنده را ندارد) و تبلیغات خدمات حقوقی را بیان کرد. وکلا علاوه بر التزام شخصی نسبت به رعایت این اصول، نباید در برابر رفتار و اخلاق خلاف همکاران خود نیز سکوت کنند و در این راه ابتدائاً باید وکیل متخلف را از اشتباه خود آگاه و در صورت عدم اصلاح رفتار غیرمسئولانه مرتکب، دلایل خود را جهت تعقیب این افراد به مقامات صلاحیت دار قانون وکلای دادگستری معرفی کنند.<sup>۱۹</sup> علاوه بر وظیفه نظارتی وکلا بر یکدیگر، یکی از مهم ترین وظایف قانون وکلا نظارت در رفتار وکلا و تهیه موجبات ترقی علمی و اخلاقی آن ها است.<sup>۲۰</sup> که این نظارت از طریق رسیدگی به تخلفات توسط دادسرا و دادگاه انتظامی وکلا است.<sup>۲۱</sup>

۱۵. علی اکبر دهخدا، لغت نامه دهخدا، (۱۳۸۵).

۱۶. حسن عمید، فرهنگ عمید، (۱۳۹۳).

۱۷. علی اکبر دهخدا، لغت نامه دهخدا، (۱۳۸۵).

۱۸. حسن عمید، فرهنگ عمید، (۱۳۹۳).

۱۹. لایحه استقلال قانون وکلای دادگستری، ماده ۲۳، (۱۳۳۳).

۲۰. قانون وکالت، ماده ۱۹، (۱۳۱۵).

۲۱. لایحه استقلال قانون وکلای دادگستری، ماده ۱۴، (۱۳۳۳).

## ■ اخلاق حرفه ای وکلا در فضای مجازی

با توجه به مواردی که بیان شده، می توان بیان کرد که محتوایی که توسط وکیل ارائه می شود باید مشمول موارد زیر باشد و در صورت عدم رعایت موارد ذکر شده توسط وکیل بلاگر به نظر می رسد که باید موجب محکومیت انتظامی وکیل متخلف باشد:

۱- فعل یا ترک فعلی که مطابق قانون جرم بوده و یا موجب وهن جامعه وکالت و یا مغایر عرف مسلم آن باشد به نحوی که اغلب وکلا آن را مذموم بدانند را مرتکب نشوند؛<sup>۲۲</sup>

۲- مشاوره های دقیق و کارشناسانه ارائه کنند و از اشتراک گذاری محتوای حاوی اطلاعات ناقص و گمراه کننده به شدت پرهیز کرده و تمامی اطلاعات و محتوایی که منتشر شده قابل تصدیق باشد؛

۳- محتوای ارائه شده از نظر مردم معقول و مناسب باشد و از انتشار اطلاعات شخصی و غیرمرتبط پرهیز کنند؛<sup>۲۳</sup>

۴- وظیفه محرمانگی اطلاعات موکلین را نقض نکنند. در این راستا، حتی بازگویی نمونه های واقعی هرچند به ظاهر بدون ذکر نام طرفین می تواند تعارض با اصول محرمانگی ایجاد کند؛

۵- از محدودیت ها و ممنوعیت های مندرج در قوانین، آیین نامه ها و مقررات حرفه ای کانون وکلای دادگستری متبوع خود تبعیت کنند؛

۶- ارائه خدمات حقوقی فوری به اشخاص باید متناسب با منافع عمومی باشد و نباید ابتدائاً منافع اقتصادی وکلا و مؤسسات حقوقی در نظر گرفته شود. به عبارت دیگر باید قوانین و مقررات حاکم در نظر گرفته شود تا امنیت عمومی و منافع دیگران به خطر نیفتد؛

۷- وکلا می توانند شخصاً و به صورت منفرد تبلیغ کنند و یا می توانند برای انجام کار گروهی و تخصصی، اقدام به تأسیس مؤسسات حقوقی کنند و به انجام تبلیغات بپردازند؛ مشروط بر اینکه اولاً موجب بی اعتباری حرفه وکالت یا امر دادگستری نشوند و پایبند شئون وکلای دادگستری باشند؛<sup>۲۴</sup> ثانیاً وکیلی که در چنین مؤسساتی طرف مشورت موکل قرار می گیرد، باید آن شخص را در امر یافتن وکیل مناسب یاری کند؛ ثالثاً به مقایسه خدمات یا حق الزحمه ها خود با دیگر وکلا یا مؤسسات حقوقی نپردازد؛

۸- تصاویر و فیلم های حضور شخص وکیل در جلسات دادرسی و فضای داخلی دادگستری اعم از راهروها، اتاق ها و... نباید تحت هیچ عنوانی اعم از وجود تخصص وکیل بلاگر، پرونده های متعدد و... منتشر شود؛



۲۲. آیین نامه اجرایی لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری، تبصره ماده ۱۲۴، (با اصلاحات ۱۴۰۲/۰۲/۱۱).

۲۳. Law Society of Upper Canada, Professional Conduct Handbook: Published Under the Authority of Convocation for the Guidance of Members of the Law Society of Upper Canada (as amended to Feb. ۱۹۹۷, ۲۸), [https://lso.access.preservica.com/uncategorized/IO\\_ed9cdYb-aod8-4362-178880-232ebf0d30/](https://lso.access.preservica.com/uncategorized/IO_ed9cdYb-aod8-4362-178880-232ebf0d30/) (accessed May ۲۰۲۵, ۱۵).

۲۴. قانون وکالت، بند ۴ ماده ۶، (۱۳۱۵).

۹- ارزیابی و بهینه‌سازی مستمر داشته باشند. در این راستا پس از به اشتراک گذاری محتوای دیجیتال باید نتایج را ارزیابی کرده و براساس بازخوردها و داده‌های جمع‌آوری شده، رویکردهای خود را بهبود بخشند.

۱۰- ساده‌سازی مفاهیم پیچیده حقوقی ممکن است به تصورات نادرست دامن بزند و به همین دلیل نباید برخی از موضوعات مانند طلاق به طور مختصر و اندک توضیح داده شوند. علاوه بر موارد ذکر شده به نظرمی رسد که قانون‌های وکلا نیز باید:

۱- مانع از جرم انگاری وکیل بلاگری شوند. زیرا همان‌طور که پزشکان، مهندسان، قضات، مقامات رسمی و... می‌توانند محتوای معقول، آموزشی و ارزنده خود را در فضای مجازی منتشر کنند، وکلای دادگستری نیز باید مستقل، آزاد و در دسترس باشند تا اشخاصی که می‌خواهند به‌طور ناشناس و رایگان از خدمات حقوقی استفاده کنند نیز بتوانند با ابزارهای نوین از وکلای دادگستری یاری بگیرند؛

۲- اقدام به تدوین دستورالعمل‌های شفاف درباره فعالیت آنلاین وکلا کنند. این امر علاوه بر اینکه حدود فعالیت‌های وکلا را مشخص می‌سازد و امکان تعقیب انتظامی متخلفین را فراهم می‌کند، باعث آگاهی وکلا از اقدامات خلاف شأن حرفه خود می‌شود و مانع انتشار برخی محتوای دیجیتال می‌شود؛

۳. دوره‌های آموزشی درباره اخلاق دیجیتال برای وکلا و کارآموزان وکالت برگزار کنند؛

۴- نهادهای نظارتی تخصصی برای رصد گسترده تر محتوای حقوقی منتشر شده در فضای مجازی و همچنین بخش‌هایی جهت دریافت شکایات مردمی ایجاد کنند.

۵- با پیشنهاد عنوان اخلاق حرفه‌ای وکالت و یا عناوین مرتبط در دانشکده‌های حقوق، از ابتدا به تمام دانشجویان آموزش‌های لازم درباره موارد اخلاق حرفه‌ای وکالت و شأن وکالت در فضای مجازی ارائه شود، زیرا در اغلب موارد رفتار خلاف شأن و اخلاق حرفه‌ای ناشی از عدم آگاهی شخص وکیل است.

## ■ نتیجه‌گیری

وکیل دادگستری از مسئولیت‌پذیرترین اشخاص هر جامعه‌ای است و نباید اقدامات برخی از وکلایی که مرتکب اشتباه شده‌اند را دلیلی بر محکومیت و برچسب گذاری بر جامعه وکالت کرد. همچنین آینده بشریت با فضای دیجیتال گره خورده و حرفه وکالت نیز ناگزیر به کاربرد این فناوری و تدوین مقررات و دستورالعمل‌های ویژه در این عرصه است. در این راستا، پدیده وکیل بلاگری فرصت‌های چشمگیری برای گسترش آگاهی حقوقی و نوآوری در ارائه خدمات ایجاد کرده است، اما تهدیدهایی جدی نیز متوجه شأن حرفه‌ای، اخلاقیات و مقررات سنتی وکالت می‌کند. با این حال، اغلب رفتارهای مذمومی که ممکن است از وکیل بلاگرها در فضای مجازی دیده شود ناشی از عدم توجه قانون‌های وکلای دادگستری جهت آموزش وکلا و تدوین مقررات، آیین نامه‌ها، چهارچوب‌ها و دستورالعمل‌های ویژه در این عرصه است و به همین دلیل نباید ماهیت وکیل بلاگری را جرم دانست و مقامات و نهادهای مسئول بایستی وکلا و به خصوص وکلای جوان را هدایت کنند.



منابع فارسی:

- ۱- آیین‌نامه اجرایی لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری، تبصره ماده ۱۲۴، (با اصلاحات ۱۴۰۲/۰۲/۱۱).
- ۲- حسن عمید، فرهنگ عمید، (۱۳۹۳).
- ۳- علی‌اکبر دهخدا، لغت‌نامه دهخدا، (۱۳۸۵).
- ۴- قانون وکالت، بند ۴ ماده ۶ و ماده ۱۹، (۱۳۱۵).
- ۵- لایحه استقلال کانون وکلای دادگستری، مواد ۱۴ و ۲۳، (۱۳۳۳).
- ۶- محقق حلی، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام، جلد دوم، ۴۲۵، (۱۳۹۲).
- ۷- محمد معین، فرهنگ معین، جلد اول، ۲۱، (۱۳۹۳).
- ۸- محمدجعفر جعفری لنگرودی، ترمینولوژی حقوق، (۱۳۹۴).
- ۹- کانون وکلای دادگستری مرکز، منشور اخلاق حرفه‌ای وکالت، بند ۴ ماده ۶، (۱۳۹۹).

منابع انگلیسی:

۱. Adam Mosseri, Instagram Ranking Explained, Instagram (June ۲۰۲۳, ۲۰), <https://about.instagram.com/blog/announcements/instagram-ranking-explained> (accessed Dec. ۲۰۲۴, ۱۴).
۲. Adam Mosseri, Shedding More Light on How Instagram Works, Instagram (June ۲۰۲۱, ۸), <https://about.instagram.com/blog/announcements/shedding-more-light-on-how-instagram-works> (accessed Dec. ۲۰۲۴, ۲۲).
۳. Anthony Song & Justine Rogers, Lawfluencers: Legal Professionalism on TikTok and YouTube, ۳۷ Geo. J. Legal Ethics (۲۰۲۴) ۸۱۳, <https://www.law.georgetown.edu/legal-ethics-journal/wp-content/uploads/sites/۱۲/۲۰۲۴/۲۴/GT-GJLE۲۴۰۰۲۳.pdf> (accessed May ۲۰۲۵, ۱۵).
۴. Cambridge Dictionary, blogger, <https://dictionary.cambridge.org/dictionary/english/blogger> (accessed May ۲۰۲۵, ۱۵).
۵. Cambridge Dictionary, Influencer, <https://dictionary.cambridge.org/dictionary/english/influencer> (accessed May ۲۰۲۵, ۱۵).
۶. Carsten Schwemmer & Sandra Ziewiecki, Social Media Sellout: The Increasing Role of Product Promotion on YouTube, ۴ Soc. Media + Soc'y ۲۰۵۶۳۰۵۱۸۷۸۶۷۲۰ (SAGE Publications Ltd Jan. ۲۰۱۸), <https://journals.sagepub.com/doi/full/۲۰۵۶۳۰۵۱۸۷۸۶۷۲۰/۱۰۱۱۷۷> (accessed May ۲۰۲۵, ۲۰۲۵).
۷. Law Society of Upper Canada, Professional Conduct Handbook: Published Under the Authority of Convocation for the Guidance of Members of the Law Society of Upper Canada (as amended to Feb. ۱۹۹۷, ۲۸), [https://lso.access.preservica.com/uncategorized/IO\\_ed۹cd۷b-a۵d۶-۸۲۳۲-۴۳۶۲-۱۸۸۵ebf۵d۳۰/](https://lso.access.preservica.com/uncategorized/IO_ed۹cd۷b-a۵d۶-۸۲۳۲-۴۳۶۲-۱۸۸۵ebf۵d۳۰/) (accessed May ۲۰۲۵, ۱۵).

# تنظیم حقوقی قراردادهای هوشمند در ورزش الکترونیک (Esports):

چهارچوبی برای حفاظت از حقوق بازیکنان و شفافیت مالی



سپیده احمدیان فرد

■ دانشجوی کارشناسی ارشد  
حقوق بین الملل دانشگاه  
تهران

## ■ مقدمه

ورزش الکترونیک (Esports) در دهه گذشته از یک سرگرمی حاشیه‌ای به صنعتی جهانی با ارزش بیش از دو میلیارد دلار در سال ۲۰۲۴ تبدیل شده است.<sup>۱</sup> این صنعت که شامل مسابقات رقابتی بازی‌های ویدیویی است، میلیون‌ها بازیکن، تماشاگر، اسپانسر و برگزارکننده را به خود جذب کرده است. با افزایش حجم معاملات مالی در Esports، فناوری‌های نوین مانند بلاکچین<sup>۲</sup> و قراردادهای هوشمند به عنوان ابزارهایی برای مدیریت شفاف و امن قراردادهای وارد این حوزه شده‌اند. قراردادهای هوشمند که به صورت خودکار و بدون نیاز به واسطه اجرا می‌شوند، در تنظیم روابط مالی بین بازیکنان، تیم‌ها و اسپانسرها کاربرد گسترده‌ای یافته‌اند. با این حال، نبود قوانین مشخص برای این قراردادهای مشکلاتی مانند نقض حقوق بازیکنان، عدم شفافیت مالی و افزایش اختلافات حقوقی را به دنبال داشته است. این مقاله با هدف شناسایی این چالش‌ها و ارائه چهارچوبی حقوقی بین‌المللی، به بررسی نقش قراردادهای هوشمند در Esports می‌پردازد. در ادامه، ابتدارشد Esports و فناوری بلاکچین بررسی شده، سپس چالش‌های حقوقی تحلیل گردیده، قوانین موجود در کشورهای پیشرو مقایسه شده و در نهایت چهارچوبی پیشنهادی ارائه می‌شود.

۱. Newzoo, ۲۰۲۴ Global Esports & Live Streaming Market Report, (۲۰۲۴), ۱۲.

۲. قرارداد هوشمند (Smart Contract): برنامه‌ای کامپیوتری که بر بستر بلاکچین اجرا شده و شرایط قرارداد را به صورت خودکار و غیرقابل تغییر اجرا می‌کند.

## ■ ۱. ورزش الکترونیک و فناوری بلاکچین

ورزش الکترونیک که به مسابقات حرفه‌ای بازی‌های ویدیویی اطلاق می‌شود، در سال‌های اخیر به یکی از پرمخاطب‌ترین صنایع سرگرمی تبدیل شده است. این صنعت نه تنها بازیکنان حرفه‌ای، بلکه اسپانسرها، برگزارکنندگان رویدادها و پلتفرم‌های پخش آنلاین مانند Twitch و YouTube Gaming را در بر می‌گیرد.<sup>۳</sup> براساس گزارش‌های صنعتی، تعداد تماشاگران Esports در سال ۲۰۲۴ به بیش از ۶۰۰ میلیون نفر رسیده است.<sup>۴</sup>

۳. Scholten, Max, The Legal Framework of Esports: Emerging Challenges, Vol. ۲۳ International Sports Law Journal, (۲۰۲۳), ۱۱۲-۱۱۳.

۴. Newzoo, ۲۰۲۴ Global Esports & Live Streaming Market Report, (۲۰۲۴), ۱۵.

این رشد سریع، حجم معاملات مالی در این صنعت را به طور چشمگیری افزایش داده و نیاز به ابزارهای شفاف و امن برای مدیریت قراردادهای برجسته کرده است. فناوری بلاکچین، با ویژگی های غیرمتمرکز، شفاف و غیرقابل تغییر خود، راه حلی نوین برای این نیاز ارائه کرده است. قراردادهای هوشمند که بر بستر بلاکچین اجرا می شوند، امکان تنظیم قراردادهای خودکار را فراهم می کنند. برای مثال، یک قرارداد هوشمند می تواند پرداخت دستمزد بازیکن را پس از پیروزی در یک تورنمنت به صورت خودکار انجام دهد یا حقوق اسپانسرشیپ را براساس تعداد بازدیدها محاسبه کند.<sup>۵</sup> با این حال، فقدان چهارچوب های حقوقی مشخص برای تنظیم این قراردادها، خطراتی مانند سوءاستفاده از بازیکنان، نقض قراردادهای و ابهامات قضایی را به همراه دارد. برای نمونه، در سال ۲۰۲۳، یک تیم Esports در آسیا به دلیل نقص فنی در قرارداد هوشمند، نتوانست تعهدات مالی خود را به اسپانسرها انجام دهد که منجر به دعوای حقوقی شد.<sup>۶</sup> این بخش به بررسی این چالش ها و نیاز به تنظیم حقوقی می پردازد.

۵. De Filippi, Primavera & Wright, Aaron, Blockchain and the Law: The Rule of Code, (۲۰۱۸), ۶۰-۴۵.

۶. World Esports Association, Annual Report on Contract Disputes, (۲۰۲۴), ۳۵-۳۲.

## ۲. چالش های حقوقی قراردادهای هوشمند در Esports

استفاده از قراردادهای هوشمند در Esports با چالش های حقوقی متعددی مواجه است که در ادامه به تفصیل بررسی می شوند:

### ▀ ابهام در اعتبار قانونی:

قراردادهای هوشمند در بسیاری از نظام های حقوقی تعریف قانونی مشخصی ندارند. این ابهام باعث می شود که در صورت بروز اختلاف، مشخص نباشد کدام مرجع قضایی صلاحیت رسیدگی دارد یا آیا این قراردادها به طور کلی قابل اجرا هستند.<sup>۷</sup> برای مثال، در یک پرونده در سال ۲۰۲۲، یک بازیکن Esports در اروپا به دلیل عدم اجرای خودکار قرارداد هوشمند، نتوانست دستمزد خود را دریافت کند و دادگاه محلی قرارداد را به دلیل فقدان تعریف قانونی، غیرقابل اجرا دانست.<sup>۸</sup>

۷. Alabed, Naji, Smart Contracts and Dispute Resolution in Digital Markets, Columbia Business Law Review, (March ۲۰۲۳, ۱۵), (Last visited October ۲۰۲۳, ۱۸), <https://journals.library.columbia.edu/index.php/CBLR/article/view/۵۸۹>.

۸. World Esports Association, Annual Report on Player Rights, (۲۰۲۳), ۳۰-۲۵.



### ■ نقض حقوق بازیکنان:

بازیکنان Esports که اغلب جوان و بدون تجربه حقوقی هستند، ممکن است با قراردادهای ناعادلانه مواجه شوند. گزارش‌ها نشان می‌دهند که مواردی مانند عدم پرداخت به‌موقع دستمزد، شرایط فسخ یک‌طرفه و نبود شفافیت در تقسیم جوایز در این صنعت رایج است.<sup>۹</sup> برای نمونه، در سال ۲۰۲۳، یک بازیکن حرفه‌ای در کره جنوبی به دلیل بندهای غیرمنصفانه در قرارداد هوشمند، از دریافت نیمی از جایزه تورنمنت محروم شد.<sup>۱۰</sup>

۹. Ibid, ۲۸.

۱۰. Lee, Soo-Jin, Player Contracts in Esports: A Legal Analysis, Vol. ۲۱ Asian Sports Law Review, (۲۰۲۳), ۸۵-۷۸, ۷۸.

### ■ شفافیت مالی:

اگرچه بلاکچین به دلیل شفافیت خود شناخته شده است، پیچیدگی‌های فنی آن ممکن است برای ذی‌نفعان غیرمتخصص، مانند بازیکنان یا اسپانسرهای کوچک، مشکل‌ساز شود. برای مثال، عدم دسترسی به اطلاعات تراکنش‌ها یا سوءاستفاده از کدهای قرارداد هوشمند می‌تواند شفافیت را به خطر بیندازد.<sup>۱۱</sup>

۱۱. Finck, Michèle, Blockchain Regulation and Governance in Europe, (۲۰۱۹), ۸-۷۷.

### ■ حریم خصوصی داده‌ها:

قراردادهای هوشمند اغلب به داده‌های شخصی بازیکنان (مانند عملکرد در بازی‌ها یا اطلاعات مالی) وابسته هستند که ممکن است بدون رضایت آن‌ها در بلاکچین عمومی ثبت شود. این موضوع می‌تواند نقض قوانین حریم خصوصی، مانند مقررات عمومی حفاظت از داده‌ها (GDPR) در اتحادیه اروپا، را به دنبال داشته باشد.<sup>۱۲</sup>

۱۲. Data Privacy in Esports: A Legal Perspective, Vol. ۲۰ Journal of Law and Technology, (۲۰۲۴), ۵۰-۴۵, ۴۵.

این چالش‌ها نشان‌دهنده نیاز مبرم به چهارچوب حقوقی جامعی برای تنظیم قراردادهای هوشمند در Esports است.

### ■ ۳. تحلیل تطبیقی قوانین موجود

برای طراحی چهارچوب حقوقی مناسب، بررسی قوانین کشورهای پیشرو در Esports ضروری است. در ادامه، وضعیت حقوقی در سه حوزه کلیدی تحلیل می‌شود:



## کره جنوبی:

کره جنوبی، به عنوان یکی از بزرگ‌ترین بازارهای Esports، قوانین پیشرفته‌ای برای حمایت از بازیکنان وضع کرده است. قانون حمایت از بازیکنان حرفه‌ای (۲۰۲۱) حداقل دستمزد، بیمه درمانی و شرایط کاری مشخصی را تعیین کرده است.<sup>۱۳</sup> این قانون همچنین تیم‌ها را ملزم به ارائه قراردادهای شفاف می‌کند، اما به طور خاص به قراردادهای هوشمند اشاره‌ای ندارد. نبود قوانین خاص برای فناوری بلاکچین، تنظیم قراردادهای هوشمند را با مشکل مواجه کرده است.

۱۳. Kim, Ji-Hoon, Esports Law in South Korea: A Case Study, Vol. ۱۹ Asian Journal of Sports Law, (۲۰۲۲), ۸۹-۹۵.

## ایالات متحده:

در ایالات متحده، قراردادهای Esports تحت قوانین عمومی قراردادهای و قوانین کار تنظیم می‌شوند. ایالت‌هایی مانند کالیفرنیا رویکردهای حمایتی‌تری دارند و برخی قوانین ایالتی برای حمایت از بازیکنان جوان وضع شده‌اند.<sup>۱۴</sup> با این حال، نبود قوانین فدرال یکپارچه و عدم توجه به قراردادهای هوشمند، ابهامات حقوقی را افزایش داده است. برای مثال، در سال ۲۰۲۲، یک اختلاف حقوقی در کالیفرنیا به دلیل نبود تعریف قانونی برای قراردادهای هوشمند، حل نشده باقی ماند.<sup>۱۵</sup>

۱۴. Holden, John, The Law of Esports, (۲۰۲۱), ۷۸-۹۰.

۱۵. World Esports Association, Annual Report on Contract Disputes, (۲۰۲۴), ۳۴.

## اتحادیه اروپا:

اتحادیه اروپا با ارائه دستورالعمل‌هایی برای تنظیم فناوری بلاکچین در بازارهای دیجیتال، گامی روبه جلو برداشته است.<sup>۱۶</sup> این دستورالعمل‌ها بر شفافیت، حفاظت از داده‌ها و جلوگیری از سوءاستفاده از فناوری تأکید دارند و می‌توانند به عنوان الگویی برای Esports استفاده شوند. با این حال، این دستورالعمل‌ها هنوز به طور خاص به Esports نپرداخته‌اند و نیاز به تطبیق دارند. تحلیل تطبیقی نشان می‌دهد که هیچ‌یک از این حوزه‌ها چهارچوب جامعی برای تنظیم قراردادهای هوشمند در Esports ندارند. این خلأ قانونی، ضرورت ایجاد یک چهارچوب بین‌المللی را برجسته می‌کند.

۱۶. European Commission, Blockchain Strategy for Digital Markets, (۲۰۲۳), ۱۰-۲۰.



## ۴. پیشنهاد چهارچوب حقوقی بین‌المللی

برای رفع چالش‌های حقوقی قراردادهای هوشمند در Esports، چهارچوبی حقوقی بین‌المللی با چهار محور اصلی پیشنهاد می‌شود:

### استاندارد سازی قراردادها:

قراردادهای هوشمند باید شامل بندهای مشخصی برای حفاظت از حقوق بازیکنان باشند، مانند حداقل دستمزد، شرایط فسخ عادلانه، حقوق مالکیت فکری و حفاظت از داده‌های شخصی. این استانداردها می‌توانند توسط نهادهایی مانند فدراسیون جهانی Esports یا کمیته بین‌المللی المپیک (IOC) تدوین شوند.<sup>۱۷</sup> برای مثال، قراردادها می‌توانند شامل بندی باشند که بازیکنان را از تغییرات یک طرفه در شرایط قرارداد محافظت کند.

۱۷. International Olympic Committee, Esports and Gaming Strategy, (۲۰۲۳), ۱۵-۱۰.

### ایجاد مرجع حل اختلاف‌ها:

یک نهاد بین‌المللی، مانند کمیته حقوقی فدراسیون جهانی Esports، باید به‌عنوان مرجع حل اختلافات مرتبط با قراردادهای هوشمند عمل کند. این نهاد می‌تواند از متخصصان حقوقی، فناوری و Esports تشکیل شود تا راه‌حل‌های سریع و عادلانه ارائه دهد. برای نمونه، این کمیته می‌تواند از روش‌های داوری آنلاین برای حل اختلافات استفاده کند.<sup>۱۸</sup>

۱۸. Alabed, Naji, Smart Contracts and Dispute Resolution in Digital Markets, Columbia Business Law Review, (March ۲۰۲۳, ۱۵), (Last visited October ۲۰۲۳, ۱۸), <https://journals.library.columbia.edu/index.php/CBLR/article/view/۵۸۹>.

### شفافیت مالی:

استفاده از بلاکچین برای ثبت عمومی تراکنش‌های مالی، با رعایت حریم خصوصی بازیکنان، می‌تواند اعتماد را افزایش دهد. برای مثال، تراکنش‌ها می‌توانند در یک دفتر کل عمومی (Public Ledger) ثبت شوند، اما دسترسی به داده‌های حساس محدود شود. این روش می‌تواند از سوءاستفاده‌های مالی، مانند عدم پرداخت جوایز، جلوگیری کند.

۱۹. دفتر کل عمومی (Public Ledger): سیستمی در بلاکچین که تراکنش‌ها را به صورت شفاف و غیرقابل تغییر ثبت می‌کند.

### آموزش و آگاهی بخشی:

بازیکنان، تیم‌ها و اسپانسرها باید از طریق برنامه‌های آموزشی با نحوه عملکرد قراردادهای هوشمند و حقوق خود آشنا شوند. این برنامه‌ها می‌توانند توسط سازمان‌های Esports یا نهادهای حقوقی، مانند انجمن‌های حقوق ورزشی، اجرا شوند. آموزش می‌تواند شامل کارگاه‌های آنلاین یا راهنماهای حقوقی باشد.<sup>۲۰</sup>

این چهارچوب می‌تواند با همکاری نهادهای بین‌المللی مانند IOC، سازمان تجارت جهانی (WTO)، یا سازمان ملل متحد پیاده‌سازی شود. برای مثال، IOC که اخیراً Esports را به‌عنوان یک رشته ورزشی به رسمیت شناخته، می‌تواند نقش کلیدی در تدوین این استانداردها ایفا کند.

۲۰. Scholten, Max, The Legal Framework of Esports: Emerging Challenges, Vol. ۲۳ International Sports Law Journal, (۲۰۲۳), ۱۱۲-۱۱۳, ۱۱۲.

## نتیجه‌گیری

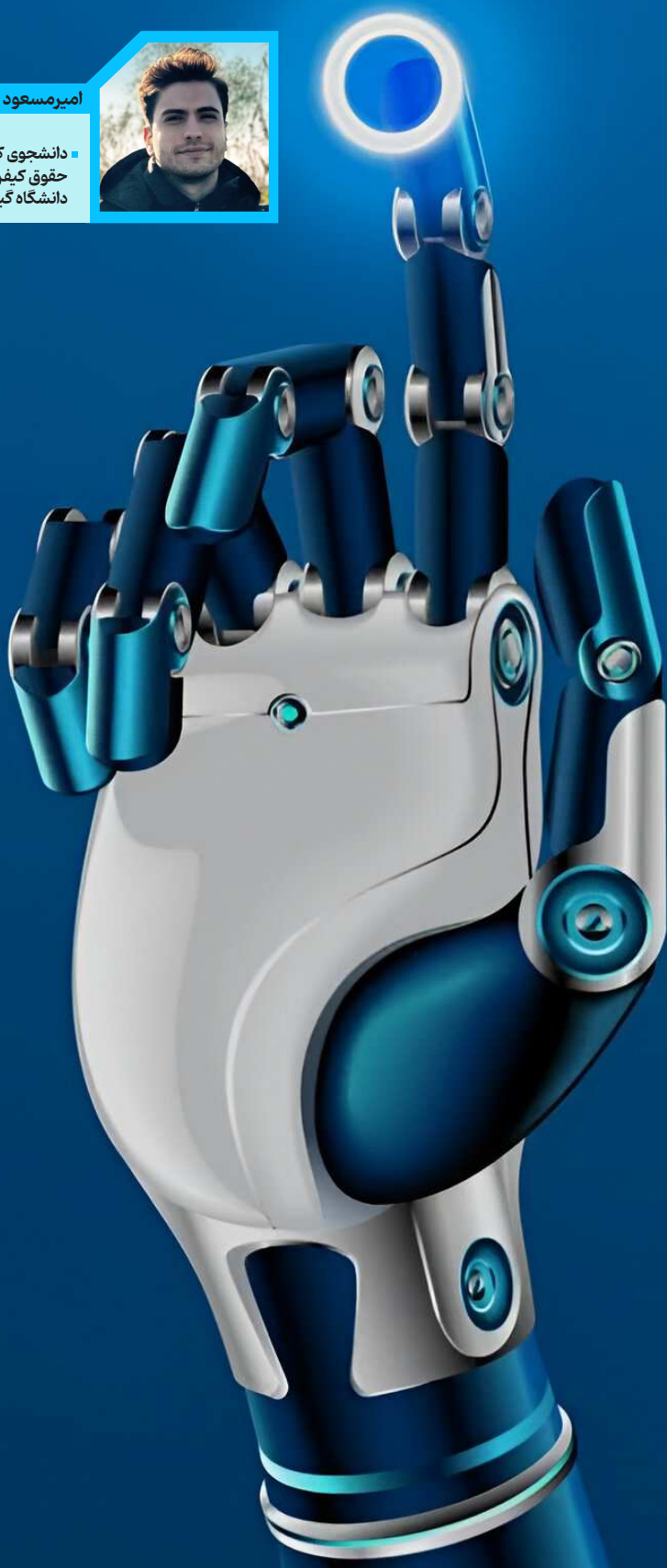
ورزش الکترونیک به‌عنوان صنعتی پویا و روبه‌رشد، نیازمند چهارچوب‌های حقوقی متناسب با فناوری‌های نوین مانند قراردادهای هوشمند است. این مقاله با شناسایی چالش‌های حقوقی، از جمله نبود قوانین مشخص، نقض حقوق بازیکنان، مشکلات شفافیت مالی و مسائل حریم خصوصی، چهارچوبی حقوقی بین‌المللی را پیشنهاد داد. این چهارچوب با استانداردسازی قراردادها، ایجاد مرجع حل اختلاف، تقویت شفافیت مالی و آموزش ذی‌نفعان، می‌تواند به ایجاد محیطی عادلانه و پایدار برای Esports کمک کند. برای تحقیقات آینده، پیشنهاد می‌شود که تأثیر این چهارچوب در عمل بررسی شده و جنبه‌های دیگر مانند مالکیت فکری، تأثیر قراردادهای هوشمند بر اقتصاد Esports و تطبیق این چهارچوب با قوانین محلی مورد توجه قرار گیرد.

١. Alabed, Naji, Smart Contracts and Dispute Resolution in Digital Markets, Columbia Business Law Review, (March ٢٠٢٣ , ١٥), (Last visited October , ١٨ (٢٠٢٣).
٢. <https://journals.library.columbia.edu/index.php/CBLR/article/view/٥٨٩>.
٣. Data Privacy in Esports: A Legal Perspective, Vol. ٢٥ Journal of Law and Technology, (٢٠٢٤) , ٥٠-٤٥ , ٤٥.
٤. De Filippi, Primavera & Wright, Aaron, Blockchain and the Law: The Rule of Code, (٢٠١٨) , ٦٠-٤٥.
٥. European Commission, Blockchain Strategy for Digital Markets, , ٢٠-١٥ (٢٠٢٣).
٦. Finck, Michèle, Blockchain Regulation and Governance in Europe, , ٨٠-٦٧ (٢٠١٩).
٧. Holden, John, The Law of Esports, (٢٠٢١) , ٩٠-٧٨.
٨. International Olympic Committee, Esports and Gaming Strategy, , ١٥-١٠ (٢٠٢٣).
٩. Kim, Ji-Hoon, Esports Law in South Korea: A Case Study, Vol. ١٩ Asian Journal of Sports Law, (٢٠٢٢) , ٩٥-٨٩ , ٨٩.
١٠. Lee, Soo-Jin, Player Contracts in Esports: A Legal Analysis, Vol. ٢١ Asian Sports Law Review, (٢٠٢٣) , ٨٥-٧٨ , ٧٨.
١١. Newzoo, ٢٠٢٤ Global Esports & Live Streaming Market Report, (٢٠٢٤) , ١٨-١٢.
١٢. Scholten, Max, The Legal Framework of Esports: Emerging Challenges, Vol. ٢٣ International Sports Law Journal, (٢٠٢٣) , ١٢٠-١١٢ , ١١٢.
١٣. World Esports Association, Annual Report on Contract Disputes, , ٣٥-٣٢ (٢٠٢٤).
١٤. World Esports Association, Annual Report on Player Rights, (٢٠٢٣) , ٣٠-٢٥.

# دیپ فیک و تهدیدات احتمالی آن بر سیستم عدالت کیفری

امیرمسعود پورموسی

■ دانشجوی کارشناسی ارشد  
حقوق کیفری و جرم شناسی  
دانشگاه گیلان



اصطلاح «دیپ فیک»<sup>۱</sup> که از سال ۲۰۱۷ به ادبیات فناوری رسانه‌های مصنوعی راه یافت، پدیده‌ای نو ظهور اما پیشرفته در حوزه تولید محتوای مبتنی بر هوش مصنوعی محسوب می‌شود. این فناوری با استفاده از الگوریتم یادگیری عمیق، توانایی دستکاری و تولید محتواهای صوتی، تصویری، ویدئویی و متنی را به گونه‌ای کسب کرده است که مرزهای میان واقعیت و تخیل را مضمحل می‌کند. در ابتدا، توسعه دیپ فیک‌ها محدود به کاربردهای تخصصی همچون ارتقای جلوه‌های بصری در صنعت سینما، بازسازی چهره‌های تاریخی یا احیای دیجیتالی صوت و تصویر بازیگران متوفی بود؛ اما امروزه، این فناوری به عنوان بخشی از رسانه‌های مولد در چارچوب تحولات گسترده تر فناوری اطلاعات جای گرفته است. از نمونه‌های کلیدی این فناوری، جایگزینی چهره در ویدئوهاست که طی آن هویت بصری یک فرد با استفاده از الگوریتم‌های مبتنی بر شبکه‌های عصبی، به طور کامل با هویت فرد دیگر تعویض می‌شود. فرایند تولید دیپ فیک‌ها عمدتاً متکی بر معماری‌های مولد شبکه‌های عصبی همچون «شبکه‌های مولد تقابلی»<sup>۲</sup> و «خودرمزگذارها»<sup>۳</sup> است که با تقلید از ساختار داده‌های واقعی، محتوایی با وضوح و جزئیات نزدیک به واقعیت خلق می‌کنند.<sup>۴</sup> با این حال، همین قابلیت‌ها چالش‌های بی‌سابقه‌ای را در حوزه‌های حقوقی، امنیت سایبری و اجتماعی ایجاد کرده‌اند که نیازمند بررسی‌های میان رشته‌ای و چندبعدی می‌باشند. در حوزه علوم کامپیوتر، تحقیقات گسترده‌ای حول دو محور تولید و شناسایی دیپ فیک‌ها انجام شده است، اما ادبیات موجود به طور خاص به تهدیدات این فناوری در سیستم عدالت کیفری نپرداخته است. بدین جهت، پژوهش حاضر تقاطع دیپ فیک‌ها و سازوکارهای عدالت کیفری را مورد سنجش قرار داده و تأثیرات مخرب احتمالی آن را بر پایه این پرسش ارزیابی می‌کند: دیپ فیک‌ها چه تهدیداتی را برای سیستم عدالت کیفری ایجاد می‌کنند؟

۱. ترکیبی از دو واژه «Deep Learning» (یادگیری عمیق) و «Fake» (جعلی) است.

۲. Generative Adversarial Network: GAN

۳. Autoencoder

۴. David Allen, Deepfake Fight: AI-Powered Disinformation and Perfidy Under the Geneva Conventions, SSRN (۲۰۲۱), Accessed on February ۲۰۲۵, ۵, [https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract\\_id=۳۹۵۸۴۲۶](https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=۳۹۵۸۴۲۶)

## ۲. تهدیدات احتمالی دیپ فیک

### ۲.۱. کاهش اعتماد محاکم قضایی بر ادله صوتی-تصویری

در سالیان اخیر، رسانه‌های تولیدشده مبتنی بر هوش مصنوعی شاهد تحولات انقلابی در این عرصه بوده‌اند؛ به طوری که ظهور فناوری‌های پیشرفته‌ای نظیر «دال-ای»<sup>۵</sup> (سیستم تولید تصویر مبتنی بر متن) و «پراکندگی پایدار»<sup>۶</sup> (فناوری تولید محتوا از طریق مدل‌های پراکندگی) نقطه عطفی در بلوغ این حوزه محسوب می‌شوند. این نوآوری‌ها نه تنها مرزهای پژوهش‌های آکادمیک را درنور دیده‌اند، بلکه دسترسی به ابزارهای خلق محتوای مصنوعی را برای طیف گسترده‌ای از کاربران غیرمتخصص قابل دسترس کرده‌اند. در این بستر، دیپ فیک‌ها به عنوان زیرمجموعه‌ای از رسانه‌های مصنوعی، جایگاه دوگانه‌ای یافته‌اند: از سویی پیشرفتی شگرف در پردازش چندرسانه‌ای محسوب می‌شوند و از سوی دیگر چالش‌های بی‌سابقه‌ای را در حوزه‌های امنیت سایبری، اخلاق فناوری و به ویژه عدالت کیفری ایجاد کرده‌اند. تحولات پنج سال اخیر نشان می‌دهند که دیپ فیک‌ها از یک پدیده حاشیه‌ای با اهداف پژوهشی، به عاملی تأثیرگذار در ابعاد مختلف زندگی افراد تبدیل شده‌اند.

۵. DALL-E

۶. Stable Diffusion

هرچند کاربردهای سرگرم‌کننده این فناوری (همچون بازسازی دیجیتالی مرحوم خسرو شکیبایی در جشنواره فجر ۱۴۰۳)<sup>۷</sup> ممکن است بی‌خطر تلقی شوند، اما مواردی همچون انتشار ویدئوی جعلی ولودیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهور اوکراین، در آستانه تهاجم روسیه (۲۰۲۲)<sup>۸</sup>، گواهی بر پتانسیل ویرانگر سوءاستفاده از این ابزارها در عملیات اطلاعاتی و جنگ روانی است. از منظر معرفت‌شناختی، دیپ‌فیک‌ها پارادوکسی جدید را در رابطه انسان با رسانه ایجاد کرده‌اند. این فناوری نه تنها اعتماد مخاطب به محتوای بصری را متزلزل می‌کند، بلکه حتی در مواردی که فرد از جعلی بودن محتوا آگاه است، از طریق مکانیسم‌های ناخودآگاه شناختی، بر شکل‌گیری باورهای او تأثیر می‌گذارد. این مسئله ضرورت بازنگری بنیادین در اعتبار و سندیت ادله الکترونیکی را بیش از پیش آشکار می‌سازد. به عنوان مثال، امکان جعل حرفه‌ای اسناد، تصاویر، صوت و ویدئوهای شهادت شهود یا اعترافات متهمان، میزان قابلیت استناد محتوای الکترونیکی در دادگاه‌ها را با چالش مواجه خواهد کرد. افزون بر این، دیپ‌فیک‌ها در بستردیجیتالی امروز - که در آن سرعت انتشار اطلاعات بر دقت آن غالب است و الگوریتم‌های شبکه‌های اجتماعی به محتوای جنجالی اولویت بیشتری می‌دهند - ممکن است پیش از تکذیب ویدئوهای جعلی، آن‌ها را به عنوان حقیقتی موقت در اذهان عمومی نهادینه کنند. این روند به ویژه در شرایط بحرانی نظیر درگیری‌های نظامی یا انتخابات سیاسی، می‌تواند نقش خود را به مثابه حربه‌ای در نبردهای اطلاعاتی ایفا کند. از این رو، مواجهه با این چالش تنها از طریق توسل به راهکارهای فنی همچون توسعه ابزارهای تشخیص دیپ‌فیک ممکن نیست، بلکه مستلزم بازتعریف چارچوب‌های حقوقی، تقویت سواد رسانه‌ای جامعه و ایجاد هماهنگی بین‌المللی میان کشورها برای تدوین پروتکل‌های نظارتی خواهد بود.

۷. خبرگزاری عصر ایران، "بازسازی صدا و تصویر زنده‌یاد خسرو شکیبایی توسط هوش مصنوعی در افتتاحیه جشنواره فجر (فیلم)"، دسترسی‌یافته در ۱۷ بهمن ۱۴۰۳، لینک: <https://B2n.ir/z27043>  
 ۸. BBC News, Deepfake Presidents used in Russia-Ukraine war, Accessed on February ۲۰۲۵, ۵, <https://www.bbc.co.uk/news/technology-۶۰۷۸۰۱۴۲>

## ۲.۲. پیچیده‌تر شدن جرائم سنتی

پژوهش‌های علمی نشان می‌دهند که فناوری دیپ‌فیک نه تنها باعث دیجیتالی شدن برخی جرائم سنتی شده، بلکه زمینه‌ساز شکل‌گیری شیوه‌های پیچیده‌تری از بزهکاری نیز بوده است. این جرائم را می‌توان در سه حوزه اصلی بررسی کرد:



۱- سوءاستفاده‌های جنسی: تولید و انتشار محتوای مستهجن جعلی برای انتقام جویی، تخریب اعتبار و کرامت افراد.

۲- کلاهبرداری‌های صوتی - تصویری: سرقت هویت دیجیتالی، فریب سیستم‌های امنیتی بیومتریک و دستکاری قراردادهای هوشمند.

۳- نشر اکاذیب و تشویش اذهان عمومی: تغییر محتوای رسانه‌ای برای اهداف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، ایجاد روایت‌های جعلی و تأثیرگذاری بر افکار عمومی.

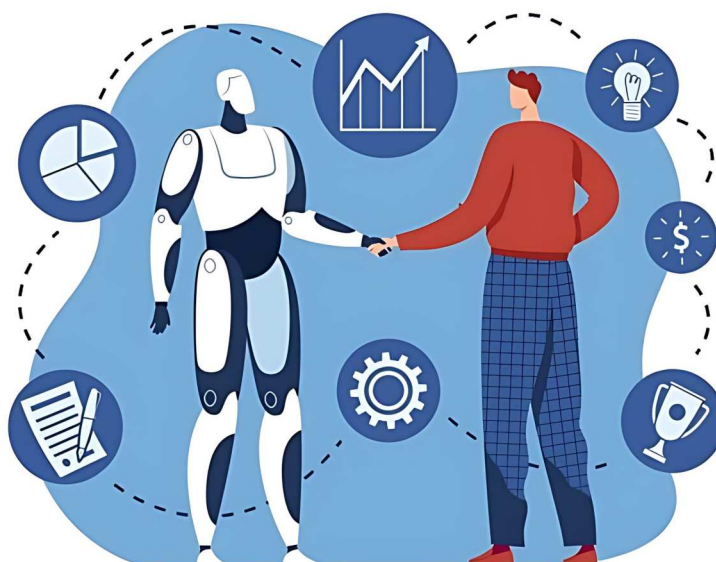
## ۲.۲.۱ سوءاستفاده‌های جنسی مبتنی بر فناوری دیپ‌فیک

بیش از ۹۰ درصد از تولیدات دیپ‌فیک در فضای مجازی شامل محتوای مستهجن ساختگی هستند که میلیون‌ها بازدید را به خود اختصاص داده‌اند.<sup>۹</sup> این فناوری می‌تواند آسیب‌پذیری قربانیان خشونت خانگی را تشدید نماید. رایج‌ترین کاربردهای مجرمانه دیپ‌فیک در حوزه سوءاستفاده جنسی، شامل تولید ویدئوهای مستهجن، ویدئوهای انتقام‌جویانه، محتوای سوءاستفاده از کودکان، اخاذی جنسی و سایر اشکال نوظهور خشونت سایبری می‌باشد. با این وجود، پژوهش‌های مرتبط با سوءاستفاده‌های مبتنی بر تصویر که از طریق دیپ‌فیک تسهیل می‌شوند، هنوز در مراحل اولیه خود قرار دارند. یکی از جنبه‌های بحران‌زای این پدیده، اتوماسیون ذاتی آن است که امکان تولید انبوه محتوا را با سرعتی بی‌سابقه فراهم کرده و در نتیجه، شیوع تصاعدی تهدیدات سایبری را به همراه داشته است. با این حال، نرخ گزارش‌دهی این جرایم به دلیل خودداری گسترده قربانیان از افشای آن، در سطحی پایین باقی مانده است. تحلیل‌های حقوقی-اجتماعی نشان می‌دهند که عوامل متعددی همچون ناشناس ماندن بزهکاران در فضای مجازی و نقص‌های قانون‌گذاری در حوزه حمایت از بزه‌دیدگان سایبری، منجر به کاهش نرخ گزارش‌دهی و دشواری در اثبات جرائم مربوطه می‌شود. از منظر حقوقی، قوانین موجود در بسیاری از حوزه‌های قضایی فاقد چارچوب‌های شفاف برای پوشش مصادیق نوین جرایم دیپ‌فیک هستند؛ امری که به خلأهای تقنینی و چالش‌های اجرایی برای نهادهای نظارتی انجامیده است.<sup>۱۰</sup> همچنین، نگرش‌های سهل‌انگارانه اجتماعی نسبت به شدت آسیب‌زایی جرایم سایبری نیز به عنوان عاملی تشدیدکننده عمل می‌کنند. مطالعات جامعه‌شناختی نشان می‌دهند که ادراک عمومی از سوءاستفاده سایبری، معمولاً در مقایسه با اشکال کلاسیک خشونت نظیر تعرض فیزیکی، کم‌خطرتر تلقی می‌شود. این کم‌اهمیت‌پنداری پدیده‌های سایبری نه تنها منجر به تضعیف پاسخ‌گویی قانونی می‌شود، بلکه به مشکلاتی همچون اختلال استرس پس از سانحه<sup>۱۱</sup>، دوری‌گزینی و در نتیجه قربانی‌سازی ثانویه دامن می‌زند.

۹. Patrick Pan, "Deepfakes and the End of the Photographic Age", Wolfson Coll., Univ. of Cambridge, ۵۷-۵۵.

۱۰. Durham University, "Deepfake P\*\*\*: why we need to make it a crime to create it not just share it", Accessed on February ۲۰۲۵, ۵, <https://www.durham.ac.uk/research/current/thought-leadership/۰۴/۲۰۲۴/deepfake-porn-why-we-need-to-make-it-a-crime-to-create-it-not-just-share-it/>

۱۱. Post-Traumatic Stress Disorder (PTSD).



## ۲.۲.۲. کلاهبرداری‌های صوتی-تصویری مبتنی بر فناوری دیپ‌فیک

فناوری دیپ‌فیک نه تنها بستر ارتکاب طیف گسترده‌ای از جرایم مالی را مهیا می‌سازد، بلکه خود به عنوان عاملی تشدیدکننده در تقویت پیچیدگی و دامنه‌ی این جرایم عمل می‌کند. به عنوان نمونه، در سال ۲۰۱۹ مدیرعامل یک شرکت انرژی بریتانیایی فریب کلاهبرداری را خورد که با شبیه‌سازی صوتی دیپ‌فیک، صدای مدیر ارشد را جعل کرده و او را وادار به انتقال ۲۴۳۰۰۰ یورو به حسابی در مجارستان نمودند.<sup>۱۲</sup> این فناوری در اشکال متنوعی از فریب‌های مالی به کار گرفته می‌شود، از جمله کلاهبرداری‌های عاطفی (با سوءاستفاده از روابط احساسی) و فریب‌های موسوم به «فریب سالمندان»<sup>۱۳</sup> که طی آن مجرمان با تقلید چهره یا صدای اعضای خانواده، قربانیان خود را فریب می‌دهند. دیپ‌فیک به عنوان بستر اولیه یا اهرمی برای جرایم سازمان‌یافته، به ویژه جرایم مرتبط با جعل هویت دیجیتال، نقش محوری ایفا می‌کند. این پدیده، چالش‌های بنیادینی در حوزه سیستم‌های احراز هویت و مدیریت داده‌های شخصی ایجاد نموده که پیامدهای آن امنیت اجتماعی و حاکمیتی را به طور گسترده تحت تأثیر قرار می‌دهد. برای مثال، شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد مجرمان از دیپ‌فیک برای عبور از سد سیستم‌های احراز هویت مبتنی بر ویژگی‌های بیومتریک (مانند تشخیص چهره یا صدا)<sup>۱۴</sup> استفاده می‌کنند. پیچیدگی روزافزون جرایم حوزه جعل هویت، گویای آثار زنجیره‌ای و چندلایه فناوری دیپ‌فیک در عرصه جرایم سایبری است. این واقعیت، ضرورت بازنگری در راهبردهای احراز هویت چندمرحله‌ای، سامان‌دهی حفاظت از داده‌های حساس و اجرای سیاست‌های پیشگیرانه جامع برای مقابله با تهدیدات نوین دیپ‌فیک را آشکار می‌سازد. تدوین چارچوب‌های نظارتی هوشمند، توسعه فناوری‌های تشخیص تقلب پیشرفته و افزایش آگاهی عمومی نسبت به مکانیسم‌های این جرایم، از جمله راهکارهای کلیدی برای کاهش آسیب پذیری‌های ناشی از این پدیده به شمار می‌روند. در این راستا، همکاری نهادهای قانون‌گذاری، پلتفرم‌های فناوری و مراکز امنیت سایبری برای ایجاد اکوسیستمی مقاوم در برابر سوءاستفاده از دیپ‌فیک، امری اجتناب‌ناپذیر است.

۱۲. Forbes, "A voice Deepfake Was Used To Scam A CEO Out Of \$243,000", Accessed on February ۲۰۲۵, ۶, <https://www.forbes.com/sites/jessedamiani/۰۳/۰۹/۲۰۱۹/a-voice-deepfake-was-used-to-scam-a-ceo-out-of-۲۴۳۰۰۰/>

۱۳. Grandparent Fraud. این معنای تحت‌اللفظی آن «کلاهبرداری از پدربزرگ و مادربزرگ» است. این نوع کلاهبرداری یک فریب تلفنی یا مجازی است که در آن فرد کلاهبردار خود را به عنوان نوه یا یکی از اعضای سالمندان جا می‌زند و با ادعای یک وضعیت اضطراری (همچون تصادف، دستگیری یا نیاز فوری به پول) از آن‌ها درخواست پول می‌کند.

۱۴. Biometric Update, "AI poses threat to biometric authentication, new report warns; but how soon?", Accessed on February ۲۰۲۵, ۶, <https://www.biometricupdate.com/۲۰۲۴۱/ai-poses-threat-to-biometric-authentication-new-report-warns-but-how-soon>

## ۲.۲.۳. نشر اکاذیب و تشویش اذهان عمومی

پیشرفت روزافزون در فناوری دیپ‌فیک و افزایش میزان واقع‌نمایی آن، تهدیدی چندبعدی برای حریم خصوصی، امنیت اجتماعی و ثبات سیاسی محسوب می‌شود. این فناوری با توانایی تحریف گفتمان سیاسی، دخالت در فرایندهای انتخاباتی و ایجاد تهدیدهای گسترده در حوزه امنیت ملی، به ابزاری مؤثر برای بی‌ثبات‌سازی نظام‌های حکمرانی تبدیل شده است. این پدیده می‌تواند با ایجاد پیامدهای زنجیره‌ای، موجب ناپایداری سیاسی و افزایش تنش‌های بین‌المللی



شود. مطالعات نشان داده است که افرادی که از روش‌های تشخیص محتوای جعلی آگاهی کافی ندارند، بیشتر در معرض پذیرش و باور دیپ‌فیک‌ها قرار می‌گیرند. در این میان، سطح سواد رسانه‌ای و توانایی تحلیل انتقادی اطلاعات، نقش مهمی در میزان آسیب‌پذیری افراد در برابر محتوای جعلی ایفا می‌کند. یافته‌ها نشان می‌دهد که هرچه توانایی تحلیل انتقادی فرد بالاتر باشد، احتمال فریب خوردن او کاهش می‌یابد. ابعاد تهدیدآمیز این فناوری تا حدی است که می‌تواند زمینه‌ساز درگیری‌های مسلحانه در سطح بین‌المللی شود. نمونه‌ای از این مسئله در بحران سیاسی گابن در سال ۲۰۱۹ دیده شد؛ زمانی که انتشار یک ویدئوی دیپ‌فیک منتسب به رئیس‌جمهور این کشور، موجب تشدید بحران مشروعیت سیاسی و بی‌ثباتی اجتماعی شد.<sup>۱۰</sup> این پدیده همچنین به شکل گیری تناقضی در سنجش اعتبار اطلاعات منجر شده است؛ به این معنا که حتی با افزایش آگاهی عمومی درباره دیپ‌فیک، تشخیص حقیقت از جعل دشوارتر شده و در نتیجه، اعتماد عمومی به رسانه‌های بصری کاهش یافته است. سازمان‌های غیردولتی و بازیگران کشورهای متخاصم می‌توانند از دیپ‌فیک به عنوان ابزاری برای تضعیف اعتماد عمومی به نهادهای حکومتی، تشدید اختلافات اجتماعی و تخریب یکپارچگی سیاسی و انتخاباتی استفاده کنند. این روند، زیرساخت‌های اساسی همچون امنیت سایبری، عملیات نظامی هوشمند و سامانه‌های اطلاعاتی را در معرض خطر قرار داده است. مقابله با این تهدیدات نیازمند بازنگری در چارچوب‌های حقوقی و فنی است. برای این منظور، توسعه مکانیسم‌های تطبیقی برای نظارت و پاسخ‌گویی و تقویت همکاری‌های بین‌المللی ضروری است. اقداماتی که اتحادیه اروپا در زمینه تدوین مقررات خدمات دیجیتال و رسانه‌ای انجام داده است، نمونه‌ای از سیاست‌های پیشگیرانه در مقابله با اطلاعات جعلی در فضای سایبری به شمار می‌روند. این رویکردها بر اساس تجربه‌های پیشین در مدیریت فناوری‌های مختل‌کننده و کاهش اثرات منفی آن‌ها طراحی شده است. با این حال، موفقیت این راهبردها به اجرای سه اقدام کلیدی بستگی دارد: توسعه الگوریتم‌های پیشرفته برای شناسایی دیپ‌فیک، ارتقای

سطح سواد رسانه‌ای و مهارت‌های تحلیلی کاربران برای تشخیص اطلاعات جعلی و ایجاد همکاری‌های بین‌المللی برای تدوین قوانین مؤثر در زمینه مقابله با جرایم سایبری. دستیابی به این اهداف نیازمند بازتعریف مفهوم امنیت ملی در عصر دیجیتال و بهره‌گیری از دیدگاه‌های میان‌رشته‌ای در حوزه‌های حقوق، علوم سیاسی و امنیت سایبری است تا بتوان راهبردهایی مقاوم و پایدار در برابر این تهدیدات تدوین کرد.

۱۰. Xu, Ying, et al. "Analyzing Fairness in Deepfake Detection With Massively Annotated Databases". IEEE Transactions on Technology and Society, no. ۹۹, Mar. ۲۰۲۴, pp. ۳-۱, DOI: ۱۰.۱۱۰۹/TTS.۲۰۲۴.۳۳۶۵۴۲۱. (<https://doi.org/10.1109/TTS.2024.3365421>)

## نتیجه‌گیری

دیپ‌فیک‌ها، به عنوان یکی از پیشرفته‌ترین دستاوردهای هوش مصنوعی، ظرفیت‌های بی‌نظیری در حوزه‌های مختلف از جمله صنعت



سرگرمی، آموزش، تبلیغات و حتی حفظ میراث فرهنگی ایجاد کرده‌اند. این فناوری امکان بازآفرینی چهره‌ها و صداها را با دقتی حیرت‌انگیز فراهم آورده و می‌تواند در تولید محتوای واقع گرایانه، دوبله فیلم‌ها، بازسازی شخصیت‌های تاریخی و توسعه ابزارهای تعاملی نقشی تحول آفرین ایفا کند. با این حال، علی‌رغم این مزایا، دیپ‌فیک‌ها تهدیدات عمیقی برای نظام عدالت کیفری به همراه داشته‌اند. و چالش‌هایی اساسی را در زمینه اعتماد عمومی، اثبات مسئولیت کیفری، گردآوری و تحلیل ادله و صیانت از یکپارچگی فرایندهای دادرسی ایجاد کرده‌اند. گسترش این فناوری منجر به ظهور گونه‌های نوینی از جرایم سایبری شده که نه تنها تهدیدات موجود را تشدید کرده، بلکه آثار روانی، اجتماعی و اقتصادی قابل توجهی نیز بر جای گذاشته است. سهم عمده‌ای از تحقیقات در زمینه شناسایی دیپ‌فیک در چین متمرکز شده، به طوری که در حال حاضر ۵۱ دانشگاه در این کشور به طور فعال در این حوزه فعالیت دارند؛ در حالی که در سایر نقاط جهان، تنها ۳۸ دانشگاه در این زمینه تحقیق و توسعه انجام می‌دهند. این عدم توازن در سرمایه‌گذاری علمی حاکی از آن است که بسیاری از کشورها همچنان تهدیدات ناشی از دیپ‌فیک را به درستی درک نکرده و اقدامات لازم برای مقابله با آن را در دستور کار خود قرار نداده‌اند. ضعف در توسعه راهکارهای فناورانه و نبود قوانین کارآمد و به‌روز، خطرات ناشی از دیپ‌فیک را برای نظام عدالت کیفری دوچندان کرده است. جعل مستندات صوتی و تصویری می‌تواند اعتبار شواهد، اسناد و امارات قضایی را به چالش بکشد. از این رو، تصویب قوانین جدید که به طور خاص تولید و انتشار دیپ فیک‌ها را تحت نظارت و کنترل قرار دهد، امری ضروری و گامی در جهت صیانت از نظام عدالت کیفری ایران محسوب می‌شود.

## منابع:

منابع فارسی:

۱. خبرگزاری عصر ایران. "بازسازی صدا و تصویر زنده‌یاد خسرو شکیبایی توسط هوش مصنوعی در افتتاحیه جشنواره فجر (فیلم)." دسترسی یافته در ۱۷ بهمن ۱۴۰۳. <https://B2n.ir/z27043.1403>.

منابع لاتین:

۱. Allen, David. Deepfake Fight: AI-Powered Disinformation and Perfidy Under the Geneva Conventions. SSRN, ۲۰۲۱. Accessed February ۲۰۲۵, ۵. [https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract\\_id=3958426](https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=3958426).
۲. BBC News. "Deepfake Presidents Used in Russia-Ukraine War." Accessed February ۲۰۲۵, ۵. <https://www.bbc.co.uk/news/technology-60780422>.
۳. Biometric Update. "AI Poses Threat to Biometric Authentication, New Report Warns; But How Soon?" Accessed February ۲۰۲۵, ۶. <https://www.biometricupdate.com/202401/ai-poses-threat-to-biometric-authentication-new-report-warns-but-how-soon>.
۴. Durham University. "Deepfake P\*\*\*: Why We Need to Make It a Crime to Create It, Not Just Share It." Accessed February ۲۰۲۵, ۵. <https://www.durham.ac.uk/research/current/thought-leadership/04/2024/deepfake-porn-why-we-need-to-make-it-a-crime-to-create-it-not-just-share-it>.
۵. Forbes. "A Voice Deepfake Was Used to Scam a CEO Out of \$243,000." Accessed February ۲۰۲۵, ۶. <https://www.forbes.com/sites/jessedamiani/2024/01/20/a-voice-deepfake-was-used-to-scam-a-ceo-out-of-243000>.
۶. Pan, Patrick. Deepfakes and the End of the Photographic Age. Wolfson College, University of Cambridge, pp. ۵۷-۵۵.
۷. Xu, Ying, et al. "Analyzing Fairness in Deepfake Detection With Massively Annotated Databases." IEEE Transactions on Technology and Society, no. ۹۹, Mar. ۲۰۲۴, pp. ۳-۱. DOI:10.1109/TTS.2024.3376541. <https://doi.org/10.1109/TTS.2024.3376541>.

## ۱. مقدمه

تجارت الکترونیک از آغاز هزاره جدید به دلیل نوآوری‌های تکنولوژی به طور چشمگیری افزایش یافته است. در سال ۲۰۲۱، کنفرانس تجارت و توسعه سازمان ملل متحد (UNCTAD)<sup>۱</sup> تخمین زد که فروش به واسطه تجارت الکترونیک در سراسر جهان به حدود ۲۵ تریلیون دلار آمریکا رسید<sup>۲</sup>، با نرخ رشد ترکیبی سالانه نه درصد تا سال ۲۰۲۷ (که این میزان دوبرابر پیش‌بینی رشد سالانه چهار درصدی خرده‌فروشی سنتی حضوری است)<sup>۳</sup>. با توجه به اینکه افراد و کسب‌وکارها به طور فزاینده‌ای از پلتفرم‌های خرید آنلاین استفاده می‌کنند، نیاز به روش‌های حل و فصل اختلاف آنلاین (ODR)<sup>۴</sup> برای رفع اختلافات و کاهش خطر دعاوی پرهزینه رو به افزایش است. همان‌طور که به طور مختصر اشاره شد، داوری رسمی‌ترین رویکرد در این زمینه است، چرا که اثرات الزام‌آور آن بین طرفین و اعتبار آن به عنوان امر مختومه شناخته می‌شود<sup>۵</sup>. داوری آنلاین نیز همان قوانین و رویه‌های داوری سنتی را دنبال می‌کند اما از طریق ابزارهای الکترونیکی مانند ایمیل و ابزارهای دیجیتال برای تسهیل وظایف داوران و طرفین اختلاف انجام می‌شود. در بخش مثبت داوری الکترونیک، پیشرفت‌های فناوری موجب صرفه‌جویی در هزینه و زمان می‌شود و در عین حال راحتی ثبت پرونده از راه دور را فراهم می‌کند. اما در بخش منفی یکی از نگرانی‌ها مربوط به انعقاد توافق‌نامه‌های داوری الکترونیک است، به دلیل نابرابری قدرت بین شرکت‌های تجاری و مصرف‌کنندگانی که این توافق‌نامه‌ها را منعقد می‌کنند. همچنین نگرانی‌هایی در مورد حفظ حریم خصوصی و حفاظت از داده‌های شخصی مصرف‌کنندگان وجود دارد. آنچه می‌توان مورد بحث قرار داد این است که تا چه حد هوش مصنوعی (AI) به طور کافی و مناسب قادر به تحلیل اختلافات بین طرفین است، چرا که این نوآوری در روش داوری هنوز به طور کامل شفاف نیست.

# تحلیل جامع داوری در چشم انداز نوین تجارت الکترونیک

آبرین محمدی

فارغ التحصیل کارشناسی حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد سمنان

پژمان یزدانی

فارغ التحصیل کارشناسی حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد سمنان

دیاکواصلانی

دانشجوی کارشناسی حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد سمنان

۱. the United Nations Conference on Trade and Development.
۲. Business e-commerce sales and the role of online platforms, (July ۱۰, ۲۰۲۴), <https://unctad.org/publication/business-e-commerce-sales-and-role-online-platforms>.
۳. Martin Barthel et al, Winning Formulas for E-Commerce Growth, (October ۳۱, ۲۰۲۳), (Jul ۲۰۲۴, ۱۰), <https://www.bcg.com/publications/۲۰۲۳/winning-formulas-for-e-commerce-growth>.
۴. Online Dispute Resolution.
۵. UNCTAD, Dispute settlement: international commercial arbitration, ۵/۹: Electronic arbitration. New-York: United Nations, (۲۰۰۳), (Jul ۲۰۲۴, ۱۰), [https://unctad.org/en/Docs/edmmisc۲۳۲add۲۰\\_en.pdf](https://unctad.org/en/Docs/edmmisc۲۳۲add۲۰_en.pdf).



## ■ ۲. دیجیتال سازی داوری

### ۲.۱. داوری در چارچوب رویه های حل اختلاف آنلاین (ODR)

حل اختلافات آنلاین - که به اختصار ODR خوانده می شود - به عنوان روش های آنلاین برای رسیدن به توافق، چه به طور کامل و چه به صورت جزئی از طریق اینترنت، تعریف شده اند. به بیان دیگر، ODR ها از همان روش های حل اختلاف جایگزین (ADRS) مانند مذاکره، میانجی گری و داوری استفاده می کنند، اما با استفاده از پلتفرم های تکنولوژیکی مدرن و روش های ارتباطی دیجیتال. در این میان، میانجی گری و داوری رایج ترین روش های مورد استفاده هستند، اما میانجی گری به طور خاص محبوب تر است، به طوری که ۷۴٪ ارائه دهندگان ODR خدمات میانجی گری و ۴۰٪ خدمات داوری ارائه می دهند.<sup>۶</sup>

پیش از ادامه بحث، تعریف دقیقی از داوری آنلاین یا الکترونیک (e-arbitration) ارائه می دهیم. کورتس و کول<sup>۷</sup> داوری آنلاین را این گونه تعریف کرده اند: «داوری ای که در آن عناصر اصلی فرایند داوری به صورت آنلاین مدیریت می شود.» این دو نویسنده بیان می کنند که داوری آنلاین از طریق تبادل اسناد در یک پلتفرم آنلاین انجام می شود و این اسناد به داور ارسال شده و وی تصمیم خود را از طریق ایمیل به طرفین ابلاغ می کند، بدون اینکه نیازی به ملاقات حضوری باشد. این فرایند به طور سنتی این گونه است، اما با پیشرفت هوش مصنوعی، این فناوری به عنوان جایگزینی برای فرایند قضاوت انسانی در نظر گرفته می شود. خدمات داوری آنلاین را می توان به دو گروه تقسیم کرد:

۱. با کمک تکنولوژی: جایی که طرفین از ابزارهای تکنولوژیکی برای تسهیل ارتباطات استفاده می کنند.

۲. کاملاً مبتنی بر تکنولوژی: جایی که کل فرایند داوری از طریق روش ها و پلتفرم های الکترونیکی انجام می شود.

اگرچه این تقسیم ارتباطات آنلاین را شامل نمی شود، اما بند ۲ ماده ۲ کنوانسیون شناسایی و اجرای آرای داوری خارجی ۱۹۵۸ (کنوانسیون نیویورک)<sup>۸</sup> اولین گام مقدماتی به سوی داوری آنلاین به شمار می آید. این ماده مفهوم توافق نامه کتبی را گسترش داده و «تبادل نامه ها یا تلگراف ها» را بخشی از توافق نامه داوری می داند.<sup>۹</sup> اگرچه این موضوع به صراحت بیان نشده، این بند به نحوی تفسیر شد که شامل ارتباطات ایمیلی و سپس دیگر انواع ارتباطات دیجیتالی باشد.

۶. Karolina Mani, Online dispute resolution: The future of justice. International Comparative Jurisprudence, (October ۲۰۱۵, ۱۵) [cited ۲۰۲۴ Arp ۰۲] ۸۶-۷۶:(۱)۱, at ۷۹, <https://doi.org/10.1016/j.icj.2015/10.007>.

۷. Cortés and Cole

۸. New York Convention

۹. Armağan Ebru Bozkurt Yüksel, Online International Arbitration. Ankara Law Review, (Summer ۲۰۰۷)

[Arp ۲۰۲۳, ۴] ۹۳-۸۳:(۱)۴. [https://doi.org/10.1010/lawrev\\_.....41](https://doi.org/10.1010/lawrev_.....41)



e-commerce

با توجه به مقررات اروپایی، شق الف بند ۲ ماده ۱ کنوانسیون اروپایی داوری تجاری بین‌المللی نیز اجازه می‌دهد که ارتباطات و اجزای دیجیتال به عنوان عناصر یک توافق‌نامه داوری آنلاین پذیرفته شوند، مشروط بر این که کشورهای عضو چنین فرمت‌هایی را به رسمیت بشناسند و مجاز بدانند. هر دو سند، تفسیری جامع ارائه می‌دهند؛ زیرا تبادل پیام‌های الکترونیکی معادل تبادل تلگراف‌ها تلقی می‌شود که با پیشرفت‌های فناوری مطابق است و با بند ۲ ماده ۲ کنوانسیون نیویورک همخوانی دارد. شایان ذکر است که حتی اگر طرفین تمایلی به داوری الکترونیکی نداشته باشند، یک دادگاه داوری ممکن است از ابزارهای الکترونیکی مانند ویدیوکنفرانس برای شهادت شاهدان استفاده کند. بسیار بعید است که در هر مرحله‌ای از قبل، حین یا پس از جلسه داوری هیچ‌گونه ابزار الکترونیکی‌ای مورد استفاده قرار نگیرد.

## ۲.۲. آغاز داوری آنلاین

در اوج رونق دات‌کام، دولت‌ها و کسب‌وکارها در سراسر جهان متوجه شدند که با گسترش خرید آنلاین، اختلافات نیز شکل جدیدی به خود خواهند گرفت. نیاز به حل اختلافات آنلاین (ODRs) در اوایل دهه ۱۹۹۰ و پس از لغو ممنوعیت فعالیت‌های تجاری آنلاین توسط بنیاد ملی علوم ایالات متحده در سال ۱۹۹۲ آشکار شد.<sup>۱۰</sup> در دسامبر ۲۰۰۰، سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD)<sup>۱۱</sup> کنفرانسی با عنوان «ایجاد اعتماد در محیط آنلاین: حل اختلافات بین کسب‌وکار و مصرف‌کننده» (B2C)<sup>۱۲</sup> برگزار کرد و بر حل اختلافات خارج از نظام‌های دادگاهی در موارد مربوط به کسب‌وکار و مصرف‌کننده تأکید نمود. گزارشی که از این کنفرانس به دست آمد، تأکید داشت که فروشندگان آنلاین باید با ارائه «مکانیزم‌های حل اختلاف آنلاین شفاف و قابل اعتماد» اعتماد مصرف‌کنندگان را جلب کنند تا از طرح دعاوی B2C جلوگیری شود.<sup>۱۳</sup> توسعه ODRها (نه فقط داوری آنلاین) را می‌توان به سه مرحله اصلی تقسیم کرد:

۱. مرحله آماتور: از ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۶ که در این دوره ODRها به طور ابتدایی بررسی و آزمایش شدند.
۲. مرحله آغاز پلتفرم‌های تجاری آنلاین اولیه: این مرحله شاهد راه‌اندازی اولین پلتفرم‌های آنلاین تجاری بود.
۳. دوره توسعه تجاری و مرحله نهادی: از سال ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۰ توسعه کسب‌وکارها صورت گرفت و در سال ۲۰۰۱ مرحله نهادی آغاز شد؛ یعنی زمانی که ODRها توسط مؤسسات و سازمان‌های خصوصی به کار گرفته شدند.

۱۰. Paul De Her., European Data Protection and E-Commerce: Trust Enhancing. In Prins J.E.J. et al., eds., Trust in Electronic Commerce: The Role of Trust from a Legal, an Organizational, and a Technical Point of View. The Hague: Kluwer Law International; (۲۰۰۲), ۲۷۷.

۱۱. The Organization for Economic Co-operation and Development

۱۲. Business to consumer

۱۳. Karolina Mania, Online dispute resolution: The future of justice. International Comparative Jurisprudence

(1): (2023, 23 Oct 2023) [last visited Arp 2023, 23 Oct 2023], at 77,

87-76, at 77, <https://doi.org/10.1016/j.icj.2015.10.006>



کتش و ریفکین<sup>۱۴</sup> به عنوان پیشگامان ODR شناخته می‌شوند، زیرا در سال ۱۹۹۹ دفتر Online Ombuds را در مرکز فناوری اطلاعات و حل اختلاف دانشگاه ماساچوست تأسیس کردند. در ژانویه ۲۰۰۰، شرکت اینترنتی برای اختصاص نام‌ها و شماره‌ها (ICANN)<sup>۱۵</sup> امکان حل اختلافات به طور کامل از طریق داوری آنلاین را فراهم کرد. سیاست‌های حل اختلاف ICANN پایه‌های ODR را شکل دادند. سپس، در مارس ۲۰۰۰، دفتر Online Ombuds با همکاری eBay پلتفرمی به نام SquareTrade ایجاد کرد که پروژه‌ای آزمایشی برای حل اختلافات بین فروشندگان و خریداران در پلتفرم eBay بود. این پروژه موفقیت‌آمیز بود و SquareTrade هنوز هم توسط eBay مورد استفاده قرار می‌گیرد. این پلتفرم مستقر در ایالات متحده سالانه بیش از شصت میلیون اختلاف را بر اساس پروژه آزمایشی کتش و همکاران حل می‌کند.<sup>۱۶</sup>

مرحله نهایی در سال ۲۰۰۱ آغاز شد، زمانی که روش‌های ODR وارد دادگاه‌ها و مؤسسات دولتی شدند. ابزارهای آنلاین اولیه عمدتاً برای مذاکره و میانجی‌گری استفاده می‌شدند و کمتر برای داوری به کار گرفته می‌شدند. در طول زمان، پلتفرم‌های اولیه ODR به دلیل نبود مشتری کافی از بین رفتند، چرا که هزینه استفاده از این خدمات برای دعاوی کوچک توجیه اقتصادی نداشت. سپس، این پورتال‌های قدیمی با پلتفرم‌های نوآورانه جدید جایگزین شدند که از جدیدترین فناوری‌ها برای جذب مشتریان جدید بهره می‌برند.

## ۲.۳. مقایسه چارچوب‌های قانونی داوری الکترونیک و محدودیت‌های آن‌ها

### ۲.۳.۱. اتحادیه اروپا

در سال ۱۹۹۳، اتحادیه اروپا اقدامات حفاظت از مصرف‌کننده را با تصویب «دستورالعمل شرایط غیرمنصفانه در قراردادهای مصرف‌کننده» آغاز کرد. بند ۱ ماده ۳ این دستورالعمل بیان می‌کند که بندهای داوری حتی اگر به صورت فردی مذاکره نشده باشند، در صورتی که چنین بندهایی باعث «ایجاد عدم تعادل قابل توجه در حقوق و تعهدات طرفین قرارداد به ضرر مصرف‌کننده» شوند، غیرمنصفانه و باطل تلقی خواهند شد. با تصویب این دستورالعمل، کمیسیون اروپا به ناعادلانه بودن بندهای داوری اذعان کرد، زیرا چنین بندهایی ممکن است موجب عدم تعادل قدرت بین فروشنده و مصرف‌کننده شوند. به عنوان مثال، برخی مفاد داوری ممکن است مصرف‌کنندگان را ملزم به حضور در هیئت داوری کنند تا آن‌ها را از شروع رسیدگی بازدارند.

اتحادیه اروپا بین داوری تجاری به مصرف‌کننده (B۲C) و داوری تجاری به تجاری (B۲B)<sup>۱۸</sup> تفاوت قائل می‌شود؛ زیرا مورد دوم تحت کنوانسیون اروپایی داوری تجاری بین‌المللی (۱۹۶۱) قرار دارد. اتحادیه اروپا مقررات ۲۰۱۳/۵۲۴ را تصویب کرد که به ایجاد یک پلتفرم حل اختلاف آنلاین (ODR) از فوریه ۲۰۱۶ برای دعاوی B۲C منجر شد و اختلافات در آن به طور متوسط ظرف ۹۰ روز حل می‌شود. پارلمان و شورای اروپا دستورالعمل EU/۱۱/۲۰۱۳ را تصویب کردند تا حل اختلافات را به روشی مقرون به صرفه و سریع تر تقویت کنند. با این حال، چانگ اشاره کرده است که این دستورالعمل یک نقطه ضعف دارد: این دستورالعمل فروشندگان آنلاین را ملزم به اجرای چارچوب اتحادیه اروپا نمی‌کند. علاوه بر این، اگر فروشندگان تصمیم بگیرند رویکرد اتحادیه اروپا را به طور داوطلبانه اتخاذ کنند، این موضوع به عهده کشورهای عضو است که قوانین داخلی را برای اطمینان از اجرای مناسب آن تصویب کنند. بنابراین، هر کشور عضو باید تعریف کند که چه چیزی را به عنوان بندهای داوری سوءاستفاده‌آمیز در نظر می‌گیرد.<sup>۱۹</sup>

۱۴. Katsh and Rifkin

۱۵. The Internet Corporation for Assigned Names and Number

همان ۱۷

۱۸. Business-to-business

۱۹. Ha-Sung Chung, Online ADR for the E-Commerce: European Union's ADR Legislation for Cross-Border Online



برخلاف پیش‌نویس مقررات آیین دادرسی آنسیترال (UNCITRAL)، ماده ۶ دستورالعمل EU/۱۱/۲۰۱۳ مهارت‌هایی را که یک داور یا متخصص باید داشته باشد مشخص می‌کند. ماده ۱۰ همین دستورالعمل بیان می‌کند که هرگونه توافقی که بین مصرف‌کننده و فروشنده قبل از وقوع اختلاف صورت گیرد و اگر چنین توافقی مصرف‌کننده را از استفاده از حق رجوع به دادگاه بازدارد، قابل اجرا نیست. به طور خلاصه، اتحادیه اروپا تمرکز بیشتری بر حفاظت از مصرف‌کننده دارد تا دیگر کشورها، زیرا مقررات آن پیشرفته‌تر است و نهادهای آن علاقه بیشتری به بهبود حمایت از مصرف‌کننده نشان می‌دهند، همان‌طور که در مقایسه با ایالات متحده و چین در ادامه مشاهده خواهد شد.

اگرچه بریتانیا رسماً در ۳۱ ژانویه ۲۰۲۰ از اتحادیه اروپا خارج شد، این تصمیم تأثیری بر لندن به عنوان محل داورى نداشت، زیرا «قانون داورى بریتانیا ۱۹۹۶» تحت تأثیر خروج قرار نگرفت.<sup>۲۰</sup> در مورد مسائل تجاری، عموماً استقلال بیشتری به معاملات تجاری داده می‌شود. «مقررات بروکسل»<sup>۲۱</sup> که رسماً به عنوان «مقررات ۲۰۱۲/۱۲۱۵» شناخته می‌شود، چارچوبی قانونی است که به دادگاه‌های اتحادیه اروپا اجازه می‌دهد در امور مدنی و تجاری مربوط به پرونده‌های ارائه شده در کشورهای عضو صلاحیت داشته باشند و تأثیر کمی بر حوزه بین‌المللی دارد. جالب است که این مقررات به طور صریح اشاره دارد که داورى باید از حوزه اختیارات آن مستثنی باشد؛ یعنی، «این مقررات نباید در مورد داورى اعمال شود». این امر این سوال را به وجود می‌آورد که آیا دستگاه قضایی کشورهای عضو اتحادیه اروپا در شرایط استثنایی از چنین توصیه‌ای منحرف خواهد شد یا خیر. دادگاه‌های کشورهای عضو اتحادیه اروپا رویکردی اتخاذ کرده‌اند که طرفین را در صورت وجود توافق داورى قبلی، به داورى ارجاع دهند.

## ۲.۳.۲. ایالات متحده آمریکا

از آنجا که ایالات متحده یک نظام فدرالی است، چارچوب‌های قانونی داورى هم در سطح فدرال و هم در سطح ایالتی تصویب می‌شوند. در حوزه فدرال، قانون اصلی مربوط به داورى، قانون فدرال داورى ۱۹۲۶ است<sup>۲۲</sup> که در دادگاه‌های ایالتی برای تعیین اعتبار و قابلیت اجرای توافق‌نامه‌های داورى و همچنین به عنوان مبنایی برای معاملات تجاری بین‌ایالتی قابل اجرا است. در موارد متعددی قانون‌گذاران ایالات متحده اقدام به معرفی لوایحی در جهت حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان و کارمندان کرده‌اند اما این لوایح به قانون تبدیل نشدند. به عنوان مثال، می‌توان به لایحه‌ای اشاره کرد که هدف آن اجازه دادن به مصرف‌کنندگان و کارمندان برای استفاده از مسیر قضایی علی‌رغم توافق به داورى در قراردادهای فردی یا جمعی بوده است.<sup>۲۳</sup>

۲۰. کمیسیون اروپا، گزارش درباره اجرای مقررات شورای EC، شماره ۲۰۰۱/۴۴ در مورد صلاحیت و شناسایی و اجرای احکام در امور مدنی و تجاری، COM (۲۰۰۹) ۱۷۴، تصویب شده در ۲۱ آوریل ۲۰۰۹.

۲۱. The Brussels I Regulation

۲۲. Federal Arbitration Act

۲۳. Arbitration Fairness Act of ۲۰۱۱

همچنین، جدیدترین لایحه‌ای که در سال ۲۰۲۳ در سنای ایالات متحده معرفی شد، هدفش ممنوعیت اعتبار و قابلیت اجرای توافق‌نامه‌های داوری پیش از بروز اختلاف و توافق‌نامه‌های داوری اجباری است؛ در صورتی که یک طرف خصوصی مجبور به پذیرش توافق‌نامه و فرایند داوری علیه یک شرکت در مسائل مربوط به مصرف‌کننده، استخدام و حقوق مدنی شده باشد.<sup>۲۴</sup>

پیشنهاد قانونی مذکور بر اساس لایحه عدالت در داوری ۲۰۱۱ شکل گرفته بود<sup>۲۵</sup> که در سال ۲۰۱۱ به مجلس نمایندگان ایالات متحده ارائه شد اما ادامه نیافت. برخلاف اتحادیه اروپا، ایالات متحده تفاوتی میان داوری مصرف‌کننده و داوری تجاری قائل نیست. در زمینه داوری آنلاین، به نظر می‌رسد که مقامات فدرال و ایالتی این حوزه را به سازمان‌ها و نهادهای مختلفی واگذار کرده‌اند که پلتفرم‌ها، قوانین و دستورالعمل‌های مختص خود را ایجاد کرده‌اند. همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، انجمن داوری آمریکا<sup>۲۶</sup> پلتفرم WebFile<sup>۲۷</sup> را ایجاد کرده است و خدمات قضایی داوری و میانجی‌گری<sup>۲۸</sup> که یکی دیگر از بازیگران برجسته است، پلتفرم JAMS Access را تأسیس کرده است که به طرفین امکان می‌دهد پرونده‌های خود را از هر مکان و در هر زمان ثبت و مدیریت کنند.<sup>۲۸</sup> قابل توجه است که سازمان‌ها و نهادهای داوری در ایالات متحده مجموعه قوانین خاص خود را دارند اما رویکردی مشترک اتخاذ کرده‌اند. به دلیل رقابت آن‌ها قوانین مشابهی را متناسب با جدیدترین روندها و نوآوری‌ها تنظیم کرده‌اند. علی‌رغم پیشرفت کند در سطح فدرال توسط سیاست‌گذاران، ایالت‌های آمریکا ابتکارات مستقلی را برای ترویج داوری آنلاین و همچنین میانجی‌گری در موضوعاتی فراتر از روابط B2C اتخاذ کرده‌اند.<sup>۲۹</sup> به عنوان مثال:

- در سال ۲۰۲۱ رئیس دیوان عالی فلوریدا مجوز گسترش یک پروژه آزمایشی را به نواحی قضایی‌ای که مایل به استفاده از روش‌های حل اختلاف آنلاین<sup>۳۰</sup> در دادگاه‌های بدوی خود بودند، صادر کرد.

- سال بعد دادگاه عالی ایالت کالیفرنیا (شهرستان لس‌آنجلس) برنامه‌های ODR را برای دعاوی کوچک و اختلافات موجرو مستأجر راه‌اندازی کرد تا به طرفین اجازه دهد توافق‌نامه‌های الزام‌آور را

۲۴. Forced Arbitration Injustice Repeal Act

۲۵. Arbitration Fairness Act of ۲۰۱۱

۲۶. American Arbitration Association

۲۷. Judicial Arbitration and Mediation Services

۲۸. David McLean, US arbitral institutions and their rules, (April ۲۰۲۲), (May ۱۸

۲۰۲۴) <https://www.lw.com/thoughtLeadership/us-arbitral-institutions-and-their-rules>.

خارج از سیستم قضایی مذاکره و منعقد کنند. - همچنین اداره مالیات ایالت تگزاس یک سیستم داوری آنلاین برای مسائل مربوط به مالیات املاک راه‌اندازی کرده است.<sup>۳۱</sup>

علاوه بر این، ایالت‌های مختلف تمایل دارند روش‌های ODR را به طور کلی و بدون تأکید خاص بر یک روش نسبت به دیگری ترویج دهند.

به گفته مانیا<sup>۳۲</sup> قانون فدرال داوری (FAA) دارای برخی کاستی‌ها است. این قانون چه در داوری‌های مصرف‌کننده و چه در داوری‌های تجاری، محدودیت‌هایی در خصوص بندهای داوری که در توافق‌نامه‌ها پیش از بروز اختلاف درج می‌شوند فراهم نمی‌کند.<sup>۳۳</sup> در ایالات متحده حدود ۴۸ درصد از فروشندگان آنلاین بندهای داوری را در شرایط و ضوابط خود قرار می‌دهند. بین فروشندگان آنلاین و مصرف‌کنندگان عدم توازن قدرت وجود دارد، چرا که ۸۸ درصد از وبسایت‌هایی که توسط داستیل و تیم او بررسی شده‌اند، مصرف‌کنندگان را با پذیرش منفعلانه، ملزم به پذیرش بندهای داوری می‌کنند.<sup>۳۴</sup> چنین بندهایی حتی زمانی که مصرف‌کنندگان به لینک‌های خارجی مختلف ارجاع داده می‌شوند نیز الزام‌آور هستند. این موضوع نشان می‌دهد که چارچوب قانونی داوری فدرال ایالات متحده بیشتر به نفع کسب‌وکارها است تا مصرف‌کنندگان. برخلاف اتحادیه اروپا قوانین ایالات متحده بندهای داوری غیرمنصفانه یا غیرقابل قبول را تعریف نمی‌کنند. علاوه بر این، رویه قضایی دیوان عالی ایالات متحده نشان می‌دهد که این نهاد به وضوح با چشم‌پوشی‌هایی که مانع از تشکیل دعاوی گروهی می‌شود موافقت می‌کند. فقدان یک چارچوب قانونی مناسب ممکن است داوری را به عنوان یک راه حل کارآمد برای حل اختلافات معرفی نکند. بر اساس تحقیقات سال‌ی، بیش از ۶۰ درصد از فروش‌های آنلاین ایالات متحده شامل توافق‌نامه‌های داوری هستند که گسترده محسوب می‌شوند. همچنین از میان ۸۱ شرکت از ۱۰۰ شرکت برتر فورچون که توافق‌نامه‌های داوری را در قراردادهای مصرف‌کننده خود درج کرده‌اند، ۷۸ شرکت چشم‌پوشی از دعاوی گروهی را نیز گنجانده‌اند.<sup>۳۵</sup>

۲۹. Business-to-Customer

۳۰. Online Dispute Resolution

۳۱. Karolina Mania, American and European Perspectives on Arbitration Agreements in Online Consumer Contracts. (۲۰۱۵)، ۷۷-۷۵۹، ۵.

۳۲. Mania

۳۳. همان

۳۴. همان

۳۵. Faye Fangfei Wang, Online Arbitration. (۲۰۱۹)، ۲۴، ۱۰.

## ۲.۴. استفاده عملی از هوش مصنوعی در داوری

در داوری هوش مصنوعی برای نگارش، بازخوانی، تحقیقات حقوقی، مدیریت پرونده و وظایف لجستیکی مورد استفاده قرار می‌گیرد اما استفاده از آن می‌تواند به سطوح بالاتری نیز برسد. دیلفکا و اکنوش<sup>۳۶</sup> تاکید می‌کنند که هوش مصنوعی به دلیل کاربرد عمیق خود در تشخیص گفتار، نگارش رای‌ها و تعیین مقام انتخاب‌کننده<sup>۳۷</sup> به یک دستیار مورد اعتماد برای دنیای داوری بین المللی تبدیل خواهد شد.<sup>۳۸</sup> تشخیص گفتار نقش مهمی در فرایندهای داوری الکترونیکی ایفا خواهد کرد، زیرا نیاز به خدمات تایپ متنی را که پرهزینه هستند و اغلب در جلسات استماع استفاده می‌شوند از بین می‌برد. به لطف میکروفون‌ها و فناوری تشخیص گفتار، متن‌های بلادرنگ می‌توانند به صورت خودکار تولید شوند. علاوه بر این، در موارد اختلافات بین‌المللی که شامل بیش از یک زبان هستند، هوش مصنوعی می‌تواند سرعت ترجمه را به طور چشمگیری افزایش دهد. اگر افرادی با زبان‌های مختلف درگیر یک اختلاف باشند، هوش مصنوعی حتی می‌تواند به عنوان جایگزینی برای مترجم عمل کند. نگارش رای‌ها فرایندی زمان‌بر برای داور است، از این رو نویسندگان استدلال می‌کنند که دستگاه‌های هوش مصنوعی می‌توانند نگارش بخش‌های استاندارد و عمومی رای را بر عهده بگیرند و داور تنها مراحل نهایی و تصمیم‌گیری را انجام دهد. در همین راستا، کوهن و ناپرت<sup>۳۹</sup> بیان می‌کنند که برنامه‌های کامپیوتری قادر به نگارش تصمیمات داوری هستند، چرا که این برنامه‌ها توسط خبرگزاری‌ها برای اطلاع‌رسانی پیام‌های اضطراری استفاده می‌شوند. از این رو تصمیمی که به صورت تئوری باید به طور مستقل توسط یک داور اتخاذ شود، با کمک نرم‌افزارهای کامپیوتری دیگر کاملاً مستقل نخواهد بود. استفاده از نرم‌افزارهای کامپیوتری ممکن است بر تصمیم‌گیری نهایی داور انسانی تأثیر بگذارد، زیرا این نرم‌افزارها می‌توانند بر فرآیند تصمیم‌گیری او تأثیر بگذارند. اگر هوش مصنوعی به نوعی در نگارش تصمیم داوری دخالت داشته باشد، ممکن است طرفین بپرسند که داور تا چه حد در نوشتن تصمیم خود به هوش مصنوعی متکی بوده است. هنگامی که طرفین در انتخاب داور تصمیم‌گیری نمی‌کنند، هوش مصنوعی می‌تواند با ارائه فهرستی از نامزدهای مناسب که با نیازهای دقیق آن‌ها مطابقت دارد، به آن‌ها کمک کند.<sup>۴۰</sup>

۳۶. Dilevka & Aknouche

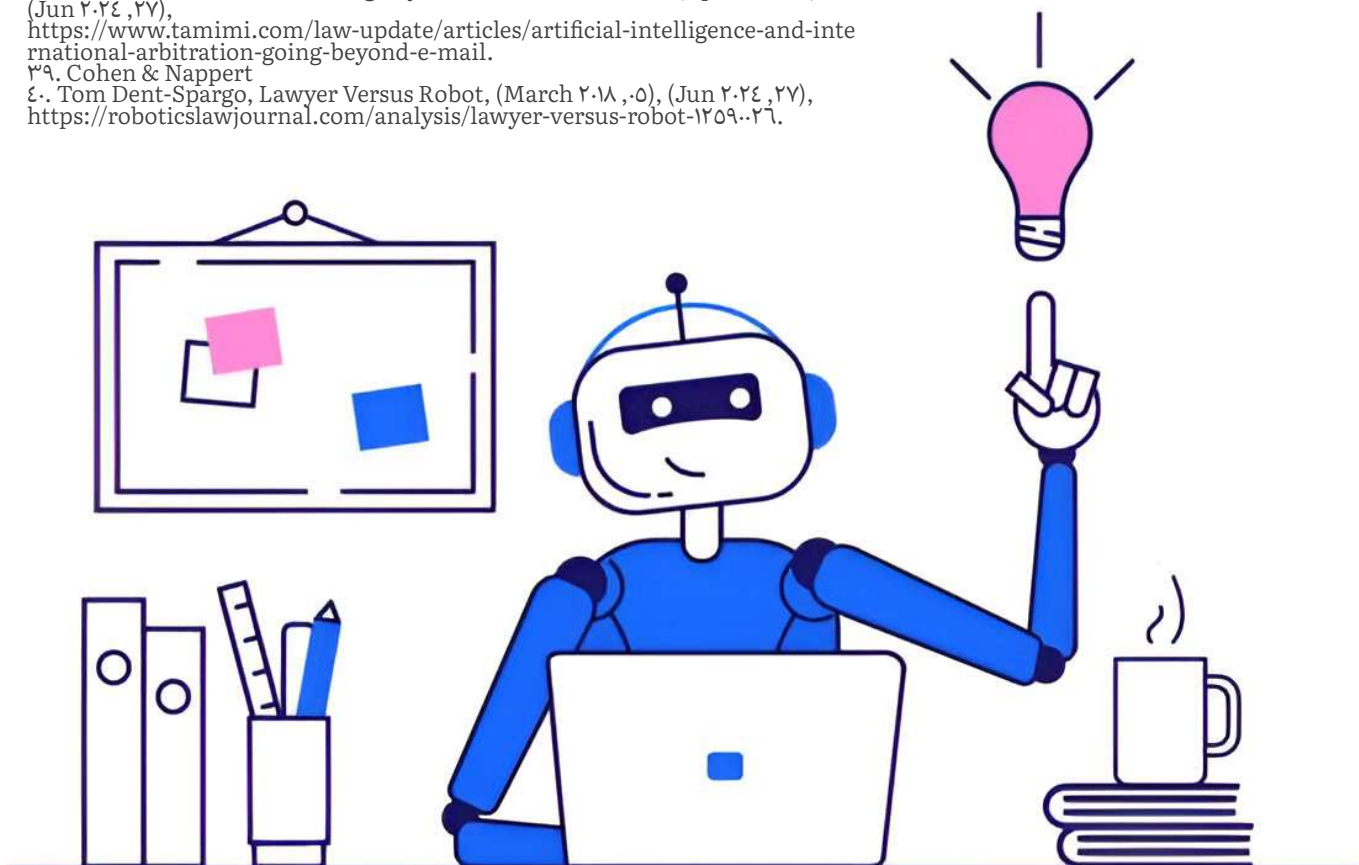
۳۷. Paul Cohen and Sophie Nappert, Arbitration in the Digital Age: The Brave New World of Arbitration. (۲۰۱۸), ۱۴۸-۱۲۶, ۱.

۳۸. Thomas R. Snider and Sergejs Dilevka, Artificial Intelligence and International Arbitration: Going Beyond E-mail, Al Tamimi, (April ۲۰۱۸, ۳), (Jun ۲۰۲۴, ۲۷),

<https://www.tamimi.com/law-update/articles/artificial-intelligence-and-international-arbitration-going-beyond-e-mail>.

۳۹. Cohen & Nappert

۴۰. Tom Dent-Spargo, Lawyer Versus Robot, (March ۲۰۱۸, ۵), (Jun ۲۰۲۴, ۲۷), <https://roboticslawjournal.com/analysis/lawyer-versus-robot-۱۲۵۹۰۰۲۶>.



برنامه‌های نرم‌افزاری تخصصی در زمینه‌های مختلف حقوقی به صورت تجاری در دسترس هستند و می‌توانند نتیجه یک پرونده را پیش‌بینی کنند. شگفت‌آور است که شرر<sup>۴۱</sup> در سخنرانی خود اظهار داشت: «برنامه‌های هوش مصنوعی منطقی هستند، در حالی که انسان‌ها این‌گونه نیستند.» در ایالات متحده، نژاد عاملی غیرمنطقی اما همیشه حاضر در تعیین مجازات یک متهم است. کارشناسان این حوزه در حال بررسی این موضوع هستند که آیا امکان ایجاد یک داور الکترونیکی کاملاً عملیاتی وجود دارد یا خیر. برخی قوانین ملی مانند قوانین فرانسه و بریتانیا تنها به افراد طبیعی اجازه می‌دهند که داور باشند. اگرچه این امر صریحاً بیان نشده می‌توان اساساً فرض کرد که قانون نمونه آنسیترال نیز تنها افراد طبیعی را می‌پذیرد، زیرا در متن آن از ضمائر شخص سوم، مانند «او» استفاده شده است. انتخاب داور تحت تأثیر الزامات انسانی و شخصی است که اتکا به هوش مصنوعی به عنوان یک داور خودمختار را دشوار می‌کند. تأیید اعتبار رای‌های الکترونیکی ممکن است فرایندی پیچیده به نظر برسد اما با توجه به سیستم اپوستیل الکترونیکی که توسط کشورها اتخاذ شده است و اسناد مرتبط آنسیترال، طرفین می‌توانند رای‌های خود را به راحتی در سراسر جهان به رسمیت بشناسند. تکنولوژی می‌تواند به عنوان یک طرف چهارم در نظر گرفته شود، زیرا نقش حیاتی در داورهای مدرن ایفا می‌کند و نقش اصلی را در داور الکترونیکی دارد. کوهن و ناپرت استدلال می‌کنند که داور به طور اجتناب‌ناپذیری به سمت خودکارسازی پیش می‌رود، زیرا ربات‌ها نه تنها در حوزه ارتباطات بلکه در حوزه پزشکی نیز استفاده می‌شوند و عملکرد بهتری نسبت به متخصصان پزشکی دارند. مطالعات اولیه نشان داده‌اند که کامپیوترها در پیش‌بینی کمی مسائل حقوقی از ذهن انسان بهتر عمل می‌کنند. راگرو همکارانش<sup>۴۲</sup> دریافتند که برنامه‌های کامپیوتری ۷۵ درصد آرای قضات دیوان عالی ایالات متحده را به درستی پیش‌بینی کردند، در حالی که کارشناسان حقوقی معتبر تنها ۵۹.۱ درصد از این آرا را به درستی حدس زدند. یک مطالعه اخیر که توسط کاتز<sup>۴۳</sup> و همکارانش در سال ۲۰۱۷ منتشر شد نشان داد که برنامه‌های کامپیوتری نتایج ۷۰.۲ درصد از پرونده‌ها و آرای ۷۱.۹ درصد از قضات دیوان عالی ایالات متحده را به درستی پیش‌بینی کردند.<sup>۴۴</sup>

برخی از متخصصان دچار برتری وهمی هستند<sup>۴۵</sup> و فکر می‌کنند که از ماشین‌ها توانمندتر و دقیق‌تر هستند، در حالی که تحقیقات کوهن و ناپرت نشان داده‌اند که از نظر آماری این‌گونه نیست. برخلاف داوران انسانی، نمایندگان حقوقی طرفین مجبور خواهند بود رویکرد خود را در ارائه پرونده تغییر دهند و عوامل احساسی را حذف کنند. از سوی دیگر برخی از کارشناسان استدلال می‌کنند که مشارکت انسانی در تمام تصمیمات داور ضروری است. با توجه به اینکه نهادهای داور بزرگ آزادی قابل توجهی به داوران می‌دهند تا حقایق مربوط به یک اختلاف را بدون راهنمایی یا محدودیت‌های نظارتی تعیین کنند، فقدان مقررات نظارتی در استفاده از هوش مصنوعی در فرایندهای داور ممکن است مشکلاتی ایجاد کند. به نظر می‌رسد که سیستم‌های هوش مصنوعی در آینده نزدیک در جایگاهی مشابه با تصمیم‌گیرندگان قضایی انسانی قرار خواهند گرفت، چرا که هوش مصنوعی حاشیه خطا را

کاهش می‌دهد. برای مثال گی<sup>۴۶</sup> توضیح می‌دهد که طرفین دعاوی در چین از هوش مصنوعی برای ارزیابی شانس موفقیت خود قبل از آغاز مراحل دادگاه استفاده می‌کنند.<sup>۴۷</sup> هوش مصنوعی به سرعت در حال پیشرفت است و تنها مسئله زمانی است که چنین فناوری‌های پیشرفته‌ای تقریباً جایگزین خروجی انسانی شوند.



۴۰. Tom Dent-Spargo, Lawyer Versus Robot, (March ۲۰۱۸, ۰۵), (Jun ۲۰۲۴, ۲۷), <https://roboticslawjournal.com/analysis/lawyer-versus-robot-۱۲۵۹۰۰۲۶>.

۴۱. Scherer

۴۲. Ruger

۴۳. Katz

۴۴. Paul Cohen and Sophie Nappert, Arbitration in the Digital Age: The Brave New World of Arbitration. (۲۰۱۸), ۱۴۸-۱۲۶, ۱.

۴۵. Francisco Uribarri Soares, New Technologies and Arbitration, Indian Journal of Arbitration Law, (۲۰۱۸), (Jul ۲۰۲۴, ۱۳), Available from [http://ijal.in/sites/default/files/IJAL\\_Volume\\_V\\_Issue\\_۱\\_Francisco\\_Uribarri\\_Soares.pdf](http://ijal.in/sites/default/files/IJAL_Volume_V_Issue_۱_Francisco_Uribarri_Soares.pdf)

۴۶. Gay

۴۷. Mohamed S. Abdel Wahab and Ethan Katsh, Revolutionizing Technologies and the Use of Technology in International Arbitration: Innovation, Legitimacy, Prospects and Challenges, ۴۴

علیرغم جنبه عملی دآوری نباید فراموش کرد که همانند دادرسی در محاکم علاوه بر ارائه آنلاین مدارک یکی دیگر از عناصر مهم در فرایند دآوری دفاعیات طرفین است. کارایی جلسات دیجیتال به کیفیت نرم افزارهای فناوری اطلاعات مورد استفاده و همچنین شبکه وای فای مورد استفاده طرفین بستگی دارد. اگر یکی از طرفین از نظر فناوری در وضعیت نامساعدی قرار داشته باشد، دآوری آنلاین می تواند بر برابری یا عدالت فرایند دآوری تأثیر بگذارد. انصاف رویه ای و تمامیت دآوری به شدت تحت تأثیر قرار می گیرد، اگر یکی از طرفین به یک پلتفرم دسترسی نابرابر داشته باشد. فناوری های اطلاعات و ارتباطات از شمول پذیری حمایت می کنند، زیرا این فناوری ها به طرفین در سراسر جهان این امکان را می دهند که اختلافات خود را از طریق ابزارهای الکترونیکی حل و فصل کنند. همان طور که قبلاً ذکر شد برخی از کارشناسان و پژوهشگران بر این باورند که هرچه داده ها ارزشمندتر باشند و بیشتر از طریق ابزارهای الکترونیکی تبادل شوند، احتمال بروز اختلافات نیز افزایش می یابد. علاوه بر این، وهاب (Abdel Wahab) و کتس (Ethan Katsh) بر این باورند که هرچه استفاده از روش های آنلاین برای طرفین آسان تر شود، مانند ارسال و تکمیل فرم های آنلاین، احتمال بروز اختلافات نیز افزایش می یابد. به همین دلیل نویسندگان این فناوری را یک شمشیر دولبه می دانند.<sup>۴۸</sup> با این حال، از آنجا که این پدیده نسبتاً جدید است، به نظر نمی رسد که تا کنون مطالعات یا آمار دقیقی برای حمایت از ادعای نویسندگان منتشر شده باشد.

۴۸. Alexander Gay, The inevitable collision between AI and law of arbitration, (Feb, ۱۲, ۲۰۲۰), (Jul ۲۰۲۴, ۱۲), <https://www.law360.ca/ca/articles/۱۷۵۰۶۲/the-inevitable-collision-between-ai-and-law-of-arbitration>

### ۳. نتیجه گیری

به عنوان یک تحلیل نهایی، دآوری بین المللی در تجارت الکترونیک به عنوان یک روش نوآورانه برای حل اختلافات هم برای کسب و کارها و هم برای مصرف کنندگان به صورت جهانی مورد استفاده قرار می گیرد. با توجه به رشد مداوم تجارت الکترونیک خرده فروشی، منطقی است که فکر کنیم تعداد اختلافات نیز افزایش خواهد یافت. دآوری الکترونیکی دارای پتانسیل ها و چشم اندازهای فراوانی است، چرا که به دلیل نوآوری های تکنولوژی مداومی که قبلاً بیان شد می تواند گسترش یابد. همان طور که دیده ایم، دآوری نه تنها در میان مصرف کنندگان بلکه حتی میان ارائه دهندگان روش های حل اختلاف آنلاین (ODR) نیز محبوب ترین روش نیست. برخی از پژوهشگران مانند اشمیتز معتقدند که دآوری و مقررات مرتبط با آن به نفع کسب و کارها و به ضرر مصرف کنندگان است، بنابراین فعالان و نهادهای دآوری باید به مسائل واقعی ای که طرفین در استفاده از این روش حل اختلاف با آن مواجه می شوند رسیدگی کنند. همان طور که گوی اظهار کرده است، هوش مصنوعی در حوزه دآوری یک تحول بازار محسوب می شود.<sup>۴۹</sup> شرر نیز نتیجه گیری کرده که هوش مصنوعی نمایانگر تغییر پارادایمی مهمی است. این موضوع به ویژه زمانی صدق می کند که هوش مصنوعی به طور کامل تر توسعه یابد و در جوامع حقوقی و نهادهای دآوری تبلیغ شود. روش های حل اختلاف آنلاین (ODR) به مصرف کنندگان آنلاین گزینه هایی برای حل اختلافاتشان ارائه داده است. همان طور که در بالا اشاره شد، دآوری الکترونیکی دسترسی بیشتر و کارایی بیشتری را در فرایندهای حل اختلاف فراهم می کند اما معایبی نیز دارد، چرا که ممکن است طرفین نسبت به گستره کامل بررسی پرونده شان توسط یک پلتفرم هوش مصنوعی اطمینان نداشته باشند. راه های زیادی برای ممکن ساختن فرایندهای دآوری الکترونیکی وجود دارد، اما اجرای دیجیتال یک رای دآوری ممکن است یکی از چالش هایی باشد که طرف پیروز با آن مواجه خواهد شد. از نظر پیشرفت های تکنولوژی، هوش مصنوعی به تدریج در دنیای دآوری الکترونیکی اهمیت پیدا می کند، زیرا احتمالاً به دلیل عملکرد برتر آن نسبت به ذهن انسان متخصصان حقوقی بیشتر به هوش مصنوعی تکیه خواهند کرد. متخصصان حقوقی و نهادهای دآوری باید به این سؤال اساسی پاسخ دهند: آیا آن ها به طور کامل به نرم افزاری خودکار که به اندازه کافی پیچیده باشد تا به طور مستقل با روندهای دآوری برخورد کند، اعتماد خواهند کرد؟

۴۹. Maxi Scherer, Artificial Intelligence and Legal Decision-Making: The Wide Open, Journal of International Arbitration, (۲۰۱۹), (Jul ۲۰۲۴, ۱۲), ۵۷۴-۵۳۹: (۵) ۳۶, at ۵۳۹ <https://doi.org/10.5۴۶۴۸/joia۲۰۱۹۰۲۸>

- Alexander Gay, The inevitable collision between AI and law of arbitration, (Feb ۲۰۲۰, ۱۲), (Jul ۲۰۲۴, ۱۲), <https://www.law۳۶۰.ca/ca/articles/۱۷۵-۴۶۲/the-inevitable-collision-between-ai-and-law-of-arbitration>
- Armağan Ebru Bozkurt Yüksel, Online International Arbitration. Ankara Law Review, (Summer ۲۰۰۷) [Arp ۲۰۲۳, ۰۴], [https://doi.org/۱۰.۱۵۰۱/lawrev\\_.....۴۱](https://doi.org/۱۰.۱۵۰۱/lawrev_.....۴۱).
- Business e-commerce sales and the role of online platforms, (July ۲۰۲۴, ۱۰), <https://unctad.org/publication/business-e-commerce-sales-and-role-online-platforms>
- David McLean, US arbitral institutions and their rules, (April ۲۰۲۲), (May ۲۰۲۴, ۱۸), <https://www.lw.com/thoughtLeadership/us-arbitral-institutions-and-their-rules>
- Francisco Uribarri Soares, New Technologies and Arbitration, Indian Journal of Arbitration Law, (۲۰۱۸), (Jul ۲۰۲۴, ۱۲), [http://ijal.in/sites/default/files/IJAL\\_Volume\\_۷\\_Issue\\_۱\\_Francisco\\_Uribarri\\_Soares.pdf](http://ijal.in/sites/default/files/IJAL_Volume_۷_Issue_۱_Francisco_Uribarri_Soares.pdf).
- Ha-Sung Chung, Online ADR for the E-Commerce: European Union's ADR Legislation for Cross-Border Online Trade. Journal of Arbitration Studies, (Sep ۲۰۱۵, ۰۱), [cited ۲۰۲۴ May ۱۷] ۵۴۱-۱۳۵:(۳)۲۵, at ۱۳۸. <http://dx.doi.org/۱۰.۱۶۹۹۸/jas.۲۰۱۵,۲۵,۳,۱۳۵>.
- Faye Fangfei Wang, Online Arbitration. (۲۰۱۹), ۲۴, ۱.
- Karolina Mani, Online dispute resolution: The future of justice. International Comparative Jurisprudence, (October ۲۰۱۵, ۱۵) [cited ۲۰۲۴ Arp ۰۲] ۸۶-۷۶:(۱)۱, at ۷۹, <https://doi.org/۱۰.۱۰۱۶/j.icj.۲۰۱۵,۱۰,۰۰۶>.
- Martin Barthel et al, Winning Formulas for E-Commerce Growth, (October ۲۰۲۳, ۳۱), (Jul ۱۰, ۲۰۲۴), <https://www.bcg.com/publications/۲۰۲۳/winning-formulas-for-e-commerce-growth>.
- Maxi Scherer, Artificial Intelligence and Legal Decision-Making: The Wide Open, Journal of International Arbitration, (۲۰۱۹), (Jul ۲۰۲۴, ۱۲), ۵۷۴-۵۳۹:(۵)۳۶, at ۵۳۹ <https://doi.org/۱۰,۵۴۶۴۸/joia۲۰۱۹,۲۸>
- Mohamed S. Abdel Wahab and Ethan Katsh, Revolutionizing Technologies and the Use of Technology in International Arbitration: Innovation, Legitimacy, Prospects and Challenges, ۴۴.
- Paul Cohen and Sophie Nappert, Arbitration in the Digital Age: The Brave New World of Arbitration. (۲۰۱۸), ۱۴۸-۱۲۶, ۱.
- Paul De Her, European Data Protection and E-Commerce: Trust Enhancing. In Prins J.E.J. et al., eds., Trust in Electronic Commerce: The Role of Trust from a Legal, an Organizational, and a Technical Point of View. The Hague: Kluwer Law International; ,۲۷۷ (۲۰۰۲).
- Thomas R. Snider and Sergejs Dilevka, Artificial Intelligence and International Arbitration: Going Beyond E-mail, Al Tamimi, (April ۲۰۱۸, ۳), (Jun ۲۰۲۴, ۲۷), <https://www.tamimi.com/law-update/articles/artificial-intelligence-and-international-arbitration-going-beyond-e-mail>.
- Tom Dent-Spargo, Lawyer Versus Robot, (March ۲۰۱۸, ۰۵), (Jun ۲۰۲۴, ۲۷), <https://roboticslawjournal.com/analysis/lawyer-versus-robot-۱۲۵۹۰۰۲۶>.
- UNCTAD, Dispute settlement: international commercial arbitration, ۵/۹: Electronic arbitration. New York: United Nations, (۲۰۰۳), (Jul ۲۰۲۴, ۱۰), [https://unctad.org/en/Docs/edmmisc۲۳۲add۲۰\\_en.pdf](https://unctad.org/en/Docs/edmmisc۲۳۲add۲۰_en.pdf).



و شاید می‌بایست در قواعد به ظاهر خدشه‌ناپذیر نظام حقوقی تردید کرد.<sup>۱</sup>

# تابعیت مضاعف؛ یک فرصت یا تهدید؟

بررسی اجمالی طرح‌ها، لوایح و قوانین اخیر

امیرمحمد صدیقی

■ دانشجوی کارشناسی حقوق  
دانشگاه شهید بهشتی



۱. تقدیم به شایم پرلمن (Chaïm Perelman) حقوق‌دان و فیلسوف سوئیسی و نویسنده کتاب‌های متعددی، از جمله رساله‌ای در استدلال (Traité de l'argumentation) که در زندگی شخصی و تحصیلی همواره از آن بهره‌جستم. به این مناسبت، شایسته است این جمله از وی مبنی بر خدشه‌پذیری فروض و انگاره‌های قوام‌یافته نظام حقوقی نسبت به مسائل به ظاهر ساده را ذکر نمایم:

Quand doit-on recourir à la fiction en droit ? Quand {...} les catégories et les techniques juridiques reconnues, celles qui font partie de la réalité juridique admise, ne fournissent pas de solution acceptable au problème de {۱۹۷۴, C. Perelman}. droit que l'on doit résoudre

این نوشته بخشی از مقاله ارسالی این جانب برای نشریه سه‌ماهه سوربون می‌باشد و لذا لازم می‌دانم پیشاپیش در صورت وجود هر گونه اشکال نظیر ابهام، اجمال و ایرادات ترجمه، از خوانندگان گرامی طلب بخشش کنم.

وضعیت‌های استثنایی تابعیت در معنای عام<sup>۲</sup>، چالش‌های متعددی را در طول تاریخ تطور نظام حقوق تابعیت پشت سر گذاشت. به بیان دیگر، موضوع بحث ما یک امر صرفاً داخلی و معیارهای ما معیاری دوگانه<sup>۳</sup> نیست، بلکه تأکید ما بر غفلت مقنن ایرانی-یا امنیتی‌سازی موضوع با توجه به شرایط استراتژیک ایران در منطقه- بوده است. با توجه به اینکه قرن گذشته شاهد افزایش تعداد پرونده‌های تابعیت مضاعف<sup>۴</sup> بوده است، امروزه اصل امکان تحقق آن مورد بحث نیست.<sup>۵</sup> با وجود تغییر پارادایم دولت‌ها، اتفاق نظری در مورد مسئله تابعیت دوگانه وجود ندارد و همچنان محل بحث است. دولت ایران به دلیل نگرانی‌های سیاسی-اجتماعی، اقدامات محافظه‌کارانه‌ای را در قبال این وضعیت انجام داده است. آیا چیزی برای نگرانی وجود دارد و اگر چنین است، آن چیست؟

۲. les cas exceptionnelles در فرانسه و Exceptional cases در انگلستان معنایی غیر از این دارد و اساساً به منزله شرایطی خارج از چارچوب عادی و جاری سیستم‌های اعطای تابعیت کشورها می‌باشد که ذیل آن دو بحث فرزند طبیعی (les enfants naturels) و تابعیت جنین اهدایی به زوجین نابارور (la nationalité de la embryon) مطرح می‌شود. لذا این واژه، آگاهانه و نه در معنای شناخته‌شده و خاص آن در حقوق بین‌الملل خصوصی، بلکه به منظور بیان و نقد رویکردی که مقنن ایرانی به طور استثنایی و برخلاف رویه غالب جهانی، نسبت به موضوع دوتابعیتی اتخاذ نموده، استعمال شده است.

۳. Deux poids, deux mesures

۴. Ger : doppelte Staatsangehörigkeit / Fr : double nationalité

۵. Théodore Baty, La double nationalité est-elle possible?, vol. ۷, Revue de droit international et de législation comparée, pp. (۱۹۲۶), ۶۳۲-۶۲۲.

## ■ گفتار اول) رویکردهای نوین در خصوص تابعیت

گفتمان رقابتی بین نظم عمومی و آزادی اراده تابعیت مضاعف را در مراحل اولیه در یک بن‌بست ظاهری قرار داد. ماهیت این کشمکش با تحول مفهومی که ریشه در دوران پیشاوستفالیایی دارد هماهنگ بود. در ابتدا، حکام تابعیت را تحت عنوان وفاداری پذیرفته بودند. به عبارت دیگر، افراد به پیوندهایی که از آنجا سرچشمه گرفته بودند وابسته بودند. در دوران پساوستفالیایی، حقوق‌دانان ارتباط بین افراد و دولت‌ها را به مثابه تابعیت انگاشته و با استناد به مبانی نظری متنوع، این موضوع را تبیین نمودند. لذا از همان دوران وفاداری تا دوران شکل‌گیری تابعیت در مفهوم امروزی، وضعیت دوتابعیتی بدعت تلقی می‌شد، زیرا هیچ‌کس نمی‌توانست در روابط موازی با دو یا چند حاکم/دولت باشد و خائن تلقی می‌شد. با این حال، امروزه دولت‌ها نرمش‌هایی را از مجرای بازنگری مفهوم تابعیت نشان داده‌اند.

۶. La liberté de la volonté

۷. L'impasse apparente

۸. Fidélité

شایان ذکر است در اینجا تفاوت بین «ملیت» (Nationality) و «شهروندی» (Citizenship) که در متون حقوقی به جای یکدیگر استفاده می‌شوند، روشن شود. اولی در حوزه حقوق بین‌الملل قرار می‌گیرد و بر روابط بین دولتی دلالت می‌کند، در حالی که دومی بر روابط درون دولتی، به ویژه در حقوق عمومی، مانند حق رأی تأکید می‌کند؛ یعنی ممکن است فردی شهروند کشور A باشد در حالی که تابعیت کشور B را دارد. برای مطالعه بیشتر، نک:

Ayelet Shachar, [edited by Gerard-René de Groot, [edited by Smith, Jan. M], The Elgar Encyclopedia of Comparative Law, p. ۷۷۷, (۲۰۰۶); by Rosenfeld, Michel and Sajó, András], The Oxford Handbook of Comparative Constitutional Law, pp. ۱۷۰-۱۷۱, (۲۰۱۲); Alfred M. Bold, Multiple Nationality and International Law, p. ۶۰, (۲۰۰۷).

و همچنین رأی FT-A18-۳۲ DEC که در پرونده الف ۱۸، تصمیم نهایی دادگاه بر اساس استدلال ایالات متحده علیه دولت جمهوری اسلامی ایران صادر شده است: بند ۱ (الف) ماده VII با شرایط خاص خود، صلاحیت قضایی را در مورد ادعاهای شهروندان ایالات متحده اعطا می‌کند.... معنای عادی «شهروند ایالات متحده» شامل شهروندی می‌شود که تابعیت دوگانه دارد.... طبق قوانین ایالات متحده، شهروند ایالات متحده ممکن است تبعه کشور دیگر باشد.... ببینید FT-A18-۳۲-decision-no-https://iusct.com/cases/a18-april-۶-۱۹۸۴ ص ۱۰، بند ۳ (آخرین بازدید ۱۴۰۴/۲/۲۱).

۹. بهشید ارفع‌نیا، حقوق بین‌الملل خصوصی، چاپ اول، ص ۳۹، (۱۳۸۲). مصطفی دانش‌پژوه، اسلام و حقوق بین‌الملل خصوصی، چاپ دوم، ص ۳۰، (۱۳۸۱)، محمود سلجوقی، حقوق بین‌الملل خصوصی، چاپ اول، ص ۱۴۸، (۱۳۸۷).

۱۰. Les relations parallèles

## الف) کالانگاری تابعیت<sup>۱۱</sup> - رویکرد فرصت طلبانه

برخی حقوق دانان در پرتو روح زمانه،<sup>۱۲</sup> با تضعیف - یا طرد - نقش پیوندهای سیاسی-اجتماعی در اعطای تابعیت، با ارائه اصطلاح جدید «سرمایه گذاری شهروندی»، مسیری دور از رویکرد مرسوم را در پیش گرفته اند.<sup>۱۳</sup> این دسته معتقدند که جریان عمده مهاجران، چه فقیر و چه مرفه، از کشورهای در حال توسعه به کشورهای توسعه یافته به امید یافتن زندگی بهتر مهاجرت می کنند. در عین حال، تعداد کمی از متقاضیان (عمدتاً افراد ثروتمند) وجود دارند که فقط به دنبال پاسپورت دوم هستند و نه چیز دیگر.<sup>۱۴</sup> آن ها همچنین مفهوم «شهروندی جبرانی»<sup>۱۵</sup> را در راستای توجیه آنچه مهاجران در پی آن هستند، معرفی می کنند. از سوی دیگر، برخی از کشورها مانند کانادا، مشروط به انتقال و سرمایه گذاری میلیون ها دلار در آن، با رویکردهای اجتماعی-اقتصادی، اعطای تابعیت می کنند.<sup>۱۶</sup> بنابراین، وضعیت دو تابعیتی نه تنها برای دولت ها موهبت است، بلکه داشتن تابعیت دوگانه یا حتی چندگانه، حق مسلم افراد است؛ زیرا برخورداری از حداکثر سطح رفاه اجتماعی، حق ذاتی آن ها است. این رویکرد علی رغم اینکه تضادهای کمتری را ایجاد می کند، کمی افراطی است. مشابه همین رویکرد نسبت به تابعیت را در مسئله لنگرچه های آمریکایی می توان مشاهده نمود.<sup>۱۷</sup>

۱۱. commodification of citizenship

۱۲. Zeitgeist / Esprit de l'époque

۱۳. برای مشاهده این رویکرد، ببینید:

۱۴. به همین ترتیب، آن ها تا حدی فراموش می کنند که تابعیت دوم را هم تراز با کارت بانکی دوم می دانند و بنابراین، چالش و دوگانگی اصلی در مفهوم سنتی تابعیت اینجا

نمایان می شود: با در نظر گرفتن مفهوم سیاسی-اجتماعی تابعیت، رویکرد سنتی چگونه می تواند تابعیت آن دسته را که در وطن خود ساکن هستند و دارای تابعیت خارجی نیز هستند، توجیه نماید؟ این یکی از مهمترین ایراداتی است که به انگاره مرسوم از تابعیت وارد می شود.

۱۵. Compensatory citizenship

۱۶. مشهورترین مورد عملی این مسئله، اختلاس رئیس بانک مرکزی بود که موجب اتخاذ رویکردهای مندرج در گفتار دوم از مجلس دهم تا به امروز شد.

۱۷. لنگرچه ها (anchor babies) اصطلاحی است که به فرزندان والدین غیر آمریکایی که در آمریکا متولد شدند اطلاق شده که به موجب معیار خاک بر مبنای اصلاحیه چهاردهم قانون اساسی آمریکا، شهروند آمریکا تلقی می شوند. با این حال دونالد ترامپ در اولین روز تصدی به منصب در دوره دوم، با صدور دستور اجرایی (U.S. Executive order ۱۴۱۵۶: Protecting the meaning and value of American citizenship)، مانع اجرای این حکم مقرر در قانون اساسی شد که به نظر بسیاری از قضات دادگاه فدرال و حقوق دانان، صراحتاً خلاف قانون اساسی است.



## ب) وضعیت حاکم بر نظام‌های حقوقی مدرن<sup>۱۸</sup>

علی‌رغم رواج خط فکری فرصت-تهدیدانگاری تابعیت مضاعف در میان نظام‌های حقوقی پیشرو، هنوز اجماعی در این باره وجود ندارد. از یک سو، دولت بریتانیا با این موضوع مخالفت نکرده است. بر اساس قانون تابعیت بریتانیا ۱۹۸۱، متقاضیان خارجی ملزم به ترک تابعیت سابق خود به عنوان یک الزام قانونی نیستند، مطابق با آنچه که به طریق اولی<sup>۱۹</sup> در مورد متقاضیان بریتانیایی اعمال می‌شود.<sup>۲۰</sup> در قانون مدنی فرانسه، با ایجاد تغییرات لازم<sup>۲۱</sup> و با اتخاذ رویکردی یکسان، ممنوعیت خاصی برای این موضوع پیش‌بینی نشده است. به علاوه، ماده ۲۲ قانون فوق‌الذکر،<sup>۲۲</sup> هرگونه تبعیض از هر نوع را در بین اتباع آن ممنوع می‌داند که به منزله تأیید ضمنی<sup>۲۳</sup> بهره‌مندی تمامی اتباع خود از حقوق کامل، مانند تصدی پست‌های مهم دولتی است. از سوی دیگر، مسئله تابعیت مضاعف برای برخی از کشورها مانند آلمان قابل تحمل نیست و چشم‌انداز انعطاف‌ناپذیر قانون تابعیت آن را به شدت محکوم می‌کند و لذا در غیر مواردی که قانون تعیین می‌کند، متقاضیان باید تابعیت قبلی را ترک کنند.<sup>۲۴</sup> با این اوصاف، چنین کشوری اتباع خود را در مورد پست‌های حساس متمایز نمی‌کند. شایان ذکر است که در حال حاضر مجلس آلمان<sup>۲۵</sup> تحت فشار مهاجران<sup>۲۶</sup> و پناهندگان<sup>۲۷</sup>، اقداماتی را در رابطه با دوتابعیتی انجام می‌دهد که همراه با پیش‌بینی شرایطی پذیراتر می‌باشد.<sup>۲۸</sup>

۱۸. Status quo

۱۹. A fortiori

۲۰. با این وجود قانون خاص (lex specialis) برخی از موارد را از شمول قاعده عام مستثنی کرده است. ماده ۱۰ فرمان ۱۹۸۲ تحت‌الحمایه‌های بریتانیا (British Protectorates)، کشورها و اشخاص تحت‌الحمایه مقرر می‌دارد: «شخصی که به موجب ارتباط با یک تحت‌الحمایه، یک قلمرو تراسه یا تحت‌الحمایه عربی سابق و یا وفق ماده ۷ یا ۱۰ فرمان «تحت‌الحمایه‌های بریتانیا، دولت‌های حمایت‌شده افراد تحت حمایت ۱۹۷۸»، تحت‌الحمایه بریتانیا است یا شخصی که به موجب ماده ۷ این فرمان به تحت‌الحمایگی بریتانیا درآمده، در هر زمانی که شهروند بریتانیا، شهروند سرزمین‌های وابسته بریتانیا یا شهروند سرزمین‌های فرادریایی بریتانیا شود یا تابعیت دیگری را به دست آورد، باید تابعیت قبلی خود را ترک کند.» (ترجمه نویسنده)

۲۱. Mutatis mutandis

۲۲. La personne qui a acquis la nationalité française jouit de tous les droits et est tenue à toutes les obligations attachées à la qualité de Français, à dater du jour de cette acquisition.

از تاریخی که فرد تابعیت فرانسوی را به دست می‌آورد، از تمامی حقوق بهره‌مند و در معرض تمامی تکالیفی که به موجب فرانسوی بودن به آن وابسته است، قرار می‌گیرد (ترجمه نویسنده). به بیان دیگر، تفاوت ماهوی‌ای میان تابعیت اصلی (la nationalité d'origine) و تابعیت اکتسابی (la nationalité acquise)، غیر از اینکه اولی از روز تولد و دومی از تاریخ اکتساب تابعیت واجد اثر می‌شود، وجود ندارد.

۲۳. Tacit approval

۲۴. بند ۱ ماده ۱۲ قانون تابعیت آلمان مصوب ۱۹۱۳ {Staatsangehörigkeitsgesetz} (StAG). این قاعده کلی نسبت به تابعیت مضاعف برای اعضای اتحادیه اروپا و اتباع سوئیسی استثنایافته است:

Von der Voraussetzung des § ۱۰ Abs. ۱ Satz ۱ Nr. ۴ wird ferner abgesehen, wenn der Ausländer die Staatsangehörigkeit eines anderen Mitgliedstaates der Europäischen Union oder der Schweiz besitzt

۲۵. Bundestag

۲۶. Expats

۲۷. Flüchtlingen

۲۸. در آلمان نیز همانند ایران، مصوبات مجلس بایستی برای اجرا از جانب رئیس‌جمهور امضا و ابلاغ شود. لذا اصلاحات قانونی در دست آماده‌سازی به تصویب رسیده و قرار است توسط رئیس‌جمهور امضا شود. برای جزئیات بیشتر، نگاه کنید:

(آخرین بازدید ۱۴۰۳/۱۰/۵) [https://www.bmi.bund.de/SharedDocs/kurzmeldungen/DE/۰۱/۲۰۲۴/bt\\_staatsangehoerigkeit.html](https://www.bmi.bund.de/SharedDocs/kurzmeldungen/DE/۰۱/۲۰۲۴/bt_staatsangehoerigkeit.html)



## ج) تعدیل صلاحیت دولت‌ها در اعطای تابعیت<sup>۲۹</sup> - پروندهٔ مالت ۲۰۲۵

بر اساس مادهٔ ۱ کنوانسیون برخی مسائل مربوط به تعارض قوانین تابعیت در سال ۱۹۳۰، دولت‌ها حق دارند تابعیت خود را به هرکس و از هر نوع که باشد اعطا کنند.<sup>۳۰</sup> به عنوان مرجع انحصاری صلاحیت‌دار در مورد اجرای سیستم‌های تابعیت، دولت‌ها در عمل مقرراتی را بدون توجه به قوانین کشورهای دیگر وضع می‌کنند و این امر منجر به دوتابعیتی و گاه چندتابعیتی می‌شود. با این حال، مکانیزم‌های بین‌المللی به تعدیل صلاحیت دولت‌ها (دست کم در محکمهٔ بین‌المللی) تمایل دارند. برخی نهادها نیز (مانند اتحادیهٔ اروپا) با توجه به اسناد مؤسس از حق نظارت پسینی نسبت به قوانین اعضا برخوردارند و در مواردی که مقررات داخلی کشورها با اصول و اسناد بالادستی اتحادیه در تعارض باشند، اقدام به ابطال آن می‌کند. یکی از بحث‌برانگیزترین مواردی که مستقیماً با این مسئله در ارتباط است، مسئلهٔ اعطای تابعیت اروپایی است؛ چرا که داشتن تابعیت یکی از اعضای اتحادیهٔ اروپا، نه فقط در همان کشور، بلکه در سایر کشورها نیز حقوقی برای اتباع نظیر آزادی حمل‌ونقل ایجاد می‌کند. در همین راستا، دیوان دادگستری اتحادیهٔ اروپا در ۲۹ آوریل ۲۰۲۵ صراحتاً اعلام نمود که شهروندی اروپایی که دولت مالت از طریق سرمایه‌گذاری خارجی اعطا می‌کند، خلاف مقررات اتحادیه است.<sup>۳۱</sup> لذا در تناقض با آنچه که در کشورهای نظیر کانادا رایج است، تابعیت اروپایی به لحاظ مبانی تاریخی نمی‌تواند با سرمایه‌گذاری اعطا شود.

۲۹. La modification de compétence des états en matière de la nationalité

در خصوص معیارهایی که حقوق‌دانان در این باره ارائه داده‌اند، نک:

Henri Batiffol, Paul Lagarde, Traité de droit International privé, ۸th édition, pp. (۱۹۹۳) ۱۰۸-۱۰۴; Pierre Mayer, Droit international privé, Second édition, p. (۱۹۸۳) ۲۲.

۳۰. در این خصوص، ببینید:

Dominique Bureau, Horatia Muir watt; Que Sais – je ? Le droit international privé, pp. (۲۰۰۹) ۶-۴.

۳۱. متن الکترونیکی رأی در لینک CURIA - List of results قابل مشاهده است (آخرین بازدید ۱۴۰۴/۲/۲۱)

## ■ گفتار دوم) رویکردهای مبهم مجلس شورای اسلامی

تلاش برای سرکوب دوتابعیتی در چندین لایحه و طرح، از مجلس دهم به بعد منعکس شده است.<sup>۳۲</sup> برخی از این اقدامات قانون‌گذاری به شرح زیر است:

### الف) قانون نحوهٔ انتصاب اشخاص در مشاغل حساس

تلاش‌های مجلس دوازدهم در راستای تصویب طرح ممنوعیت انتخاب یا انتصاب مقامات و مدیران دولتی دارای تابعیت مضاعف و مرتبط با کشورهای خارجی، نهایتاً منجر به تصویب این قانون در سال ۱۴۰۱ شد که با فوت رئیس‌جمهور سابق و روی کار آمدن دولت جدید، کاربست آن حتی پیش از موعد مقرر برای انتخابات ریاست جمهوری در خصوص اعضای هیئت دولت چهاردهم مطرح شد. بند الف مادهٔ ۲ این قانون کسانی را که خود، فرزندان یا همسر ایشان تابعیت مضاعف دارند، از تصدی به مشاغل حساس محروم می‌کند و در عین حال بر بقای مادهٔ ۹۸۹ قانون مدنی و مادهٔ ۹۸ قانون مدیریت خدمات کشوری تأکید ورزیده است. هوشمندی نویسندگان این طرح بر تغییر ظاهری الفاظ و ملاک‌های انتخاب مشاغل حساس در مادهٔ ۳ برخلاف لحن تند طرح ممنوعیت مدیران سابق، کاملاً مشهود است. به بیان دیگر، به جای نام بردن از مشاغل حساس و روابطی که مانع تصدی به مناصب دولتی بود، تأکید اصلی را بر شش مؤلفه که احراز آن‌ها با اعطای اختیار به وزارت اطلاعات همراه است قرار داده است. تردیدی نیست

که شرایط خاص ایران نظارت بیشتری را بر وضعیت مسئولان می‌طلبد، اما این بی‌اعتمادی حتی در خصوص دارندگان تابعیت مضاعف قهری، موجب انزوای بیش از پیش ما خواهد شد.<sup>۳۳</sup>

## ب) لایحه اصلاح برخی از احکام قانونی مربوط به تابعیت<sup>۳۴</sup>

در دوره گذار از دولت سیزدهم به چهاردهم، لایحه‌ای از سوی سرپرست دولت به پیشنهاد معاونت حقوقی به مجلس تقدیم و بسیاری از مواد کتاب دوم جلد دوم قانون مدنی را اصلاح نمود. ماده ۱۱ این طرح در مقام اصلاح جزئی ماده ۹۸۹ قانون مدنی این گونه مقرر می‌نماید:

«هر تبعه ایران که بدون رعایت ماده ۹۸۸ این قانون، تابعیت دولت دیگری را تحصیل نموده یا به هر دلیل، دولت دیگری او را تبعه خود بداند و یا هرکس که بدون ترک تابعیت قبلی خود، تابعیت ایران را تحصیل نموده باشد، تابعیت خارجی او کان‌لم‌یکن بوده و تبعه ایران شناخته می‌شود و از حیث قوانین و مقررات، صلاحیت محاکم و کلیه آثار و احکام مربوط، تابع قوانین جمهوری اسلامی ایران است و مشمول محدودیت مندرج در ماده ۹۸۲ می‌باشد.» لکن ایراداتی به این ماده وارد است:

۳۳. تلاش‌های دولت برای اصلاح قانون اخیر که در دولت سیزدهم به تصویب رسید، شاید برای حل ممنوعیت قانونی دکتر ظریف بوده باشد، اما در هر حال تلاشی شایسته توجه است. همچنین معاون حقوقی رئیس‌جمهور نیز از موافقت رهبری برای اصلاح این قانون خبر دادند. با این حال مجلس با بررسی آن در چهارچوب سه فوریتی و حتی یک‌فوریتی نیز مخالفت نمود و به کمیسیون عادی ارسال شد و در نهایت به علت فشارهای مجلس، محمدجواد ظریف نیز از سمت معاونت راهبردی کناره‌گیری نمود.

۳۴. در بخشی از مقدمه توجیهی آمده: «یکی از اصلی‌ترین زمینه‌های بروز اشکال در نظام حقوقی ایران، استفاده هم‌زمان از نظام اعطای تابعیت مبتنی بر خاک و نظام مبتنی بر خون است. بر این اساس در ماده ۹۷۶ قانون مدنی که اقسام اشخاص تابع دولت جمهوری اسلامی ایران را تعیین می‌کند، اصل وحدت تابعیت مخدوش شده است.» در این خصوص نکاتی چند به ذهن نویسنده می‌رسد:

ایراد اول: این استدلال که استفاده هم‌زمان از دو نظام خاک و خون موجب دوتابعیتی است و نتیجه‌ای که به نفع سیستم خون حاصل می‌شود، مخدوش است. این ادعا شبیه رویکرد Code Civil فرانسه در قرن نوزدهم و قانون ۱۸۹۹ است که یکی را بر دیگری ترجیح می‌داد و نویسندگان فرانسوی به نادرست بودن این رویکرد پی برده و ترکیب این دو نظام رقیب را برای رسیدن به بیشترین میزان اتباع ممکن ضروری می‌دانند و حتی از استفاده از یکی از این دو سیستم به عنوان جای‌گزین دیگری حمایت کرده‌اند، همان‌طور که ظاهراً عملکرد مقنن از سال ۱۹۲۷ در تطابق با این سیاست بوده است. لذا امروزه کشورها همواره به دنبال ایجاد توازن بین دو نظام خاک و خون بوده و این هماهنگی بیشتر شده است. در این خصوص ببینید:

Yvon Loussouran, Pierre Bourel, Pascal de Vareilles Sommières, Droit international privé, ۹th édition, p.p. ۲۰۰۷, ۸۵۸-۸۵۷.

ایراد دوم: پیشنهاد حذف بند چهار ماده ۹۷۶ در راستای جلوگیری از بروز دوتابعیتی با دو چالش جدی مواجه است: ۱. این بند از قانون هفتم فوریه ۱۸۵۱ به دنبال کاهش بی‌تابعیتی (apatridité) وضع شد و حق رد یا ترک تابعیت را بعد از بلوغ به آن‌ها اعطا نمود. اهمیت حفظ و بسط این قاعده به قدری بود که حتی در فضای رویکرد پدرسالارانه (l'approche patriarcal) و تبعیض جنسیتی، دیوان عالی کشور فرانسه در سال ۱۸۹۱ حق بهره‌مندی از این قسم از تابعیت اصلی را حتی برای کودکانی که تنها مادر آن‌ها در فرانسه متولد شده بود، به رسمیت شناخت و بعد از سپری کردن سیر اصلاحات به علت فشارهای دیپلماتیک مبنی بر اعمال تسلط بر اتباع کشورهای دیگر (la mainmise sur les enfants ۲۲ ژوئیه ۱۸۹۳ و اصلاحات ۱۰ اوت ۱۹۲۷، نهایتاً در آخرین اصلاحات سال ۱۹۷۳، نه تنها این راه حل حذف نشد، بلکه مقرر شد که همه کودکان، اعم از مشروع و طبیعی، اعم از متولد شده از پدر و مادری که هر دو در فرانسه متولد شده‌اند یا تنها یکی از آن‌ها، بهره‌مند از تابعیت اصلی فرانسه بوده و تنها تا شش ماه پس از رسیدن به بلوغ حق ترک تابعیت فرانسوی (la faculté de répudiation) را دارند و امروزه این قاعده را حتی به فرزند خواندگی (l'adoption plénière) نیز تسری داده‌اند. لذا به نظر می‌رسد دغدغه اصلی تقدیم‌کنندگان این لایحه، تنها کاهش دامنه -یا حذف- تابعیت مبتنی بر خاک است و توجیه حقوقی ندارد. اشاره به این نکته ضروری است که این بند یکی از مجاری افزایش کنترل بر افراد ساکن کشور است. منطق حقوق تابعیت همواره بر افزایش حداکثری اتباع به عنوان یک موهبت بوده است و کسی که خود و پدر یا مادری در یک سرزمین متولد شده‌اند، احتمالاً به عنوان یک خانواده در آنجا سکنی گزیده و تحت تأثیر مناسبات اجتماعی آن سرزمین‌اند و اعطای تابعیت به چنین افرادی که علقه کافی به سرزمین دارند، توافقی مکانیزمی کنترلی و نظارتی بر فرزندان کسانی است که از اتباع بیگانه در ایران متولد شده‌اند. در این خصوص، نک:

Jean Derruppé, Jean-Pierre Laborde, Droit international privé, P.۱۶, ۲۳th édition, (۲۰۰۸).

۲. ایراد مهم‌تر آنکه اساساً یک کشور به تنهایی توان ایجاد وضعیت دوتابعیتی را ندارد. به عقیده برخی نظیر مایر، تداخل صلاحیت دولت‌ها موجب بروز تابعیت مضاعف بوده و نمی‌توان یک‌طرفه این موضوع را برطرف نمود. راست است که دولت‌ها می‌توانند، عاقدانه با وضع قواعد مشابه این وضعیت را ایجاد کنند، اما این تنها وجه ایجابی مسئله بوده است. به بیان دیگر، می‌توان دوتابعیتی ایجاد کرد، اما نمی‌توان دوتابعیتی را از بین برد. گویا منطق تدوین‌کنندگان این لایحه این بوده که شخصی بدون هیچ‌گونه بستگان و علقه‌ای را فرض کنیم که هم‌زمان نیز تنها پدر ایرانی -و نه مادر- داشته باشد! به نظر می‌رسد که این لایحه پیشرفت خاصی در جهت حل مسائل موجود در نظام حقوق تابعیت ایران و رفع خلأها و کاستی‌های آن ایجاد نخواهد کرد و شاید تنها چالش امنیتی را حل کند.

Immigration Law



**ایراد اول:** به موجب ماده ۹۸۲ قانون مدنی، هرکس -چه بی تابعیت، چه با ترک تابعیت قبلی و چه با حفظ آن- اقدام به کسب تابعیت ایران نماید، نمی‌تواند به برخی مشاغل منصوب شود، در حالی که در ماده ۱۱ پیشنهادی قیدی تحت عنوان «در صورتی که تابعیت قبلی را ترک نکرده باشد» ذکر شده است. مشخص نیست که چرا با وجود حکم عام مندرج در ماده ۹۸۲، ذکر خاص نموده و مجدداً به همان ماده اخیر ارجاع داده است.

**ایراد دوم:** در قوانین قبلی، از جمله این لایحه، ترک تابعیت قبلی جزء شرایط لازم برای کسب تابعیت ایرانی نبوده است. بنابراین، ایجاد این شرط جدید مبنای قانونی ندارد. اگر قرار بر وضع شرط ترک تابعیت قبلی بود، باید همزمان پیشنهاد حذف ماده ۹۸۲ نیز ارائه می‌شد تا تعارضی ایجاد نشود.

**ایراد سوم:** با وجود قانون مشاغل حساس مصوب ۱۴۰۱ که محدودیت‌های گسترده‌تری برای دوتابعیتی‌ها - حتی برای دارندگان تابعیت مضاعف قهری - وضع کرده، ذکر مجدد ممنوعیت‌های ماده ۹۸۲ حشو است.

**ایراد چهارم:** رویکرد متناقض مقنن در خصوص حذف ممنوعیت تصدی به مشاغل دولتی برای دسته اول (برخلاف ماده ۹۸۹ فعلی) کاملاً مشهود است. از طرفی به دنبال وضع محدودیت‌های بیشتر بر دوتابعیتی‌ها بوده و از طرف دیگر امکان اشتغال به مشاغل دولتی را به همه دوتابعیتی‌ها اعطا نموده است.

**ایراد پنجم:** با حذف ضمانت اجرای مدنی ماده ۹۸۹، مشخص نیست که با توجه به ممنوعیت تملک اموال غیرمنقول توسط خارجی‌ها در ایران، اگر طبق اصل ۴۲ قانون اساسی اقدام به سلب تابعیت ایرانی از دسته اول شود تکلیف این اموال چه خواهد بود. به نظر می‌رسد با حذف این مجازات تنبیهی، به طور نامحسوس در پی منتفی کردن حکم سلب تابعیت مندرج در اصل ۴۲ نیز بوده‌اند.

**ایراد ششم:** تبصره ششم این ماده ضربه بزرگی به نظام دانشگاهی ایران وارد خواهد کرد. به همین بسنده کنیم که بیش از نیم قرن گذشته، اتحادیه اروپا مقرر نمود که اساتید دانشگاه‌های کشورهای اتحادیه به منظور تدریس حقوق کشورهای عضو سفر کرده و برای درس‌های ماهیتاً خارجی، اساتید متخصص خارجی به صورت Fellow تدریس کنند. مع‌الاسف مقنن ایرانی به نخبگانی که دست کم یک تابعیت ایرانی دارند، با دیده تردید می‌نگرد.

## نتیجہ گیری

شواهد نشان می‌دهد که جامعه بین‌المللی در طول زمان، در خصوص سیاست‌های ناظر بر تابعیت دوگانه تجدید نظر نموده است. با عبور از کنوانسیون‌های استراسبورگ و پاریس، نظام‌های حقوقی نیاز به اصلاح را درک کردند. با این وجود، اگرچه قانون‌گذار وقت ایران دیدگاه غالب در تصویب مواد ۹۸۲ و ۹۸۹ قانون مدنی را اتخاذ کرده بود، اما از این جریان نوپروی نکرد و تمایل وی در راستای محدودیت‌های روزافزون، با لوایح و قوانین متعدد و چالش‌های آن به شرح پیش‌گفته به اوج خود رسید. پیش‌بینی سرانجام این اقدامات چندان دشوار نیست. نویسنده مایل است آن را با یک قیاس وضع مقدم<sup>۳۵</sup> و نتیجه‌گیری ساده از آن به خواننده بسپارد. با این حال متذکر می‌شود که شایسته است قانون‌گذار ایرانی همانند آنچه رویه قضایی در برخی نظرات مشورتی خود دریافته، برای بازنگری کامل در مورد نحوه برخورد با این موضوع، به بررسی بپردازد.<sup>۳۶</sup> به نظر می‌رسد ما قوانین بازی را از دست داده‌ایم.<sup>۳۷</sup>

### ३०. Modus ponens

آخرين بازديد: ۱۴۰۴/۱/۲۲ - ۲۸۴۰۱  
 ۲۸۴۰۱: ۱۴۰۴/۱/۲۲ - ۲۸۴۰۱

۳۷. بدین منظور، شایسته است نقل قول از Georg Henrik von Wright فیلسوف سوئدی را ذکر کنیم: «بازی کردن یک فعالیت انسانی است. براساس الگوهای استانداردشده [رفتار] انجام می شود که می توان آن را حرکات بازی نامید. قوانین بازی [...] این حرکات یا الگوها و در نتیجه «خود» بازی و فعالیت انجام آن را نیز تعیین می کند.» به نقل از: Pierluigi Chiassoni, Interpretation without Truth, A Realistic Enquiry, 1st ed. p. ۴۹. (۲۰۱۹).

### منابع فارسی:

بهشید ارفع نیا، حقوق بین الملل خصوصی، چاپ اول، (۱۳۸۲)  
مصطفی دانش پزوه، اسلام و حقوق بین الملل خصوصی، چاپ دوم، (۱۳۸۱)  
محمود سلجوقی، حقوق بین الملل خصوصی، چاپ اول، (۱۳۸۷)

### منابع انگلیسی:

- Alfred M. Bold, Multiple Nationality and International Law; 1st ed, (۲۰۰۷).
- Ayelet Shachar, [edited by Rosenfeld, Michel and Sajó, András], The Oxford Handbook of Comparative Constitutional Law, 1st ed, (۲۰۱۲).
- Bureau, Horatia Muir watt; Que Sais – je ? Le droit international privé, (۲۰۰۹).
- Gerard-René de Groot, [edited by Smith, Jan. M], The Elgar Encyclopedia of Comparative Law, 1st ed, (۲۰۰۶).
- Henri Batiffol, Paul Lagarde, Traité de droit International privé, 8th édition, (۱۹۹۳).
- Jean Derruppé, Jean-Pierre Laborde, Droit international privé, 16th édition, (۲۰۰۸).
- Pierluigi Chiassoni, Interpretation without Truth, A Realistic Enquiry, 1st ed, (۲۰۱۹).
- Pierre Mayer, Droit international privé, Second édition, (۱۹۸۳).
- Théodore Baty, La double nationalité est-elle possible ? vol. ۷, Revue de droit international et de législation comparée, (۱۹۲۶).
- Yossi Harpaz, Citizenship ۲۰۰۷: Dual Nationality as a Global Asset, pp. (۲۰۱۹) , ۱۱۹-۱۰۷.
- Yvon Loussouran, Pierre Bourel, Pascal de Vareilles Sommières, Droit international privé, 9th édition, (۲۰۰۷).



# معرفی کتاب عجیب‌ترین پرونده‌های قضایی

نگین حقیقت

■ دانش‌آموخته رشته حقوق  
دانشگاه تهران و نویسنده کتاب



# عجیب‌ترین پرونده‌های قضایی

کتاب «عجیب‌ترین پرونده‌های قضایی» اثر پیتر سدون با ترجمهٔ استاد دکتر حسین میرمحمدصادقی و خانم نگین حقیقت است که برای نخستین بار در زمستان ۱۴۰۳ توسط نشر میزان منتشر شده است و چاپ دوم آن در بهار ۱۴۰۴ ارائه شده است.

کتاب عجیب‌ترین پرونده‌های قضایی سفری جذاب به عمق تاریخ حقوقی و قضایی است. همان‌گونه که عنوان کتاب بیانگر آن است، این کتاب به شرح و بازخوانی ۷۸ پروندهٔ قضایی عجیب می‌پردازد که عمدتاً از بریتانیا است، اما پرونده‌هایی از آمریکا، آرژانتین، استرالیا، ایتالیا و سایر کشورها را نیز روایت می‌کند.

بازخوانی پرونده‌هایی عجیب که در کنار نگاهی متفاوت به دعاوی حقوقی و جزئیات نهفته در آن‌ها، از زوایای گوناگون حقوقی، کیفری، جرم‌شناختی، پزشکی قانونی، پلیس علمی و حتی روان‌شناسی کیفری قابل تأمل است.

مانند پروندهٔ «انسان علیه خداوند»، راجع به اقامهٔ دعوی در محاکم رومانی علیه خداوند به اتهاماتی مانند کلاهبرداری، خیانت در امانت و سوءاستفاده از قدرت، و نهایتاً رد دعوی از سوی دادگاه به استناد اینکه خداوند آدرس مشخصی برای ابلاغ اوراق قضایی ندارد! از آن مهم‌تر، در لابه‌لای هریک از این پرونده‌ها یک موضوع مهم حقوقی، نهفته که برای خواننده آموزنده است.

پرونده‌های قضایی مطرح شده در کتاب را می‌توان به **هفت دستهٔ اصلی** تقسیم نمود. **دستهٔ نخست، پرونده‌های تاریخی است که ناظر به گذشته است**، نظیر سابقهٔ محاکمه کردن حیوانات در محاکم کیفری. پنج قرن پیش، زندگی به عنوان بخشی از قلمرو حیوانات، نسبت به امروز برای آن‌ها امنیت بسیار کمتری داشت. جامعه‌ای وجود داشت که حیوانات را به همان اندازهٔ انسان‌ها در ارتکاب جرم مسئول می‌دانست و یک نظام قانونی کاملاً مجهز برای محاکمه و -در صورت نیاز- به دار آویختن آن‌ها وجود داشت. برای مثال، در سال ۱۵۱۹، مقامات شهر استلویو در شمال ایتالیا، حیواناتی را که محصولات کشاورزی را تخریب کرده بودند مجرم دانستند. هویت مجرمان آشکار بود و بی‌درنگ حکم احضار تعدادی موش کور صادر شد و دادگاه خواستار آن بود که موش کورها دلیل رفتار ناپسندشان را شرح دهند. به نظر می‌رسد خوک‌ها بزه‌کاران واقعی دنیای حیوانات بودند. سوابق نشان می‌دهد که ۳۴ خوک به دلیل قتل کودکان اعدام شده‌اند و خوک‌های مجرم اغلب برای حضور در دادگاه لباس انسان می‌پوشیدند، سپس در ملا عام به دار آویخته شده یا با بستن به چوب در آتش سوزانده می‌شدند.<sup>۱</sup>

۱. در میان محاکمه‌هایی که بر روی حیوانات به خاطر اعمال خاص ناخوشایند آن‌ها انجام می‌شد، یکی از خنده‌دارترین محاکمه‌ها، محاکمهٔ یک خوک و شش بچه اش در سال ۱۴۵۷ به اتهام قتل یک کودک بود. خوک مجرم شناخته شد و به مرگ محکوم شد، اما بچه‌خوک‌ها به دلیل جوانی، الگوی بد مادرشان و فقدان وجود دلیل مستقیم مبنی بر مشارکت آن‌ها در قتل با تعهد به حسن رفتار تبرئه شدند!

تصور اینکه حیوانات می‌توانند جنایتکار فرض شوند به طور شگفت‌انگیزی تا پایان قرن نوزدهم باقی ماند و آخرین محاکمه شناخته شده از این دست در سال ۱۹۰۶، در سوئیس رخ داد؛ وقتی که دو مرد و یک سگ قاتل به اتهام سرقت و قتل یک مرد محاکمه شدند. مردها رهایی یافتند اما سگ محکوم به مرگ شد (پرونده‌های "متهم به درون زمین فرو رفته است" و "هشت گربه از ده گربه هیلدا را ترجیح می‌دهند").

از دیگر پرونده‌های تاریخی می‌توان به جرم‌انگاری جادوگری و محاکمه جادوگران و عجیب‌ترین اعتراف به گناه در عصری که جادوگری جرمی با مجازات اعدام یا سوزاندن بود اشاره کرد (پرونده "یک اعتراف تخیلی"). برای نخستین بار، ملکه الیزابت اول در سال ۱۵۶۳ جادوگری را به عنوان یک جرم به رسمیت شناخت، اما جیمز ششم از اسکاتلند - که بعدها جیمز اول انگلستان شد - آنچنان از «این بردگان نفرت‌انگیز شیطان» بیزار بود که تعداد زیادی از زنان بی‌گناه در طول دوره پادشاهی او به طرز فجیعی کشته شدند. او پس از آن بیشتر وقت خود را صرف جست‌وجوی نشانه‌ها کرد و در سال ۱۵۹۷ رساله‌ای به نام «شیطان‌شناسی»<sup>۲</sup> در این زمینه نوشت. قانون جادوگری او در سال ۱۶۰۳ موجب اعدام‌های بسیاری شد و جادوگر بودن تا زمان قانون جادوگری در سال ۱۷۳۵ یک جرم با مجازات اعدام باقی ماند. لیکن در حال حاضر، دیگر نمی‌توان به معنای قدیمی جادوگر محسوب شد، زیرا این قانون در سال ۱۹۶۱ نسخ شد.<sup>۵</sup>

پرونده دیگر در این دسته که از سال ۱۶۱۳ با تأخیر مواجه بوده و از همه موارد دیگر طولانی‌تر بوده است، دعوای جیمز اول در خصوص مالکیت بازار گوشت بود. دیدگاه‌های بی‌معنی و غیرمنطقی او نسبت به سلطنت چنان بود که او آماده بود تا تمام تلاش خود را بکند تا چیزی را که معتقد بود متعلق به اوست از طریق اقدام حقوقی به دست آورد. در سال ۱۶۱۳ دعوایی اقامه کرد مبنی بر اینکه مکان باستانی بازار گوشت اسمیتفیلد بخشی از کاخ سلطنتی بوده و در نتیجه متعلق به پادشاه است. شایعاتی بسیار قوی مبنی بر اینکه بازار در قرن پانزدهم با یک منشور به شهروندان شهر لندن اعطا شده است وجود داشت، ولی جیمز آن را نمی‌پذیرفت.

در جریان رسیدگی وکلای جیمز متوجه می‌شوند این مکان در منشورهای بعدی که توسط هنری ششم و هنری هفتم امضا شده بود، به «شهردار، جامعه و شهروندان شهر لندن» اعطا شده است.

در برابر چنین استدلال‌های قاطعانه‌ای، به جیمز توصیه شد که حداقل فعلاً موضوع را مسکوت بگذارد. در نتیجه، دعوای «پادشاه علیه شهر لندن» با رضایت شاه، یک سال پس از شروع آن در سال ۱۶۱۴ متوقف شد و بدین ترتیب رسیدگی به حالت تعلیق درآمد.

۲. The Daemonologie.

۳. The Witchcraft Act, ۱۶۰۳ (قانون جادوگری مصوب سال ۱۶۰۳): عنوان کامل این قانون، «مقابله با طلسم، جادوگری و برخورد با ارواح شیطانی و شریر» بود. این قانون جادوگری را به جنایت تبدیل کرد. هر جادوگری که مرتکب جرم جزئی جادوگری شده باشد محکوم به یک سال زندان می‌شد و اگر برای بار دوم متهم و مجرم شناخته می‌شد، به اعدام محکوم می‌گشت. مطابق این قانون:

- استناد به ارواح شیطانی یا برقراری ارتباط با آن‌ها یا مشورت، عهد، پذیرایی یا پاداش دادن به هر روح شیطانی جرم و مجازات آن اعدام است.

- استفاده از هر نوع جادوگری و طلسم که باعث آسیب به دیگران شود جرم و مجازات آن اعدام است.

- ادعای توانایی گفتن وقایع آینده یا کشف چیزهای پنهان به هر وسیله پنهانی جرم و مجازات آن اعدام است.

- استفاده از هر نوع جادوگری برای یافتن اجناس یا گنج‌های دزدی شده جرم و مجازات آن اعدام است.

- آزار رساندن یا مرگ از طریق جادوگری جرم و مجازات آن اعدام است. §

این قانون همچنین به صراحت کسانی را هدف قرار می‌داد که تظاهر به قدرت شفا یا درمان بیماری‌ها از طریق روش‌های ماوراء طبیعی داشتند. مجازات‌های شدیدی از جمله حبس و جزای نقدی برای هر کسی که مرتکب چنین اعمالی می‌شد، در نظر گرفته شده بود.

در حالی که قانون جادوگری در زمان خود بسیار مهم و منعکس‌کننده اعتقاد گسترده به جادوگری بود، اما به آزار و شکنجه جادوگران پایان نداد. محاکمه جادوگران برای چندین دهه دیگر در انگلستان ادامه داشت تا اینکه نگرش نسبت به جادوگری به تدریج تغییر کرد. این قانون تا سال ۱۷۳۵ به قوت خود باقی ماند تا اینکه توسط قانون جادوگری مصوب ۱۷۳۵ نسخ شد (که تعریف محدودتری از جادوگری ارائه می‌کرد و از شدت مجازات‌ها می‌کاست).

۴. The Witchcraft Act, ۱۷۳۵ (قانون جادوگری مصوب سال ۱۷۳۵): قانون پارلمان بریتانیای کبیر در سال ۱۷۳۵ بود که طبق آن هر انسانی که ادعا می‌کرد دارای قدرت جادویی است، مجرم محسوب و به مجازات حبس محکوم می‌شد. با این قانون، اعدام جادوگران در بریتانیا لغو شد. قانون جدید به جای اینکه مانند قوانین سابق بپذیرد که جادوگری امری واقعی است و قدرت جادویی واقعی ناشی از پیمان با شیطان است، فرض را بر این می‌گذاشت که هیچ‌کس قدرت جادویی ندارد و کسانی که ادعا می‌کنند چنین قدرتهایی دارند کلاهبرداری هستند که از افراد ناآگاه اخاذی می‌کنند. این قانون تعریف بسیار گسترده‌تری از جادوی مضرو مخرب ارائه داد و مطابق آن «هر نوع جادوگری، طلسم یا تظاهر به مهارت یا دانش در هر علم غیبی حيله‌گرانه و کلاهبرداری است». ماهیت اعمال جادویی «هرگونه تظاهر به هنرها یا قدرت‌هایی که قبلاً ذکر شد، که به موجب آن افراد ناآگاه اغلب فریب می‌خورند» دانسته شد. مطابق این قانون، ادعای داشتن قدرت جادویی یا متهم کردن شخص دیگری به انجام سحر و جادوگری جرم محسوب می‌شد. این قانون همچنین استفاده از هر نوع جادو یا برای آسیب رساندن به دیگران غیرقانونی می‌دانست و مجازات این جرایم از جزای نقدی تا حبس و در موارد شدید حتی مرگ متغیر بود.

۵. قانون ناسخ با عنوان «قانون واسطه‌های احضار متقلبانه ارواح»، مصوب سال ۱۹۵۱ است.

بعدها قاضی هافمن ادله و شواهد را سنجید و پرونده دوباره به جریان افتاد و او با اطمینانی بیش از پیشینیان خود رأی را صادر کرد و طبق آن گفت: «در واقع این مکان تا اوایل قرن پانزدهم بخشی از زمین سلطنتی بوده اما اسمیثفیلد بدون شک در زمینی گنجانده شده که بعداً بر اساس منشور هنری ششم در سال ۱۴۴۴- که توسط هنری هفتم نیز در سال ۱۵۰۵ تأیید شد- به مردم شهر داده شده است.»

این یک شکست بزرگ برای مقام سلطنت به نظر می رسید. با این حال جیمز اول خون سردی خود را حفظ کرد، زیرا در زمان صدور رأی، ۳۶۷ سال از مرگ او گذشته بود! روزی که قاضی حکم خود را در دادگاه صادر کرد، سال ۱۹۹۲ بود که در نوع خود اطلاع دادرسی بود (پرونده "پادشاه علیه شهر لندن").

**دسته دوم از پرونده‌ها، پرونده‌های معروفی هستند که در تاریخ حقوقی بریتانیا ایجاد رویه قضایی کرده‌اند.** یکی از این پرونده‌ها در حوزه مسئولیت مدنی، پرونده معروف دونوهیو علیه استیونسون است. رأی این پرونده در مسئولیت عیب ناشی از تولید در بریتانیا از اهمیت بسزایی برخوردار است. خانم دونوهیو که برای صرف یک نوشیدنی با دوستش به کافه‌ای رفته بود، بی آنکه بداند، یک تصمیم تاریخی گرفت که نام او را برای همیشه در کتاب‌های تاریخ قضایی ماندگار کرد. او یک نوشیدنی زنجبیلی سفارش داد و وقتی آخرین قطره نوشیدنی را می نوشید، ناگهان مشاهده کرد که یک حلزون تجزیه شده که مدت‌ها پیش غرق شده بود درون بطری است. شاید تمام ناراحتی های زندگی می دونوهیو در آن لحظه به اوج خود رسید. او که کاملاً شوکه شده بود و احساس می کرد از نظر جسمی بیمار شده است، تصمیم گرفت علیه تولیدکننده اقامه دعوا کند. مسأله مهم در خصوص این پرونده این است که تولیدکننده با مصرف کننده نهایی هیچ گونه رابطه قراردادی ای نداشته است. پرونده موسوم به «نبرد بطری» در روز ۴ آوریل سال ۱۹۲۹ آغاز شد. در نهایت، در روز ۲۶ می سال ۱۹۳۲، مجلس اعیان حکمی صادر کرد که تأثیری ماندگار بر جامعه داشت. این تصمیم نشان داد که تولیدکننده محصول، وظیفه مراقبت منطقی را داشته و در صورت نقض این تکلیف، مسئول جبران خسارات مالی و جانی وارده به مصرف کننده است. دعوای دونوهیو علیه استیونسون رابطه قانونی بین سازنده و مصرف کننده نهایی را برقرار کرد که دریچه‌ای را به روی انبوهی از دعوای حقوقی بعدی گشود. از آن روز به بعد همه کسانی که نتیجه شکایتشان موفقیت آمیز بوده، از دونوهیو سپاس گزارند (پرونده "اثر ماندگار یک تقصیر").



**دسته سوم از دعاوی، مربوط به حوزه پلیس علمی و کشف جرم هستند.** عجیب است که شهر کوچک نِکوچئا<sup>۶</sup>ی آرژانتین در تاریخ حقوق جایگاهی ویژه پیدا کرده است؛ زیرا نخستین استفاده موفقیت آمیز از اثر انگشت در کشف جرم در آنجا رقم خورد که بی شک تحسین برانگیز است، مخصوصاً با توجه به اینکه استفاده بعدی از این شیوه میلیون ها جنایت کار را به دست عدالت سپرده است.

پیامدهای این پرونده جالب است، زیرا موضوع اثر انگشت مدت ها قبل از اینکه از آن استفاده عملی شود مطرح شده بود. یک پزشک و دانشمند اسکاتلندی، به نام هنری فاولدز، مقاله کوتاهی در مورد منحصر به فرد بودن این «علامت شناسایی» انسانی و استفاده بالقوه از آن در دستگیری مجرمان، در مجله «نیچر»<sup>۷</sup> در تاریخ ۲۸ اکتبر سال ۱۸۸۰ منتشر کرد. افسوس که مقامات بریتانیا توجه چندانی به این دیدگاه «عجیب» او نکردند و هشت سال بعد در لندن، جک قاتل توانست آثار انگشتش را در همه جا به جا بگذارد، بدون اینکه هرگز دستگیر شود. حتی نویسندگان داستان های تخیلی هم از پلیس جلوتر بودند.

مارک تواین، نویسنده آمریکایی در کتاب خود به نام «زندگی بر روی می سی سی پی»، در سال ۱۸۸۳ به اثر انگشت مجرمان اشاره کرد. دو سال قبل از آن، داستانی هیجان انگیز با عنوان «داستان یک اثر انگشت» - که در نسخه ماه دسامبر سال ۱۸۸۱ مجله چمبرز منتشر شده بود - توضیح داده بود که چگونه قاتل با استفاده از تکنیک های هنری فاولدز دستگیر شده است. فقط به گذشت زمان نیاز بود تا یک داستان علمی-تخیلی به یک واقعیت علمی تبدیل شود و اولین قربانی بدشانس این پیشرفت، فرانچسکا روخاس بود. او وقتی دو فرزند خردسالش با گلوی بریده یافت شدند و خودش نیز زخم سطحی روی گردنش داشت به طور قطع همسایه اش، ولاسکوئزرا متهم به قتل فرزندانش و «شروع به قتل» خودش می دانست. همسایه دستگیر شد و مورد بازجویی قرار گرفت، اما پلیس در مورد مجرمیت او به قطعیت نرسیده و از اداره تشخیص هویت پلیس درخواست کمک کرد. آن ها که با تحقیقات علمی در مورد خاص بودن اثر انگشت هر فرد آشنا بودند، با بررسی صحنه جرم وقتی اثر انگشت خونین را روی چارچوب در دیدند، آن را همراه با نمونه هایی که از مادر و مظنون گرفته بودند مطابق دادند و به سرعت مشخص شد که این آثار متعلق به مادر است و از آنجا که او دست زدن به کودکان را پس از اینکه ظاهراً آن ها را مرده «یافته بود» انکار می کرد، دروغ او آشکار شد. وقتی وی با «ادله علمی» روبه رو شد، در هم شکست و به قتل فرزندانش اعتراف کرد و پس از محاکمه، مجرم شناخته شده و به حبس طولانی مدت محکوم شد (پرونده «کشف منحصر به فرد»). پرونده دیگر در حوزه کشف جرم مربوط به سخت کوش ترین مأمور پلیس تاریخ است که در عصری که روش های کشف جرم به اندازه امروز پیشرفته نبود توانست پرونده دل خراشی را که احساسات عمومی را برانگیخته بود، حل کند (پرونده «مأمور سخت کوش»). در یکی دیگر از برجسته ترین پرونده های حل شده، بررسی دقیق آثار جرم و سایر امارات، موجب اثبات بی گناهی شخص محکوم گردید، هر چند تجدیدنظرخواهی از حکم پذیرفته نشد (پرونده «حیوانات مثله شده»).

۶. Necochea  
۷. Nature

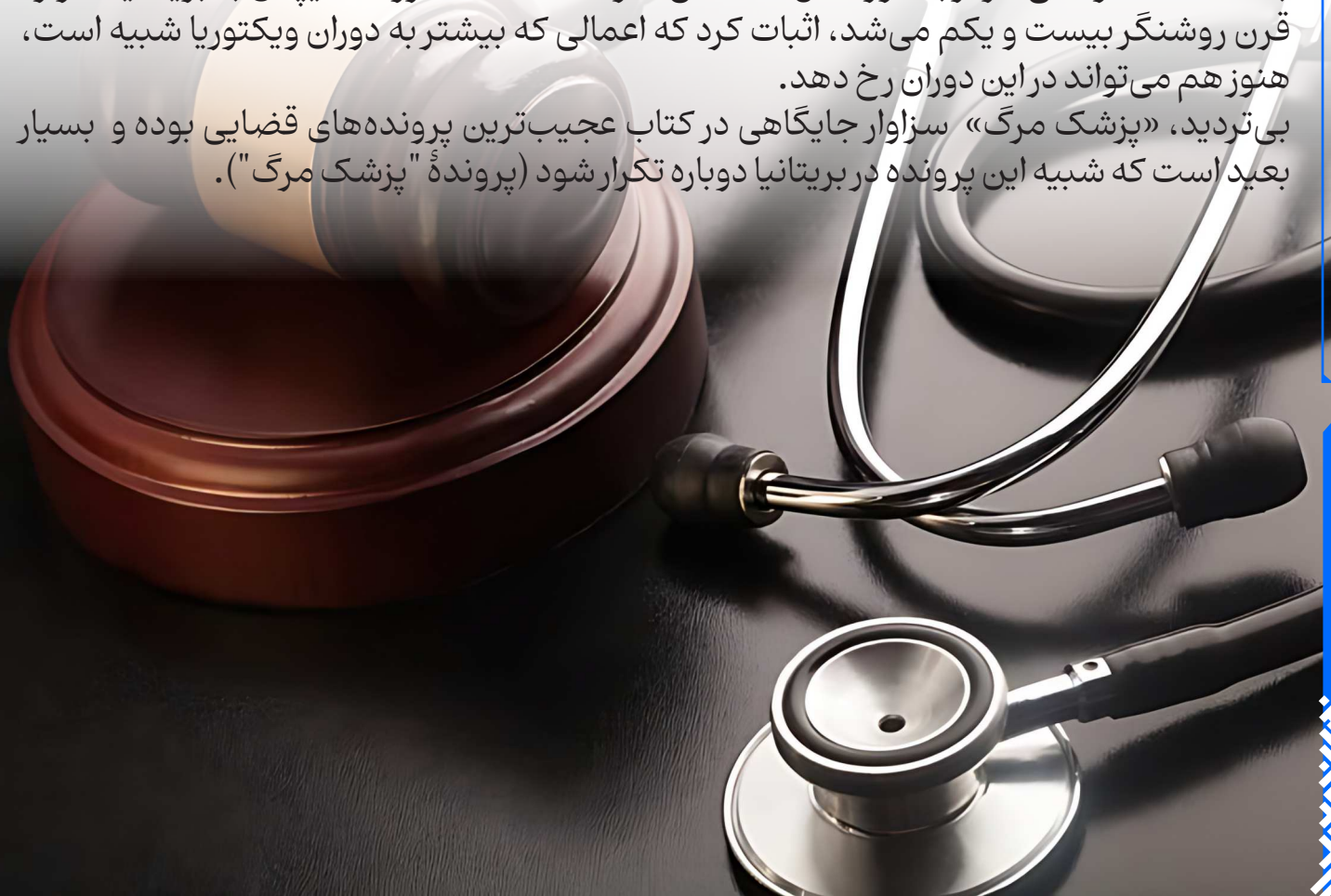
**دسته چهارم از پرونده ها، از منظر جرم شناسی و پزشکی قانونی قابل تحلیل است؛** مانند داستان پزشکی که به جای نجات جان بیمارانش، با تزریق دوز مرگبار مورفین جان آن ها را می گرفت و به عنوان بدترین قاتل زنجیره ای بریتانیا شناخته شد. او که در کودکی نظاره گر تزریق مورفین به مادرش برای تسکین دردهایش بود آسیب روانی بزرگی را متحمل شده بود که هرگز از آن رهایی نیافت

و دقیقاً بیماران خود را نیز به همین شیوه تزریق مورفین به قتل می‌رساند. آنچه پلیس کشف کرد، ساکنان شهر را به وحشت انداخت؛ زیرا معلوم شد که شیپمن به بهانه ابراز نگرانی از وضعیت بیمار، به ملاقات آن‌ها در خانه‌هایشان می‌رفته است. در آنجا، شیپمن با صدایی قاطع اما مهربان به آن‌ها می‌گفت: «به من اعتماد کن، من یک پزشکم» و سپس به بیمار مورفین تزریق می‌کرد که بیمار تصور می‌کرد بخشی از مراقبت‌های معمول است؛ اما در واقع او را با تزریق دوز مرگبار مورفین به کام مرگ می‌فرستاد و سپس به بستگان بیمار می‌گفت که «هر کار ممکن» را برای حفظ جان او انجام داده است. از آنجایی که این پرونده در رسانه‌ها بازتاب گسترده‌ای داشت، بستگان بیشتری از قربانیان به پلیس مراجعه کردند و نگرانی خود را نسبت به شرایطی که عزیزانشان در آن جان باخته بودند، ابراز کردند. به زودی آمار تأییدشده مرگ‌های مشکوک به تعداد هولناک پانزده نفر رسید و شیپمن در نهایت بر اساس کیفرخواست در دادگاه کیفری پرستون در اکتبر سال ۱۹۹۹ محاکمه شد. اما در طول محاکمه ثابت شد که عدد ۱۵ تنها نشانگر تعداد کمی از قربانیان واقعی اوست، زیرا نبش قبرهای بیشتری انجام شد و پزشکان قانونی بارها و بارها دوز کشنده مورفین را در اجساد قربانیان زن و مرد یافتند. در زمان شروع محاکمه، کارشناسان پیش‌بینی کردند که ممکن است بیش از صد مورد مرگ توسط شیپمن رخ داده باشد که کل دوران فعالیت پزشکی او را در بر می‌گیرد. دکتر هارولد شیپمن، مردی که بدترین رفتار پزشکی را در طول تاریخ داشت، به اتفاق آرا در ارتکاب قتل پانزده زن بین سنین ۴۹ تا ۸۱ سال مجرم شناخته شد. او در روز چهارشنبه ۲ فوریه سال ۲۰۰۰ به تحمل ۱۵ بار حبس ابد محکوم شد.

قاضی هنگام صدور حکم، وحشت یک ملت را با این عبارات بیان کرد: «شک ندارم که هریک از قربانیان شما هنگام تسلیم شدن به اعمال مرگبار شما لبخند زده و از شما سپاس‌گزاری کرده‌اند. هیچ‌یک از آن‌ها فکر نمی‌کردند که کارهای شما یک عمل شفاف‌بخش نیست.»

در همین حال، پزشکی قانونی منچستر جنوبی با تأیید اینکه تعداد احتمالی قتل‌های شیپمن به ۲۶۵ رسیده است، این وحشت را تشدید و اظهار داشت که «تعداد نهایی ممکن است تا هزار نفر هم باشد». تعداد واقعی هرگز به طور کامل مشخص نخواهد شد، اما هارولد شیپمن به بریتانیا که وارد قرن روشن‌گر بیست و یکم می‌شد، اثبات کرد که اعمالی که بیشتر به دوران ویکتوریا شبیه است، هنوز هم می‌تواند در این دوران رخ دهد.

بی‌تردید، «پزشک مرگ» سزاوار جایگاهی در کتاب عجیب‌ترین پرونده‌های قضایی بوده و بسیار بعید است که شبیه این پرونده در بریتانیا دوباره تکرار شود (پرونده "پزشک مرگ").



**دسته پنجم از دعاوی، پرونده‌هایی هستند که با رویکرد روان‌شناسی کیفری قابل بررسی‌اند،** نظیر قاتل خشمگین و آشفته‌ای که بی‌عدالتی از سوی دولت را عامل ناکامی‌های خود می‌دانست و به‌رغم اینکه وکیل متهم به «جنون» استناد کرد، فقط در عرض چند دقیقه هیئت‌منصفه او را مجرم شناخت. تنها شخصی که تا به حال یک نخست‌وزیر بریتانیا را ترور کرده است، به چوبه دار آویخته شد (پرونده «ترور منحصر به فرد») و نیز پرونده داستان هنرپیشه بی‌استعدادی که بازیگر محبوب و مشهور را عامل بدبختی‌های خود می‌دانست و او را به قتل رساند. او ابتدا به «قتل بر اثر تحریک» اقرار کرد، اما سپس بنا به توصیه وکیلش مدعی «بی‌گناهی به دلیل جنون» شد. این موضوع با شواهد پزشکی که «توهمات جنون‌آمیز» او را نشان می‌داد تأیید شد. هیئت‌منصفه او را «گناهکار ولی غیرمسئول به دلیل جنون» شناخت و باقی عمرش را در آسایشگاه روانی به سربرد (پرونده «یک اجرای نمایشی»).

**دسته ششم از پرونده‌ها، بیانگر خطاهای قضایی‌ای است که موجب محکومیت نادرست اشخاص بی‌گناه به مجازات‌های سنگینی چون اعدام و حبس بلندمدت شده‌اند،** مانند پدری که به ناحق متهم به ارتکاب قتل دخترش شناخته شد و بر اثر خطای قضایی به اعدام محکوم شد. کاترین شاو مدتی بود که با پدرش ویلیام رابطه خیلی خوبی نداشت. پدر با انتخاب او در خصوص مرد جوان مخالف بود و همین موضوع برای کاترین آزاردهنده بود. ویلیام احساس می‌کرد دخترش به دنبال مردی است که او به شدت از وی به عنوان «فردی فاسد و بی‌بندوبار» نفرت داشت. در بیشتر موارد، گفتگوی بین پدر و دختر به یک تنش و درگیری شدید تبدیل می‌شد و در یک شب خاص در زمستان سال ۱۷۲۱ درگیری لفظی بین آن‌ها به حدی شدید شد که همسایه آن‌ها، آقای موریسون هم مکالمه آن دو را شنید که طی آن چندین بار دختر فریاد می‌زد: «پدر بی‌رحم، تو عامل مرگ من هستی!» در نهایت صدا با ناله‌های هولناکی همراه شد و سپس صدای آشکار خروج ویلیام شاو از خانه به گوش رسید.

موریسون به همسایه‌ها خبر داد که محل اقامت ویلیام و دخترش به طرز عجیبی ساکت شده است و وقتی مأمور پلیس رسید کاترین شاو را دید که به سختی زنده و غرق در خون بود، در حالی که یک چاقو در کنارش افتاده بود. مأمور از او پرسید: «آیا پدرت تو را کشته است؟» او قادر به صحبت کردن نبود، اما به نظر حاضرین این‌گونه رسید که چند لحظه قبل از مرگ، سرش را به نشانه تأیید تکان داد.

وقتی ویلیام شاو برگشت، با دیدن جسد دخترش به شدت شوکه و رنگ‌پریده شد. وقتی مأمور پلیس لکه‌های خون را روی دست و پیراهن شاو دید به نتیجه قطعی رسید و او به سرعت نزد قاضی برده شد و اعتراف کرد که اخیراً با دخترش درباره «مرد مورد علاقه او» بحث‌های جدی داشته است. اما او اصرار داشت که در شب مورد نظر در اتاق دیگری بوده و بدون اینکه به دخترش آسیبی برساند، از خانه خارج شده است.

ویلیام در مورد خون، توضیح داد که «چند روز پس از آن اتفاق، به آرایشگاه رفته بودم که با تیغ آرایشگر زخمی شدم و آن شب بانداژها باز شد و روی پیراهن و دستانم لکه‌های خون به جا ماند.» دادستان بر روی شواهد موریسون متمرکز شد. او کاملاً از سخنانی که شنیده شده بود مطمئن بود: «پدر بی‌رحم، تو عامل مرگ من هستی!» تکان دادن ضمنی سر توسط کاترین در آخرین لحظات، قطعاً دلیل مضاعفی بر گناهکاری پدر بود.

بر اساس چنین شواهدی، ویلیام شاو در ماه نوامبر سال ۱۷۲۱ مجرم شناخته و به اعدام محکوم شد. هرچند محکومیت وی توسط افکار عمومی تأیید شد، لیکن خود شاو حتی بر روی سکوی اعدام نیز بر بی‌گناهی خود اصرار می‌ورزید.

مدتی بعد مستأجر جدید خانه‌ای که ویلیام و دخترش در آنجا سکونت داشتند یک ورقه کاغذ پیدا کرد که به سمت پایین و نزدیک دهانه دودکش لیز خورده بود. ظاهراً یادداشت ابتدای روی شومینه گذاشته شده بوده است. نوشته با دست خط کاترین و خطاب به پدرش بود. او در نامه، پدرش را به خاطر بی‌رحمی‌اش سرزنش کرده و نوشته بود متوجه شده است که هرگز نمی‌تواند با مردی که دوستش دارد ازدواج کند، اما در عین حال قصد ندارد مردی را هم که پدرش انتخاب کرده است بپذیرد. او تصمیم گرفته بود به زندگی غم‌انگیز خود پایان دهد. نامه، پایان تکان‌دهنده‌ای داشت: «تو مسئول مرگ من هستی. وقتی این را می‌خوانی، خود را همان بدبخت بی‌رحمی بدان که چاقو را در سینه کاترین شاولی‌ناخنود فرو کرده است!»

بدین ترتیب، او با فریادهایی از روی خشم، خود را کشته بود. مقامات سعی کردند آسیب وارده به فرد اعدام‌شده را جبران کنند. آن‌ها پیکر بی‌جان او را به طور شایسته‌ای دفن کردند و «پرچم ملی بر بالای سنگ قبر او برافراشته شد». البته هیچ احترامی نمی‌تواند این خطای قضایی را جبران کند. اگر شاهد اصلی، آقای موریسون، یا دادگاه با شیوه‌هایی که بعداً توسط آگاتا کریستی در یکی از رمان‌هایش استفاده شده بود آشنا بودند، ممکن بود ادله و شواهد را دقیق‌تر بررسی کنند. صدای مشکوک که از یک اتاق بسته شنیده می‌شود همیشه آن‌طور که به نظر می‌رسد نیست. گاهی حتی وجود دو صدا نشان‌دهنده یک مکالمه نیست. چون ممکن است یک نفر خود را به جای دو نفر جا بزند. حتی استفاده حيله‌گرانه از یک دستگاه ضبط صوت در یک اتاق خالی هم ممکن است. این ترفندها توسط ملکه جنایت (آگاتا کریستی) مورد اشاره قرار گرفته‌اند. اما موریسون، هرکول پوآرو نبود. هرچند او صدای ویلیام شاولی‌ناخنود را شنیده بود، اما از سخنان کاترین اینگونه برداشت می‌شد که او با پدرش داخل اتاق بوده است.

اگر این پرونده غیرعادی بتواند نکته‌ای را ثابت کند، آن نکته یقیناً این است که جریان قتل‌ها باید دیده شود و نه اینکه فقط شنیده شود (پرونده "موریسون آن گفت وگوها را می‌شنود"). پرونده دیگری که در دسته ششم قرار دارد و نشانگر خطای قضایی است، پرونده سرنوشت تلخ مادری که به اشتباه و بر اثر خطای آمار و احتمالات به قتل فرزندانش محکوم شد و پس از تحمل حبس طولانی مدت به زندگی‌اش پایان داد. پس از اینکه کلارک در ارتکاب دو فقره قتل مجرم شناخته شد، صداهای نگران‌کننده‌ای به گوش می‌رسید که محکومیت او «براساس احتمالات بوده است». در روز ۹ نوامبر سال ۱۹۹۹، سالی کلارک ۳۵ ساله که مادر یک فرزند بود، در دادگاه کیفری چستر به ارتکاب قتل دو فرزندش محکوم شد. اولین فرزند، کریستوفر، سه سال قبل در سن ۱۱ هفتگی درگذشته بود. این مرگ در ابتدا به علت طبیعی ناشی از «سندروم مرگ ناگهانی نوزاد»، معروف به «مرگ در گهواره»، نسبت داده شد. دومین فرزندش، هری نیز یک سال بعد در سن ۸ هفتگی درگذشت. پس از اعلام این مرگ به عنوان یک مرگ «مشکوک»، وزارت کشور پرونده کریستوفر را دوباره گشود و تشخیص داد که این مرگ نیز مشکوک بوده است.

سالی کلارک دستگیر و محاکمه شد. او که خود به حرفه وکالت اشتغال داشت و همسر یک وکیل و دختر یک افسر ارشد پلیس هم بود، مراتب احترام عمیق خود را به قانون ابراز و اعلام کرد که بی‌گناه است. با این حال، سیستم قضایی که همیشه به آن ایمان داشت، او را محکوم کرد. ۹ شاهد خبره در امور پزشکی نتوانستند ثابت کنند که کلارک قاتل است. کارشناسان علت هر دو مرگ را «نامشخص» اعلام کردند. دادستان سپس شاهد خبره خود، پروفیسور روی میدو را فراخواند که یک متخصص بسیار مورد احترام در زمینه کودک‌آزاری بود اما در حوزه آمار و احتمالات تخصصی نداشت. با این حال، نظر قاطع میدو مبنی بر اینکه هیچ‌یک از کودکان به مرگ طبیعی نمرده‌اند، توسط برخی چهره‌های تأثیرگذار تأیید شد. او از حوزه تخصصی خود به حوزه پرمخاطره احتمالات منحرف شده بود. این شواهد نباید پذیرفته می‌شدند، زیرا میدو نیز مانند قاضی، وکلای مدافع و هیئت منصفه که سرنوشت سالی کلارک را رقم می‌زدند، تخصصی در علم احتمالات نداشت.

افراد حاضر در دادگاه مات و مبهوت از آمار (احتمالات) و شاید خجالت زده از کاستی‌های خود در مورد شعبده‌بازی اعداد، از پروفیسور سؤالی نکردند و فقط سرهایشان را به نشانه تأیید تکان دادند. عجیب‌تر از همه، نماینده دادستان از دعوت یک کارشناس آمار (احتمالات) جهت بی‌اعتبار ساختن ارقام پروفیسور خودداری کرد. اگر آن‌ها این کار را انجام داده بودند، ممکن بود سالی کلارک در دادگاه بدوی تبرئه شود. پروفیسور اعداد خود را با منطق روشنی ارائه کرده بود: «احتمال مرگ یک کودک در آن سن و به دلیل سندروم مرگ ناگهانی نوزاد، ۱ در ۸۵۴۳ مورد است. برای محاسبه سرنوشت مشابهی برای دو فرزند از یک خانواده، باید ۱ در ۸۵۴۳ را در خودش ضرب کنیم که احتمال آن تقریباً ۱ مورد در ۷۳ میلیون مورد است. به عبارت دیگر، با در نظر گرفتن کل جمعیت، این دو مرگ ناشی از سندروم مذکور می‌تواند هر ۱۰۰ سال یک بار اتفاق افتد. بنابراین یک علت غیرطبیعی مرگ، یعنی قتل، کاملاً محتمل به نظر می‌رسید.»

دانش کم و ناکافی مسأله خطرناکی است که باعث چنین اشتباه قضایی‌ای شد و سرنوشت تلخی را برای سالی کلارک رقم زد. پروفیسور میدو با استفاده از روش «ضرب احتمال» یک خطای اساسی مرتکب شده بود. میدو در آمار خود عوامل مهمی مثل شباهت‌های ژنتیکی و ارثی و سایر روابط بین کودکان را در نظر نگرفته بود. اگر او این کار را انجام می‌داد، رقم مورد ادعای او یعنی ۱ در ۷۳ میلیون به طرز چشمگیری کاهش می‌یافت. یک مقاله منتشر شده در مجله پزشکی بریتانیا بعدها نشان داد که وقتی یک مرگ ناشی از این سندروم رخ دهد، ممکن است مورد دوم در همان خانواده «در هر ۱۸ ماه» اتفاق بیفتد (که کاملاً با عدد «۱۰۰ سال» میدو متفاوت است). میدو دچار یک خطای اساسی شده بود. علاوه بر این، او در دام «سفیسطه دادستان» افتاده بود که معتقد بود همان قدر که بی‌گناهی غیرممکن است، مجرمیت کاملاً محتمل است (پرونده «یک محکومیت ناعادلانه بر اساس احتمالات»).

**دسته هفتم از پرونده‌ها را می‌توان ناظر به آینده دانست.** نویسنده کتاب را با پرونده «قانون و توییتر» به پایان می‌رساند. پرونده انگلیسی پال چمبرز را در نظر بگیرید که به «محاکمه شوخی توییتری» شهرت یافت. در سال ۲۰۱۰ در دادگاه کیفری ۲، کارآموز ۲۷ ساله حسابداری، به نام چمبرز، بر اساس قانون ارتباطات مصوب سال ۲۰۰۳ به دلیل ارسال یک توییت «تهدیدآمیز» مجرم شناخته شد.

در ماه ژانویه سال ۲۰۱۰، بسته شدن یک فرودگاه در جنوب یورکشایر به دلیل برف، مانع از پرواز چمبرز به بلفاست برای دیدار با دوست دخترش شد. او با ناراحتی، در تویییتی به ۶۰۰ نفر دنبال‌کننده خود نوشت: «چه بد! فرودگاه را بین هود بسته است. شما فقط یک هفته فرصت دارید وگرنه من فرودگاه را منفجر می‌کنم.»

اگرچه این فقط یک «شوخی» برای اطرافیان‌ش بود، اما این توییت مورد توجه مقامات فرودگاه قرار گرفت و به پلیس گزارش شد و یک پرونده قضایی به جریان افتاد. چمبرز مبلغ ۳۸۵ پوند جریمه و به پرداخت ۶۰۰ پوند هزینه دادرسی نیز محکوم شد. او همچنین شغل خود را از دست داد.

تنها در سومین درخواست تجدیدنظر، محکومیت او لغو شد، چون در روز ۲۷ ژوئیه سال ۲۰۱۲، دادگاه حکم داد که «این توییت حاوی پیام تهدیدآمیز نیست.» این پرونده برجسته، موضوع پیچیده «شوخی‌های اینترنتی» را مطرح کرد و از آن زمان در بسیاری از پرونده‌ها این موضوع که «فضای مجازی را تا کجا باید محدود کنیم؟» مورد بحث قرار گرفته است.

به عنوان پرونده دیگری که ناظر به آینده است می‌توان به پرونده کودی هال اشاره کرد، وقتی کودی هال ۱۸ ساله، به عنوان اولین فردی که در نتیجه توییت‌هایش متهم به قتل شد، یک پرونده مهم دیگر در آمریکا مطرح شد. در روز ۹ ماه ژوئن سال ۲۰۱۳ در شهر دوبرلین کالیفرنیا، هال که با سرعت

۱۳۴ کیلومتر در ساعت در منطقه‌ای که حداکثر سرعت مجاز در آن ۶۴ کیلومتر در ساعت بود رانندگی می‌کرد، دایانا هرِیسوورت<sup>۹</sup>، دوچرخه‌سوار ۵۸ ساله را زیر گرفت و کشت. پس از اینکه دادستان سلسله‌پیام‌های توییترها را بررسی کرد به وضوح نشانگر آن بود که هال جنون سرعت دارد و در پی آن، اتهام اولیه قتل غیرعمدی به قتل عمدی تبدیل شد. او به رانندگی‌اش با سرعت ۲۲۵ کیلومتر در ساعت افتخار کرده بود و دنبال کننده‌هایش را در یکی از توییتهای این کارترغیب کرده بود که «کسی هست که در یک رانندگی مرگبار با من مسابقه بدهد؟» دادستان اعلام کرد که این توییتهای به میزان کافی «سوءنیت ضمنی» لازم برای طرح اتهام قتل عمدی را نشان می‌دهد. اگرچه هال در نهایت در ماه آوریل سال ۲۰۱۴ اتهام قتل غیرعمدی ناشی از رانندگی را بدون اقرار به مجرمیت خود ولی بی هیچ اعتراضی پذیرفت -و برای آن به ۹ سال حبس محکوم شد- «توییتهای بی-پروایانه» او به اندازه «رانندگی بی‌پروایانه اش»<sup>۱۰</sup> در پرونده تأثیرگذار بود. زیرا در نتیجه آن، وکلا در سراسر جهان به جامعه آنلاین هشدار دادند که امروزه هر گونه ارتباط الکترونیکی به طور فزاینده‌ای در دادگاه جزء «ادله قابل قبول» محسوب می‌شود. متری‌ترین «آینده‌نگران» پیش بینی می‌کنند که تغییرات فناوری طی دو دهه آینده در این زمینه موجب خواهد شد که تغییرات بیست سال گذشته ناچیز به نظر برسد. دنیای مجازی فرمانروایی خواهد کرد. یک «گزارش تخصصی» نشان می‌دهد که تا سال ۲۰۳۰ وظایف بسیاری که در حال حاضر توسط وکلا انجام می‌شود به طور معمول توسط «ربات‌ها» انجام خواهد شد. البته گزارش دیگری بر این نکته تأکید می‌کند که ممکن است برخی از کارهای ماشینی به خوبی انجام شود، ولی «شما همچنان به یک وکیل نیاز خواهید داشت». تعداد زیادی از «افراد بدبین آگاه» نیز معتقدند که «شبکه اجتماعی» چیزی نیست جز یک مُد گذرا که در نهایت محو خواهد شد. واقعیت این است که هیچ کس به طور قطع نمی‌داند چه چیزی در پیش است، جز تغییر (پرونده «قانون و توییتر»).

از این رو، «عجیب ترین پرونده های قضایی» یک کتاب حقوقی محض نیست، بلکه به جنبه‌های مختلف موضوعات حقوقی پرداخته است که در کنار پرونده‌های مورد اشاره، از زوایای دیگر می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

عدم پذیرش دفاع اضطرار در قتل عمدی (پرونده «دادلی و استیونز»)، سیر استفاده از صندلی الکتریکی به جای حلق آویز کردن برای اعدام مجرمان (پرونده «یک ماجرای تکان‌هنده»)، نخستین استفاده موفقیت‌آمیز از اثر انگشت در کشف جرم (پرونده «یک کشف منحصر به فرد»)، چگونگی استناد به دفاع عدم تقصیر به دلیل جنون (پرونده «یک اجرای نمایشی»)، اوتانازی (پرونده «قتل به درخواست مقتول»)، چگونگی مسئولیت تولیدکننده محصول در قبال مصرف‌کننده نهایی که با وی قراردادی نداشته است (پرونده «اثر ماندگار یک تقصیر»)، امکان ارتکاب جرم افترا یا توهین از طریق تصویر به جای گفته یا نوشته (پرونده‌های «یک تصویر هزاران کلمه را ترسیم می‌کند» و «آن عمو نوریس است»)، حکم شروع به ارتکاب جرم محال (پرونده «اندرتون علیه ریان»)، امکان ارتکاب جرم آتش زدن عمدی نسبت به مال متعلق به خود مرتکب (پرونده «مهمانی بی‌پایان»)، تأثیر مجازات‌های شرمسارکننده به جای مجازات‌های سنگین در بازداشتن افراد از ارتکاب جرم (پرونده «شرمساری از ارتکاب جرم»)، امکان ارتکاب جرایمی مثل توهین و افترا حتی جرایم علیه تمامیت جسمانی اشخاص از طریق شبکه‌های اجتماعی در فضای مجازی (پرونده «قانون و توییتر») و چندین مورد دیگر.

مطالعه این پرونده‌ها، با ایجاد نگاهی عمیق‌تر به موضوعات حقوقی، ما را به زوایای پنهان آن‌ها رهنمون می‌سازد.

۹. Diana Hersevoort

۱۰. Reckless Driving



گاهنامه علمی - دانشجویی

انجمن علمی - دانشجویی حقوق دانشگاه تهران

شماره یازدهم | سال پنجم | خرداد ۱۴۰۴



lawut-anjomanelmi

